



اساس سوسیالیسم انسان است،  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

برای

۱۵

# یک دنیا بیتر

نشریه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity faction of WPI

چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۸ آوریل ۲۰۰۷ - ۲۹ فوریه ۱۳۸۶ e-mail: siavash\_d@yahoo.com

سردبیر: سیاوش دانشور

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴

علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی

بخش دوم

صفحه ۷



**کمپین آزادی**  
 محمود صالحی را  
 گسترش دهیم!

دستگیری محمود صالحی و احضار فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبش آزادی و برابری، پیش‌دستی رژیم اسلامی برای مقابله با اول مه و مراسم‌های روز جهانی کارگر است. برای آزادی محمود صالحی و کلیه دستگیر شدگان تلاش کنیم و به استقبال یک اول مه باشکوه و سوسیالیستی برویم!

صفحه ۲۳

**پیش به سوی اول مه!**  
**کارگران جهان متحد شوید!**

سیاوش دانشور

صفحه ۲



**شبی در جهان در حال گشت و گذار است**  
 بمناسبت اول ماه مه

خسرو دانش  
صفحه ۵

**گزارش‌های از اعتراض سراسری معلمان**  
صفحه ۱۷

**گزارش‌های اعتراضات کارگری**  
صفحه ۲۵

**صاحب‌به با فعالین و سازماندهندگان**  
**کمپین اتحاد علیه فقر**

با علی جوادی  
صفحه ۶

مرکز مطالعات اتحاد کمونیسم کارگری ارانه می‌کند:

**موضوع**  
**"اتحاد جنبش کمونیسم کارگری"**

**سخنرانان**

سیاوش دانشور، نسرين رمضانعلی، آذر ماجدی  
اسن آلمان، ۴ مه، گوتبرگ سوئد، ۲۸ آوریل

در صفحات دیگر: آکسیون برای آزادی محمود صالحی، خبر اجتماع معلمان، نامه ها و ستون آخر.

یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

ما و جمهوری اسلامی

جبهه های نبرد در آستانه اول مه

بعضی اوقات از ترم دولت احمدی نژاد و تکرار بیش از حد آن باید نگران بود. نه در مورد آنهایی که تمام دنیاپیشان مقابله با بخش بسیار "فاندمنتال" رژیم است، بلکه در مورد کسانی که ظاهرآ علیه جمهوری اسلامی هستند. تقاضی جمهوری اسلامی به یک جناح حکومتی و تخفیف ضمی و عمدی و سهوی به کلیت این پدیده کثیف در ادبیات سیاسی اپوزیسیون البته سیاست کهنه و پاخورده ای است که ته آن قرار است مردم را به مسلح جناح دیگر بفرستند.

به صحنه سیاسی ایران نگاه کنید! تحلیلها و مشغله های فکری را بررسی کنید! نگرانیها و توصیه ها و تفسیرها را مرور کنید! از روزنامه ها و رسانه های دولتها غربی تا کنفرانسها و جلسات سیاسی اپوزیسیون مجاز در خارج و داخل و ماتریال تحلیلی بخش زیادی از گروههای اپوزیسیون ایران، عمدتاً روی دو نکته دور میزنند؛ خطر جنگ و بحثهای مربوط به کیس هسته ای و دولت احمدی نژاد. در این میان بال دیگر نظام در ترکیبات و زرورق جدید مشغول زمینه ساختن برای مطلوبیت خود است. ایندو البته اجزای یک سیاست واحداند. همزمان با بازی و مانورهای ترویریستی - هسته ای و قنی به مواضع جناحهای دیگر رژیم اسلامی دقیق میشود، دستکم در مورد "حق ایران برای برخورداری از انرژی هسته ای" و کوبیدن مردم و اعتراضاتشان، جناحهای رژیم اسلامی موضع اساساً یکسانی دارند. برای همه شان اصل نظام، حفظ نظام، تحکیم موقعیت لفت و لیس هر کدامشان هویت مشترک است. زدن و عقب راندن مردم اصل اساسی است. موقعیت صفحه ۲۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گذاشته شود، دوره "پایان دیکتاتوریها" است و اگر کسی میخواهد شعاراتی بدهد اینست: زنده باد سود و زنده باد سرمایه و زنده باد باع وحش رقابت در دمکراسی نظم نوینی! سرمایه بعنوان همه چیز و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه داران و رهبران و شخصیتها و متفکرین سرمایه داری بعنوان "اذل و ابد" و "پایان تاریخ" معرفی شد. دو دهه اخیر براستی نشان داد که کارگر باید مرغ عزا و عروسی سرمایه باشد اگر این روایت را بپذیرد، اگر بپذیرد که وضع همین است، زندگی همین است، سرنوشت ما همین است و رقابت اصل اساسی و موتور محرکه جهان و جامعه بشری است.

بورژوازی بارها جهان را در مقیاس بین المللی و منطقه ای به جنگ کشیده است. ناسیونالیسم و هویت ملی و پرچم ملی، و امروز قومیت و مذهب نیز، بعنوان طبقه برگی ما و ارکان مهم ایدئولوژی طبقه حاکم در جنگ علیه طبقه کارگر بیوققه بکار گرفته شده است. تعادل این نظام و ساخت نگهداشتن بشریت کارگر بدون سرکوب خونین و مسخ و تحریف نقد کارگری و سوسیالیستی غیر ممکن است. آنجا که نمیتوانند علیرغم تهدید و ارعاب و سرکوب دامنه نقد و اعتراض سوسیالیستی و کمونیستی طبقه را محدود و بی اثر کنند، به برافراشتن پرچمها ارتجاعی و افکهای سازش با وضع موجود و یا انتقاد بورژوازی در میان طبقه ما و از زبان خود ما مباردت میکنند. این گرایش که باید با وضع موجود همراه با بخشی از بورژوازی کنار آمد، این پرچم که کارگر باید امر قدرت سیاسی را به بورژوازی محول کند و برای مطالبات قسمتی خود تلاش کند، این تمایل که کارگر را از تشکیل سازمان کمونیستی و تحزب کمونیستی باز میدارد، این گرایش که آزادی کارگر را در تلاش خود کارگر مستقل از رهائی کل جامعه میداند، این پرچمها که هویت ملی و قسمتی و مذهبی را در مقابل هویت جهانی و طبقاتی و واحد صفحه ۳



## پیش بسوی اول مه! کارگران جهان متحد شوید!

سیاوش دانشور

توضیح؛ این مطلب در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۶ برای نشریه کارگر کمونیست نوشته شده و در شماره ۳۱ این نشریه منتشر شده است.

تحقیق و باوراندن این خرافات بسیج کردند، و فجایع جنایتکارانه و شرم آور و حیوانی رواندا و یوگسلاوی و افغانستان و عراق و چنستان و غیره را خلق کردند!

اما اینها کافی نبود! میباشد انتقام بزیرکشیدن بنای وادروم را در پاریس با بزیرکشیدن مجسمه لنین در مسکو از ما میگرفند، و همزمان که بورژواها در جهان بعد از جنگ سرد دندهای گرد و خونین شان را برای سهم بری از دنیای جدید تیز میگردند، در جنگ وسیعتری با طبقه ما به پیروزیهای درخشناد دست می یافتد. این تنها تولید سلاح و تکنولوژی آدمکشی نبود که هر روز افزایی سیاسی رونق کارخانه کثیف تولید رهبران ملی و قومی و مذهبی نبود که از لای لجن ها بیرون میزد، میباشد انتقامی سخت از طبقه کارگر و کشترها و سمعیت ها و آوارگی ها، که چندی پیش در عقیه تاریخ ما ثبت شده بودند، به واقعیت زنده و "خبر" رسانه ها در منزلهایمان تبدیل شدند، بلکه بیشترین قربانیان آن طبقه ما کارگران جهان بودند. در این سالها بورژوازی در اعتراضات کارگری برعلیه سیاستهای صرفه جوئی دولتها و بیکار سازی و افزایش ساعت کار هفتگی بود. سال گذشته در میان دود و باروت و خون و ناسیونالیسم و تروریسم و جنگ و اختناق، طبقه کارگر در مقیاس جهانی تلاش کرد رخ نشان دهد. حقیقتا در این جهانی که همه چیزش از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و اخلاق و معنویات بر پاشنه سود سرمایه و قدرت نظام سرمایه داری میگردد، دنیا که بورژوازی شهر و ندان قرن بیست و یکمی را میخواهد در خدمت اهداف نامقدس سود و سرمایه و مالکیت خصوصی چرا انترناسیونال کارگری پیا کردد، اکتبر را سازمان دادند، و نسل بعد نسل روی دوش تجارب محکوم شدند، بیخود احزاب کارگری تشکیل داند، بیخود با سرافراشته در دفاع از کارگران در بیدادگاهای بورژوازی در آمریکا فریاد زدند و به تیرباران بودجه جنگ و سیاست راست تبدیل شد. در چهار گوشه جهان با ساطور خونین ناسیونالیسم و مذهب به جانمان افغانستان؛ به صد ها قوم و مذهب و فرقه تقسیم مان کردند، به سربازان ارشتهای کثیف ملی و مذهبی تبدیل مان کردند، تلاش جدال طبقاتی بر میبرمیت و ضرورت تغییر جهان تلاش کرددند! همه اینها پوچ بوده است، اساساً لغت کارگر و طبقه و جامعه طبقاتی و مبارزه طبقاتی بی معنی است! فرهنگ جهانی و ستاوردهای بشری و تحلیل و نقد در قالبها و اشکال و بسته بندی جدید در مقابله با گذاشته، مانند اجدادمان در عهد برگی قدیم در میدانهای جنگ به جان هم انداختند، تمام اندوخته و داشت و تکنولوژی و سرمایه اجتماعی را در خدمت

پرچم اول مه امسال باید بازگشت قطعی کارگر به صحنه سیاست باشد. کارگران ناگزیرند برای دفاع از خود و جامعه سرمایه و دولتهاش را افسار زنند. اول مه امسال بدلایل معینی از جمله اوضاع سیاسی بین المللی و تعمیق بحرانهای سیاسی و اقتصادی میتواند و باید متفاوت باشد. هر

ناظر ابژکتیو رویدادهای سیاسی زیر و رو کننده دو دهه اخیر اذعان دارد که بورژوازی جهان را در مسیر یک سیر قهوه‌ای و عقب‌گردانی تاریخی قرار داده است. روندی که اولین قربانیان بلافضل ان طبقه کارگر و زندگی و آینده اوتست. نه فقط جنگها و کشتهایها و سمعیت ها و آوارگی ها، که چندی پیش در عقیه تاریخ ما ثبت شده بودند، به واقعیت زنده و "خبر" رسانه ها در منزلهایمان تبدیل شدند، بلکه بیشترین قربانیان آن طبقه ما کارگران جهان بودند. در این سالها بورژوازی در تعرضی لجام گسیخته در قلمروهای اقتصادی و سیاسی و حقوقی و فرهنگی، بشریت و رسانیده ای را بعنوان چmacدار استخدام کردد تا توریهای برگی تولید کنند؛ گفتند که اعقاب این اشتباہ کردن که برای ۸ ساعت کار قیام کردن، بشی از طبقه ما خود گوشت دم موشک و بمب و یا توب و اسلحه های سرداران و چارگری تشکیل داند، بیخود با سرافراشته در دفاع از کارگران در بیدادگاهای بورژوازی در آمریکا فریاد زدند و به تیرباران بودجه جنگ و سیاست راست تبدیل شد. در چهار گوشه جهان با ساطور خونین ناسیونالیسم و مذهب به جانمان افغانستان؛ به صد ها قوم و مذهب و فرقه تقسیم مان کردند، به سربازان ارشتهای کثیف ملی و مذهبی تبدیل مان کردند، تلاش کرددند! همه اینها پوچ بوده است، اساساً لغت کارگر و طبقه و جامعه طبقاتی و مبارزه طبقاتی بی معنی است! فرهنگ جهانی و ستاوردهای بشری و تحلیل و نقد در قالبها و اشکال و بسته بندی جدید در مقابله با گذاشته، مانند اجدادمان در عهد برگی قدیم در میدانهای جنگ به جان هم انداختند، تمام اندوخته و داشت و تکنولوژی و سرمایه اجتماعی را در خدمت از آنرو که جنبش برگان مزدی علیه نظام برگی تنها راه بروند رفت بشریت از منجلاب سرمایه داری است.

## پیش بسوی اول مه! کارگران جهان متحد شوید!

سال گذشته کارگران ایران اول مه سوسیالیستی شان را پشت سر گذاشتند و کل رویدادهای سیاسی سال ۸۴ متاثر از منشور اول مه بود. در ترکیه و کره و آرژانتین بیشتر از هر زمان اول مه به صحنه تقابل چmacداران نظام و امنیت سرمایه با کارگران گرسنه و معرض تدبیل شد. در کشورهای اروپا از جمله در ایتالیا و فرانسه و آلمان اول مه رادیکال تر و متاثر از اعتراضات کارگری برعلیه سیاستهای صرفه جوئی دولتها و بیکار سازی و افزایش ساعت کار هفتگی بود. سال گذشته در میان دود و باروت و خون و ناسیونالیسم و تروریسم و جنگ و اختناق، طبقه کارگر در مقیاس جهانی تلاش کرد رخ نشان دهد. حقیقتا در این جهانی که همه چیزش از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و اخلاق و معنویات بر پاشنه سود سرمایه و قدرت نظام سرمایه داری میگردد، دنیا که بورژوازی شهر و ندان قرن بیست و یکمی را میخواهد در خدمت اهداف نامقدس سود و سرمایه و مالکیت خصوصی قربانی و له کند، در دنیای هویتهای دست ساز و جعلی و تعصبات جاهلانه ملی و قومی و مذهبی، روز جهانی کارگر و جنبش اول مه عزیز است و باید عزیز داشته شود. عزیز است نه از آنرو که کارگر بودن و بردۀ مزد بودن هویت ابدی ماست بلکه از آنرو که جنبش برگان مزدی میدانهای جنگ به جان هم انداختند، تمام اندوخته و داشت و تکنولوژی و سرمایه اجتماعی را در خدمت

## پیش بسوی اول مه...

اجتماع هشت میلیونی مردم اسپانیا در فوریه و اجتماعات سراسری در بیست مارس سال گذشته علیه تروریسم اسلامی است. اعتصابات زنجیره ای در اروپا و اولتیماتوم کارگران به دولتها محافظه کار و لیبرال و سوسيال دمکرات، نه فقط به شکست افق راست دلات میکند بلکه تمام شواهد حاکی از آنست که فضای جامعه به چپ چرخیده است. اروپا وارد دوران جدید شده است. دورانی که طبقه کارگر ناچار است نه فقط بورژوازی را افسار زند بلکه در شکل دادن به سیمای آتی جامعه و جدال برای سهمش از آینده وارد مصافهای طبقاتی حادتری شود. این چیزگرانی امروز بیش از هر زمان به کمونیسم مارکسیستی و کارگری نیاز دارد. نه جناح چپ طبقه حاکم، نه چپ ناسیونالیست و "صد امپریالیست" آمریکایی لاتین و نه چپ سنتی و فرقه ای در اروپا، قادر نیست این چرخش به چپ در ابعاد جوامع امروز را هضم کند. امروز بیش از هر زمان کارگران و بشریت پیشو ا به احزاب کمونیستی کارگری قدرتمند که آلترناتیو سوسيالیسم را در مقابل کل جامعه قرار دهن نیاز دارد.

### ایران

در ایران سال گذشته نه سال رفرازندوم بود، نه سال جمهوریخواهی، نه سال سلطنت، و نه سال رژیم اسلامی. سال گذشته سال طبقه کارگر بود. سال اعتراض رادیکال کارگری و کوبیدن مهر طبقه کارگر به روند تحولات سیاسی بود. این و بویژه تحت حاکمیتی وحشی مانند رژیم اسلامی و منوعیت احزاب و سازمانهای کارگری مهم است. اعتراضات و اعتصابات کارگری در ایران علیرغم "حرام" بودن اعتتصاب و سرکوب خونین آن همیشه وجود داشته است. تلاش برای شکل دادن به تشکلهای آزاد کارگری مستقل از دولت قبل از اول مه سال پیش آغاز شده بود. اما اول مه سال گذشته یک نقطه عطف مهم در جنبش مستقل اعتراضی مردم علیه رژیم بطور

محورهای اصلی "منشور ۲۰۱۰" بورژوازی آلمان است به خیابانها آمدند. بورژوازی آلمان پاسخ جنبش ۳۵ ساعت کار در هفته کارگران را با طرح افزایش ساعت کار هفتگی، یعنی از ۳۸ و ۴۱ نیم ساعت کنونی به ۴۰ و ۴۱ ساعت را هدف قراردادهای جدید کار قرار داده است. در سپتامبر سال گذشته نیز میلیونها کارگر در ایتالیا علیه کاهش مستمری ها، با شعار "از آینده خود دفاع کن"، ۴ ساعت اعتصاب کردند و خیابانهای رم را به تسخیر خود درآوردند. در ادامه این اعتراضات در اوآخر ماه فوریه سال گذشته مجددا در ایتالیا یک میلیون کارگر علیه طرح تغییر قانون بازنشستگی دست به اعتسابی پیکروزه زند و در ۶ شهر ایتالیا راهپیمانی کردند. در فرانسه و هلند نیز در دو سال گذشته با موج اعتراضات و اعتصابات کارگری و دعوا برسر اعتصاب کار مواجه بودیم. ساعت کار مواجه دهه شورشای حاشیه نشیان فرانسه در سال گذشته که دنیا را سورپرایز کرد و اعتصابات دو ماه گذشته فرانسه که در ۲۸ مارس به اعتساب گسترده و چند میلیونی سراسری علیه لایحه جدید استخدامی با شعار "ما هرگز تسلیم نمیشویم"، هنوز در جریان است. همین روز در انگلستان بیش از یک میلیون کارگر بخش خدمات در اعتراض به افزایش سن بازنشستگی اعتساب کردند. اعتراضات میلیونی در ایتالیا و فرانسه و انگلستان و اعتصابات گسترده در اسپانیا و آلمان و هلند و اجتماعات و اعتصابات دیگر در کشورهای اروپائی که بخشن چند صد هزار کارگر را در برگرفت، تصویر جدیدی در اروپا است که مستقل از نتیجه تاکنونی آن تئوریهای تسلیم طبلانه و ضد کارگری بورژواها و آکادمیهای بورژوازی را پس از پایان جنگ سرد بی اعتبار اعلام کرده است.

اعتراضات کارگری اخیر ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگری علیه جنگ آمریکا در عراق و علیه "نظم نوین جهانی" است. واکنش توده ای و چند صد میلیونی در دنیا علیه جنگ آمریکا در عراق در پانزده فوریه ۲۰۰۳،

این کشورها متصور نیست و به فراموش شدگان تبدیل شدند. خاورمیانه در تب تروریسم و جنگ داخلی و توحش مذهب و ارتش آمریکا و ناتو دست و پا میزند و هر روز خطر جدیدی کمین کرده است. حکومتهای آمریکایی ایتدولوژی بورژوازی در میان خوتناهای نظامی به برادران سیویل شان واگذار شود و دمکراسی فقر و فحشا بانک جهانی در آن شکوفا شود، یکی پشت سر دیگری در فقدان یک راه حل سوسيالیستی و کارگری بدست جناح چپ مرکز و ناسیونالیسم چپ می افتد. این مردم اکر تا آخر عمرشان کار کنند و بدھی پس بدنه هنوز در گور نیز مفروض اند!

### وضعیت جدید

کشمکشها و رقابت‌های طبقه حاکم هنوز به فرجام نهانی خود نرسیده است. جنگ سرد پایان یافته و جهان دو قطبی و معادلات آن مذہب است موضوعیت ندارد. کشمکش برسر آرایش سیاسی و اقتصادی و نظامی و ایدئولوژیکی جهان هنوز مسئله ای مفتوح است. پرچم نظم نوین بورژوازی آمریکا نیمه افراشته است. اروپای واحد چیزی نیست جز صفتی بخشی از بورژوازی جهانی در متن رقابت‌های حاد سرمایه. رویه حذف روی دوش ناسیونالیسم و فقر و مافیا کمر راست میکند و چین در کنار ژاپن بعنوان یک قطب اقتصادی جدید دارد قد علم میکند. سرنوشت بسیاری از کشورهایی که قرار بود سیر توسعه اقتصادی را در پیش بگیرند به فراموشی سپرده شده است. جهان عرب همچنان در ارزوای خود از بازار جهانی بعنوان یک بخش انتگره اقتصاد جهانی بسر میبرد و ناسیونالیسم عرب تلاشش به حفظ حیات خلوت دیکتاتوری خویش بر اردی کار ارزان در مقابل اسلام سیاسی محدود شده است. در کشورهای سابق بلوک شرق جنگ و کودتا برسر قدرت بیشتر جناح های طرفدار امریکا و روسیه در جریان است، هنوز چشم انداز رشد اقتصادی و بهبود زندگی مردم و آزادیهای مدنی در

## پیش بسوی اول مه...

این صحنه را باید دگرگون کرد. این اوضاع را باید عوض کرد. نه برگرداندن به دو دهه پیش و آغاز موج راستگرانی ریگان و تاچر، بلکه به افق سرمایه داری نه، استثمار نه، برگری مزدی نه، تبعیض نه، مذهب نه، ناسیونالیسم نه! دفاع از حقوق حقه کارگری در مناسبت روز جهانی کارگر همیشه و همواره باید مورد تأکید قرار بگیرد. اما طرح مطالبات باصطلاح صنفی و اقتصادی کارگری در رادیکالترين شکل آن، علیرغم اهمیت و مبرمیت آن در زندگی کارگران و مکان آن در تغییر تناسب فوای طبقات، هنوز کارگران را بعنوان بردهگان مزدی، بردهگان همین نظامی که در کره خاکی هر شانیه میکشد، تثبیت میکند. ما باید این تصویر را در ذهن آحاد طبقه کارگر و جامعه بشری بطور کلی عوض کنیم که قدرت سیاسی و تصویب قوانین و رقم زدن سرنوشت مردم بطور "طبیعی" در دست بورژوازیست. هر کسی، با هر رنگ پرچمی، با هر ایده آل انسانی و حتی کارگری، که میگوید کارگران باید به این وضعیت رضایت دهند، دشمن طبقه کارگر است و به اردوی مقابل تعلق دارد. این وضعیت باید تغییر کند و تاکنون بشریت هرچه دارد، از ثروت و داش و رفاه و غیره محصول کار اجتماعی طبقه کارگر و مبارزه و تلاش اوست. طبقه ای که با کار خود هر روز جهان را میگرداند و خرج طبقه حاکم و ارش و پلیس و دستگاه سرکوب و بورکراسی را تامین میکند، خودش میتواند و باید حکومت کند. راه آزادی پسر در دست طبقه کارگر متشكل و معطوف به کسب قدرت سیاسی است. طبقه کارگر یا به عنوان رهبر جامعه برای امر آزادی و برایری و نفی تمام اشکال ستم و استثمار به میدان می آید و یا به عنوان نیروی ذخیره ارش و بورژوازی هر روز نابود میشود. طبقه کارگر یا پرچم انقلاب عليه سرمایه و تمام حافظان نظم موجود را در دست میگیرد و بعنوان یک نیروی قدرتمند در قلمرو سیاست به میدان می آید و یا زندگی حال و آینده خود و فرزندانش را

که اگر اوضاع را بدست بورژواها کند، سر از قرون وسطاً و برگری قدیم در می آورد. نه فقط نعره های جنگ طبلانه و تروریستی و ناسیونالیسم لجام گشیخته بورژوازی بلکه رجعت به ارزشها عتیق قومی و مذهبی، جامعه بشری را که روی دوش کارگران ساخته شده است در معرض خطر جدی قرار داده است. جوانان یعنی نسل جدید کارگران، و بازنشستگان یعنی نسل پیشین کارگران، بیش از پیش دریافته اند که وعده های بازار و رقابت و دمکراسی چه محصولات کثیف و ضد جامعه ای تولید میکند. جامعه امروز بشری و اکثریت مردم شریف و کارکن، نتیجه سیاستهای اقتصادی طبقه حاکم و سیاست سفت کردن کمربندها را، که دیگر کمایش یک نسخه واحد جهانی است، با پوست و گوشتش و استخوان خود لمس میکنند. جامعه امروز میبیند که نتایج تئوریهایی که کارگر و کمونیسم را به آستانبوسی بورژواها و نظم نوین شان خواندند به کجا رسیده است. کسی بیست سال پیش تصور نمیکرد در قلب اروپا همسایه شکم همسایه را با پرچم قومیت و ملیت و مذهب باره کند. کسی تصور نمیکرد که اسلام و مذهب چنین جانی در سیاست بیابند و دنیا را در کام تروریسم و آدمکشی فرو ببرند. کسی تصور نمیکرد که یک میلیون رواندائی را در صد روز نابود کند. کسی باور نمیکرد کارگر در کانادا و امریکا خانه اش را بعد از بیست سال کار شاق از دست دهد. کسی باور نمیکرد که سران دول فخیمه غربی مانند اسلامفشار دنیا را به میدان آزمایش بمب و موشک و سلاحهای کشتار جمعی تبدیل کند. کسی باور نمیکرد که تا این درجه کارگران و شهروندان را نه فقط در خاورمیانه و آمریکای لاتین و کشورهای موسوم به توسعه نیافتن، بلکه در قلب دمکراسی و لیبرالیسم غربی به چنین برگری تمام عیاری محکوم کند. یک سوال ساده سیاسی در مقابل هر کسی است که شاهد زنده این اوضاع است و میخواهد کاری انجام دهد اینست؛ چه باید کرد؟

واحد را با تمام قوا سرکوب کرد، اما بازنده بود. اعتصاب واحد را درهم کویید اما نتوانست دستاوردهای عظیم این اعتصاب را درهم بکوید، قادر نشد غول جنبش کارگری را در شیشه کند و پرچم مطالبات برق کارگری از جمله حق تشکل و اعتصاب و انعقاد قراردادهای دسته جمعی را منکوب کند و یا روحیه اعتراضی و رادیکال و تعرضی طبقه کارگر را عقب براند. رژیم اسلامی در مقابل کارگران کشته سازی و پتروشیمی ها و نساجی ها در قزوین و کردستان عقب نشست. اعتصابات متعددی پیروز شدند و جبهه مبارزه کارگری تقویت شد. صف رهبران واقعی کارگران به جامعه معرفی شدند و امر شکل کارگری به جلو پوسته رانده شد. همبستگی کارگری و انترناسیونالیسم، چه در سطح کشوری و چه در عرصه صحنه رانده شد. همبستگی کارگری و انترناسیونالیسم، چه در روزش و طبقاتی خود به میدان آمدند. اول مه (۱۱ اردیبهشت) سال گذشته مسیر را تا پایان سال تعیین کرد. اعتصابات پرسکوه نساجی ها در قزوین و کردستان، اعتصابات در پتروشیمی، کشته سازی، ایران خودرو، و بالاخره اعتصاب مهم و تعیین کننده کارگران شرکت واحد، اول مه را به پایان سال وصل کرد. رویدادهای مهم دیگر مانند مبارزه وسیع و رادیکال عليه مضحکه انتخابات، بیرون انداختن رفسنجانی در استادیوم آزادی توسط کارگران، حاشیه ای کردن بیشتر شوراهای اسلامی و خانه کارگر، اجتماع و تظاهرات میلیتانت زنان در تهران، شانزده آذر سرخ و سوسیالیستی که نژاد انسانی را میخواهد رها کند، اجتماعات باشکوه در دفاع از کارگران واحد، پژواک کارگر و مبارزه کارگری را در ایران تا کارگری و در پرتو کمپین باشکوه و بیاد ماندنی حزب در دفاع از کارگران واحد، میلیتانت زنان در تهران، شانزده آذر سرخ و سوسیالیستی که نژاد انسانی را میخواهد رها کند، اجتماعات باشکوه در دفاع از حقوق کودکان، اعتراضات گسترده مردم علیه رژیم اسلامی در کردستان و دیگر شهرهای ایران، پیروزیهای مکرر کارگران نساجی، مبارزه طولانی و اعتصاب کارگران شرکت واحد و هشتم مارس رادیکال و سرخ، خطی است که سال ۸۴ را ترسیم میکند.

## پیش بسوی اول مه

سال گذشته نیز رژیم اسلامی در حکومت ماند، سرکوب کرد، ترور کرد، اعدام کرد، تهدید کرد، رهبران اعتصاب را زندانی کرد، کودکان و همسران کارگران اعتصایی را کنک زد و زندانی کرد، برای فعالین کارگری و سازماندهندها اول مه سقز و دیگر اعتصابات کارگری پرونده سازی کرد، اعتصاب کارگران

باشد ئنرالها و سرکوبگران و خلیل آخوندها و کاربینال ها و خاکام ها و اعاظین بردگی پسر را مرخص خواهیم کرد و بجای تولید جهالت و ستم در جامعه علم و پیشرفت انسان را هدف قرار خواهیم داد! اگر نزیبا دست ما باشد آن را زیر و رو خواهیم کرد! کمونیسم چنین واقعی و عینی کارگران و چنینی برای تغییر رادیکال و ریشه ای جهان است. کمونیسم ساده است به سادگی رویاها، و تبدیل آن از یک آرزوی دیرینه پسر به حقیقت مادی و ملموس، تنها پرانتیک جمعی و فردی همه ما را طلب میکند! در اول مه باید لباس صنفی مان را دور بیاندازیم و بعنوان انسان آزاد از قید و بند ایدنولوژی طبقات حاکم برای "نفی هر آنچه که هست" به میدان بیانیم! در اول مه باید به تغییر و مبرمیت و فوریت آن فراخوان دهیم و صفحه خود را در هرگوشه جهان با زمزمه سروود انترناسیونال به صفت کارگران جهان گره زنیم! در اول مه باید از حرمت بشریت اعاده حیثیت کنیم و بورژوازی و نظامش را به محکمه پکشیم! اول مه عزیز است، چون باید این افق را داشته باشد و برای تحقق آن نیرو بسیج کند! در اول مه با صدائی به غرش رعد و برق "کارگران جهان متحد شوید" را فریاد کنیم! در اول مه با پرچم آزادی و رفاه جامعه به میدان بیانیم!

**اول مه به کارگران جهان مبارک  
باد، زنده باد اول مه!**

۲۰۰۶ مارچ ۳۱

دیگر سوسیالیسم انسانی همه را بسوی خود جذب خواهد کرد. باید در سالگرد اول ماه مه امسال فریاد زنده باد سوسیالیسم و جاودانه باد منصور حکمت را برآورد. مارکس و منصور حکمت نموده اند، جاودانه شده اند و اثارشان بر تاریک چنیش کمونیسم کارگری طبقه ی کارگر ایران و جهان میدرخشد. کمونیسم کارگری باید در این روز به محافظین نظام سرمایه هجوم برد و آزادی محمود صالحی و دیگر مطالبات صنفی- سیاسی خود را فریاد برآورد. باید به بورژوازی فهماند که دور، دور تهاجم کمونیسم بر سرمایه است و باید عقب نشینید و جهان را به طبقه ی کارگر و انسانیت واگذارد. ما طبقه ی کارگر ایران باید به اوباش بورژوازی اسلامی و بورژوازی جهانی اولتیماتوم دهیم چنانچه بخواهند به سرکوب و سیه روزی مردم ادامه دهند طولی خواهد کشید که جهان سرمایه را به آتش انقلاب کارگری و سوسیالیسم انسانی مارکس و منصور حکمت خواهیم کشید. در این روز باید قاطعنه فریاد کشید تا گوش سرمایه ازطنین این شعار کر شود: **کارگران**

**جهان متحد شوید!**

## پیش بسوی اول مه...

در اختیار بورژوازی میگذارد. انتخاب سومی در مقابل طبقه کارگر نیست؛ یا سوسیالیسم و حکومت کارگری یا بربریت سرمایه داری!

در اول مه، در مقابل مذهب و ناسیونالیسم و سرمایه، پرچم انترناسیونالیسم کارگری را برافرازیم و در صفحه جهانی بر هویت مشترک انسانی و طبقاتی مان تاکید کنیم. در اول مه با شعارها و قطعنامه ها و سخنرانی رهبران کارگری جامعه را فراخوان دهیم که اگر نزیبا دست ما باشد؛ کودکی از گرسنگی و بسی دارویی تلف نخواهد شد! اگر نزیبا دست ما باشد تبعیض و استثمار را الغای میکنیم و فقر را از چهره جامعه پاک خواهیم کرد! اگر نزیبا دست ما باشد ملت و نژاد و مذهب پشتیت را قصابی نخواهند کرد و همه شهروندان محترم و پر ابر جامعه اند! اگر نزیبا دست ما باشد زندانها و سلاحدا و شکنجه گاهها را نابود خواهیم کرد و بجای سرکوب و انقیاد سیاسی و اقتصادی، شرایط مادی شکوفائی فرد و جامعه را تامین خواهیم کرد! اگر نزیبا دست ما باشد زندانه اند و سلامت خواهیم کرد. باید با اجباری برای تامین سود سرمایه نخواهد بود بلکه کار آگاهانه و نقشه مند برای رفع خواهیم داد! اگر نزیبا دست ما

## شبی در جهان در حال گشت و گذار است

### بمناسبت اول ماه مه

### خسرو دانش

پانزده سال پیش فرانسیس فوکویاما اقتصاد دان و متفکر بورژوازی معاصر و نظم نوین جهانی تز پایان تاریخ و پایان کمونیسم و پیروزی جاودانه ی دمکراسی و سرمایه داری را اعلام نمود و عنوان کرد که تنها نظام نوویلرالیسم و دمکراسی میتواند صلح و ازادی را در جهان پانزده سال گفته است که منظورش سیاست خارجی دولت بوش و تلاش استراتژیک آن برای تسلط بر جهان ی فکری باید در چنین مسیری گام نهاد و متحقق شود و تسخیر عرصه ی سرمایه باید اعلام کرد مگر نظام دمکراسی غربی در منطقه ی خاورمیانه و یا مناطق دیگر جهان میتواند بغیر از شکل دمکراسی موشک و کروز و دمکراسی آپارتایدی و دمکراسی مذهبی و دولتها ی قومی- مذهبی متحقق بشود. مگر نظام لیبرال دمکراسی موردنظر اقای فوکویاما میتواند هر شرایط متفاوت نحوه ی کاربرد مشخص آنرا بدانیم. باید در راستای حزب مارکسی مدن و حزب رهبر- سازمانده متفکرین و سیاستمداران بر آمده از بطن طبقه ی کارگر و جنبش کمونیسم کارگری ایران را در مقابل متفکرین و سیاستداران بورژوازی معاصر قرار داد و از امروز شخصیتهای دولت کمونیسم کارگری را به مردم ایران معرفی کرد. باید با چنین پر ایتیکی ارکان حزب رهبر و سازمانده را ساخت. این باید یکی از اجباری ها و پر ایتیک مهم حزب ما باشد. حزب ما باید بر دوش چنین شخصیتهایی ساخته شود و تداوم یابد. امروز روز تهاجم سوسیالیسم و کمونیسم انسانی بر سرمایه ی ضد انسانی است. شبی در جهان در حال گشت و گذار است. این شبی، شبی کمونیسم انسانی بر سرمایه ی ضد انسانی میباشد. امروز دیگر سوسیالیسم کسی را رم نخواهد داد، بلکه دوره ی ذنبه ی سوسیالیسم در جهان است. امروز باید بر قله ی ویرانه های ی فکری- عینی سرمایه پرچم اثباتی- سلبی کمونیسم کارگری منصور حکمت و مارکس را کوپید. باید دوباره عنوان کرد که پیروزی کمونیسم به یقین ممکن است تا اذرات تجزیه شده ی روان و جسم منصور حکمت آرام گیرد و شاد شود. باید شخصیت رهبران عملی- فکری طبقه ی کارگر کمونیست کارگری را بر فرق بورژوازی کو بید و به رخ آن کشید.

این عجز و در ماندگی متفکرین سرمایه و وقایع اجتماعی و عروج جنبشی های اجتماعی چند سال اخیر جهان نشان از این دارد که نظم نوین جهانی سرمایه به بن بست رسیده است. امروز بر متن این بن بست نظم نوین سرمایه، جنبشی های اجتماعی کمونیسم کارگری در حال عروج است که پرچم آنرا منصور حکمت از قعر سالهای سیاه "پایان کمونیسم" بر افرادشته نگاه داشت و کمونیسم انسانی مارکس را از زیر آوار "پایان تاریخ و انسان" سرمایه ببرون کشید. امروز باید بر متن ویرانه های ی سلبیت منفی متفکرین پست مدن و بورژوازی معاصر، سلبیت انقلابی و اجتماعی مارکس و منصور حکمت و اثباتگرایی کمونیسم کارگری را عنوان کرد. باید در عرصه ی فکری، آلتنتاتیو انسانی کمونیسم مارکس و منصور حکمت را در مقابل موجودیت ضد انسانی بورژوازی معاصر قرار دهیم. این حركت اثباتی در راستای تسخیر یکی از مکانیسمهای اجتماعی است و در واقع یک حركت سلبی و اجتماعی در شکل اثباتی آن محسوب

## مصاحبه با فعالین و سازماندهنگان کمپین اتحاد علیه فقر



بپرید که در این عرصه ها کار میکنند؟

**علی جوادی :** جریانات و نهادهایی که در زمینه مورد نظر در جامعه ایران علیه فقر تلاش و مبارزه میکنند، متتنوع و گسترشده هستند، و این یک ویژگی جامعه ایران در شرایط حاضر است. نهادها و شبکه های متفاوتی در جامعه موجودند که در بسیاری از این زمینه ها علیرغم سرکوبگری سیستم حاضر کار و تلاش میکنند. از نهادهای کمک به درمان معتادان گرفته تا نهادهای کمک به اسکان کارتون خوابها و یا تشکلات مدافعان حقوق و زندگی کودکان. یک وظیفه علیه فقر از نقطه نظر شناسایی و متصل شدن با این نهادها و تلاش برای ایجاد پیوند مبارزاتی در این عرصه های متعدد است. نسرين رمضانعلی مسئول سازماندهی این عرصه ها بزودی جوانب متعدد این کار را روشن و تعریف خواهد کرد.

**علیه فقر:** رهمنددها و توصیه های شما به کسانی که همین الان در ایران نه الزاما تحت عنوان مبارزه علیه فقر در چهت رفاه مردم و تامین یک زندگی انسانی برای احاد جامعه تلاش میکنند چیست؟

**علی جوادی :** یک کمبود کار فعالین و دست اندر کاران در این عرصه ها این است که فعالیت خود را در حاشیه جامعه به پیش میرند. لذا یک تلاش جدی ما قرار دادن این کانونهای فعل مبارزه علیه فقر در بستر اصلی اعتراض در جامعه است. تنها با اجتماعی شدن میتوان نیروی موثر و لازم چهت تغییرات بزرگ را گرد اورد. مساله دیگر اما در همین راستا هویت علی- اجتماعی بخشیدن به فعالین این عرصه ها است. این فعالین باید برای جامعه شناخته شده باشند. باید دارای هویت اجتماعی باشند. تنها در این صورت است که میتوانند موثر اهداف خود را پیش ببرند.

**علیه فقر :** دامنه مبارزه علیه فقر شامل چه عرصه های میشود و شما چه اقدامات معینی را مقابل روی خود گذاشته اید؟

**علی جوادی :** مبارزه علیه فقر عرصه ای وسیع و گسترشده است. حوزه های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه را در بر میگیرد. از مبارزه برای افزایش دستمزد گرفته، تا بیمه بیکاری برای همه افراد آماده به کار، تا مبارزه برای سکنی دادن افراد بی خانمان، تا سرپناه دادن به کودکان خیابان و دختران فراری، تا بیمه درمان، و تامین اجتماعی همگی از جنبه های مبارزه علیه فقر در ایران هستند.

باید تک تک به سراغ این عرصه ها رفت و در هر عرصه پروژه معینی را تعریف و آغاز به کار کرد. ما نیازمند آن هستیم که در عین حال اولویت های مبارزاتی خود را در هر عرصه تعریف کنیم. با نیروها و مازیال مبارزاتی در این عرصه ها آشنا شویم و تلاش کنیم که امکانات پیشروعی عمومی در این عرصه ها را فراهم کنیم. جریانات، محاذل، شبکه ها و ان جی او های بسیاری در عرصه های مختلف جامعه بر علیه فقر و عواقب ناشی از آن مبارزه میکنند. یک هدف ما ایجاد ظرف مشترکی برای پیوند و گشتنش این مبارزات است. ما در آینده نزدیک مباحث خودمان را در این زمینه ها منسجم تر در اختیار جامعه و فعالین این عرصه ها قرار خواهیم داد.

**علیه فقر :** الان در ایران در کنار مبارزه کارگران برای تامین زندگی بهتر، برای دستمزدهای بیشتر و یا حتی برای تامین حقوقهای پرداخت نشده و یا تامین اجتماعی و یا در اعتراض به بیکار سازی و یا مبارزه برای حقوق کودکان، تامین سرپناه برای کارتون خوابان و یا علیه کار کودکان و غیره مبارزه ویژه تحت این عنوان به پیش میرود. و کلا میتوان یک عرصه قائم به ذاتی برای این مبارزه تعریف کرد. آیا میتوانید نمونه هایی را بگوئید و یا نهاد و سازمانهای را در ایران نام

مبارزه باید سازمانیافته و هدفمند باشد. ما در طول تاریخ معمولاً شورش گرسنگان و محرومان علیه فقر را داشته ایم، اما کمتر شاهد مبارزه ای مشتشکل، سازمانیافته، و هدفمند علیه فقر در تمامی ابعادش بوده ایم. کمین علیه فقر در عین حال یک جمع بندی از سرنوشت چنان گلوی مردم را میفشارد و این مبارزه در سطح جهان است. باید حرکات و اعتراض موجود در جامعه علیه فقر را سازمان داد و مشتشکل کرد.

بیانیه علیه فقر اهداف عمومی کمپین ما را مشخص کرده است. ما در یک کلام خواهان از بین بردن فوری فقر و فلاکت در تمامی ابعاد آن هستیم. اما افقمان در مبارزه علیه فقر به "فقر زدایی مطلق" محدود نشده است. از نقطه نظر ما نابودی فقر مترادف با تامین رفاه است. استاندارها و توقعات ما را یک زندگی شایسته انسان در قرن بیست و یکم تعیین میکند. از دستمزد مکافی برای تامین یک زندگی انسانی گرفته تا مسکن مناسب تا بیمه درمانی و بهداشتی لازم و امکانات آموزشی و رفاهی مناسب جوانب متعدد پروژه ما را بیان میکند.

مهتمرین حلقه در این مبارزه به نظر من مبالغه سازماندهی و چگونگی سازماندهی است. ما مسلمان با یک صفحه خام و نانوشته مواجه نیستیم. مبارزه علیه فقر و فلاکت در عین حال مبارزه ای دائمی و گسترشده است. تشکل ها و نهادهای متعدد و در ظرفیتهای مختلف در حال پرداختن به ابعاد گوناگون تأثیرات این پدیده عمومی هستند. باید این جریانات را در بستر عمومی اعتراض علیه فقر در کنار هم قرار داد و مشتشکل کرد. علیه فقر در عین حال باید بتواند راسا در جامعه به جریانی تأثیر گذار و سازمانده تبدیل شود. ما در این زمینه بحثهای بسیاری داریم که توسل مستولین سازماندهی این عرصه بزودی دنبال خواهیم کرد.

### با علی جوادی

علیه فقر: چرا علیه فقر؟ میدانیم که فقر پدیده ای جدیدی نیست. بخصوص در جمهوری اسلامی ابعاد آن چنان دهشتگان است و چنان تباہی را در جامعه ایجاد کرده که هر چه از آن بگوییم و هر چه در جهت پایان دادن آن بکوشیم باز کم کرده ایم. ولی سوال این است چرا الان به فکر آن افتاده اید که چنین کمپینی را بوجود آورید؟ و کلا چه اهداف مشخصی را دنبال میکند و چگونه میتوان جنبش معینی را علیه آن سامان داد؟

**علی جوادی:** فقر مهمترین معضل اقتصادی است که با تمامی ابعاد کریه اش زندگی اکتریت عظیم مردم را در چنگال خود به اسارت گرفته است. ۸۰٪ جامعه زیر خط فقر زندگی میکند. فقر و فلاکت هر روزه زندگی های بسیاری را به نابودی و تباہی میکشد. از انسانهایی که گوشه خیابان در میان کارتوونها جان خود را از دست میدهد تا کسانیکه ناچارند کلیه خود را برای گذران زندگی بفروش برسانند تا کسانیکه برای تامین شهریه دانشگاه مجبور به تن فروشی شده اند، همگی جلوه های مسلمان با یک صفحه خام و نانوشته علیه فقر پاسخی به این معضل عظیم اجتماعی است. به قول شما "هر چه از آن بگوییم و هر چه در جهت پایان دادن آن بکوشیم باز کم کرده ایم".

چرا الان؟ شاید اکنون هم کمی دیر است! هر روز ادامه فقر یعنی هر روز نابودی زندگی های بسیاری. علیه فقر کمپینی برای تغییر این شرایط دهشتگان است. ضروریات وجودی خود را از این واقعیات خشن و درد آور موجود در جامعه میگیرد. اما این

# در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴

علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی

## بخش دوم

مساله ما، انتظارات ما، تصور ما، و نگرش ما از آنچه حزب باید باشد، از آنچه باید انجام دهد، از قرار کامل‌با آنچه اکنون صورت می‌گیرد متفاوت است. اجازه دهید این نکته را کمی توضیح دهم.

چندی پیش مقامات وزارت کشور رژیم اسلامی اعلام کردند که در شش ماه گذشته بیش از ۲۰۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری در جامعه رخ داده است. مسلمان این گوشه‌ای از حقیقت اعتراضی در جامعه است. حال سؤال این است که نقش ما در این مجموعه از اعتراضات کارگری چگونه بوده است؟ آیا توانسته ایم نقش کلیدی در اعتراضات بر سر پرداخت دستمزدهای معوقه و یا افزایش دستمزد داشته باشیم؟ آیا توانسته ایم نقش مؤثری در جلوگیری از "تعديل نیروی انسانی" واحدی‌های تولیدی ایفا کنیم و جلوی اخراج ها را سد کنیم و یا با پروژه پرداخت فوری بیمه بیکاری مکفی را به یک امر سیاسی گرهی در جامعه تبدیل کنیم؟

بعلاوه مساله فقط بر سر ابعاد کمی کار سازماندهی و دخالتگری سازمانی و رهبری سیاسی و عملی نیست. یک حزب سازمانده و رهبر میتواند یک حزب سازمانده و رهبر کوچک باشد. میتواند در حوزه محدودی از اعتراضات جامعه نقش داشته باشد. اما کماکان یک حزب با مشخصات حزب رهبر و سازمانده باشد. دخالتگر باشد. سازمانده باشد. رهبر باشد. بینید بچه شیر از بچگی شیر است. در بچگی گر به نیست! نتیجتاً اگر فقط بحث را بر سر ابعاد کمی کار خلاصه کنیم از تفاوت و نقد اصلی مان دور شده ایم. سازمان پیکار هم در دورانی دارای ارتباطات کارگری قابل ملاحظه ای بود.

مقاطع میتوان به ضعفها و کمبودهایی هم اشاره کرد.

اما مساله ارزیابی از سیاسی و سازمانی حزب در جامعه است نمیتوان و نباید به اشاره و یا تأکید بر پیشویها محدود کرد! یک شاخص، ارزیابی و سنجد فاصله سیاسی و سازمانی از موقعیتی است که از یک حزب سازمانده و رهبر در شرایط سیاسی غیر قابل انکاری است. تلاش ما در دخالت در اعتراضات کارگران شرکت واحد یک نقطه قابل توجه از فعالیت حزب در دخالت سیاسی در این سلسله اعتراضات بود. ما انتظار داریم. سؤال این است که با توجه به گستردگی مبارزات کارگری و فعالیت جنبش‌های اجتماعی و همچنین جنبش سرنگونی آیا ما توانسته ایم با این اعتراضات بطور ویژه گره بخوریم؟ آیا توانسته ایم بخش قابل ملاحظه و تاثیر گذار و پر سر و صدا فعالیت رادیکال و سوسیالیست این اعتراضات بطور خود و یا در کنار خود داشته باشیم؟ آیا قادر شده ایم به چسب درونی نزدیکی رهبران عملی این طیف از کارگران رادیکال و سوسیالیست در جامعه تبدیل شویم؟ آیا قادر شده ایم که این رهبران را در موقعیت اجتماعی مناسبتری برای در دست گرفتن رهبری اعتراضات جاری در جامعه قرار دهیم؟ آیا توانسته ایم حزب را به حزب در برگیرنده رهبران عملی از سازمانده‌های دارند، خود از تاثیر گذاری سیاسی بودند. در اینجا اعتراض کارگری و اعتراضات اجتماعی تبدیل کنیم؟ آیا بافت و بدنه حزب به یک حزب سازمانده و رهبر تغییر کرده است؟

در پاسخ به این سؤالات اساسی نمیتوان کلی گویی کرد. نمیتوان مدعی بود که "تمام رهبران عملی کارگری با ما هستند" اما نتوان این "روی اوری" به حزب را نشان داد. نتوان دخالت مؤثر و سازمانیافته حزب را در اعتراضات نشان داد. برای ما هر درجه پیشروی حزب مایه افتخار و پیشروی است. ما خود در تک تک این پیشویها سهیم بوده ایم. اما

مسئله حزب رهبر شدن هنوز معتبر است؟

سخنرانی منصور حکمت در پلنوم ۱۴ (آخرین پلنومی که حضور داشت) حاوی یک ارزیابی از پراتیک دوره ای حزب بعد از کنگره سوم و یک راه برآورده رفت و پیشروی حزب است. در این سخنرانی همینطور به بحث کلیدی اتحاد حزب پس از منصور حکمت اشاره می‌شود و در باره خطراتی که میتوانند حزب را تهدید کنند هشدار داده شده است. از پلنوم ۱۴ تا امروز هم نیما تغییر کرده و هم حزب. اما در چهارچوب مفروضات و دستاوردها و متغیرهای ایندوره، هنوز نکات مهم و محوری هستند که باید در آن دقیق شد و استنتاجات روشن سیاسی و عملی از آنها گرفت. بویژه بحث مهم حزب سازمانده - حزب رهبر در این پلنوم طرح شده است و این بحث اساسی فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری رهبری برای تامین ملزمات پیروزی کمونیسم در ایران است. در ادامه مباحث تاکنونی پیرامون حزب سازمانده - حزب رهبر، در چند شماره نشریه به جواب مختلف مباحث پلنوم ۱۴ حزب مپردازیم.

## بخش دوم:

یک دنیای بهتر: منصور حکمت در پلنوم ۱۴ اشاره می‌کند که بنظر من اولین انتظار برآورده نشده بعد از کنگره تبدیل نشدن حزب از یک حزب مبلغ به یک دیگری مشاهده می‌کنید، هر چند که نقش سازماندهی حزب بطور مشخص به گستردگی ۱۶ آذر و یا اعتراض شرکت واحد نبود، اما شاهد این بودیم که سازمان آزادی زن نتوانست نقش ویژه ای در این اعتراضات داشته باشد. در کنار این دخالتگری ها باید به تلاش حزب در زمینه اعتراضات کارگران نساجی در ستدج اشاره کرد. مسلمان در هر کدام از این

لازم است و باید در قلمروها و جبهه‌های معینی مرتبه فعال باشد – نیاز حجم کنونی و سطح کنونی مبارزات و اعتراضات اجتماعی امروز را نمیدهد. یا ما و امثال ما نعش متور عقب و زنده باد گفتن ها برای اعتراضات و خط مشی پشت جبهه‌ای و حمایتی و شبه کفراسیوئی را ایفا میکنیم و گرایشات حی و حاضر در این اعتراضات مهر خود را میزنند، و یا عنوان یک نیروی درگیر اصلی و محوری و کلیدی در قلب این اعتراضات هستیم و آنرا سازماندهی و رهبری میکنیم. هیچ تفسیر و تحلیل پیچیده‌ای لازم نیست. باید به نیازها و الزامات جدال طبقاتی پاسخ دهیم. حزب کمونیستی بنا به تعریف حزب رهبر سیاسی و حزب سازمانده اعتراضات اجتماعی و رادیکال در جامعه است. و این با دو پلتفرم و اعلام چند شعار و رهنمود حاصل نمیشود. همه اینها لازمند، اما کافی نیستند. این امر حتی با بودن در گوشه‌ای از این اعتراضات محقق نمیشود، بلکه باید جهت و سیاست و تاکتیک این اعتراضات در قلمروهای مختلف متکی و متاثر از کمونیسم باشد. حزب سازمانده – حزب رهبر نه فقط بحث معتبر و کلیدی است بلکه امروز تنها راه پیشروی کمونیسم کارگری در ایران است.

**آذر ماجدی:** حزب پیشروی کرده است. این یک ارزیابی درست و واقعی است. لیکن باید این ارزیابی را در یک سطح کنکرت تر بررسی کنیم. حزب در چه عرصه‌هایی پیشروی کرده است؟ چه فاکتورهایی در این پیشروی نقش داشته است؟ تحلیل این فاکتورها برای پیشروی و پیروزی حزب تعیین کننده است. نمیتوان فقط ظاهر مسائل را دید و مطرح کرد. یکی از خصوصیت‌های اصلی متد منصور حکمت که در پلنوم ۱۴ نیز به روشنی کاربست آن را مشاهده میکنیم، همین است. در پلنوم ۱۴ نیز منصور حکمت علیرغم نقد بسیار تند و صریح از وضعیت حزب و متد رهبری حزب، به پیشروی حزب اشاره میکند. او میگوید که حزب

کارگری را در مقیاس یک جنبش گسترشده میگوییم که بسیار فراتر از احزاب کمونیستی کارگری یا برای تبدیل این شانس به یک واقعیت سیاسی و پرچم اعتراض مردم به وضع موجود باید تغییرات مناسب با نیازهای مادی جال طبقاتی صورت بگیرد. باید حزب در مقیاس وسیع به حزب سازمانده و رهبر تبدیل شود. باید حزب به نقطه‌اتکا و امید هر انسان معترضی تبدیل شود که این وضع را نمیخواهد. بحث حزب سازمانده و رهبر بحثی کلیشه‌ای و شیک نیست، یک نیاز فوری امروز ماست. در فقدان چنین خط مشی و سیاستی و ساختن حزب مارکسیستی براساس آن، ما از اوضاع عقب میمانیم و شانس عینی و واقعی کمونیسم در ایران به هدر میروند. صورت مسئله سرجایش است، نه میتوان آنرا تحریف و انکار کرد و نه میتوان در قبال رویدادها به آن بیتوجه بود. من میپرسم که اعتراض توده ای و سراسری معلمان که یک پدیده جدید در سیاست ایران حتی در چند دهه اخیر است، چه معنی روشنی برای کمونیسم دارد؟ کمونیسم در کلیت آن کجای این ماجرا ایستاده است؟ چقدر آن را میشناسد و بر لحظات آن محاط است؟ تا چه اندازه عنصر دخیل و درگیر و سازمانده و رهبر در آنست؟ اکر نیست کی فرار است بشود؟ وسط جنگ که نمیتوان سوت زدو گفت صبر کنید! اگر جامعه ملت‌های است، عاصی است، معارض است و از هر گوشه آن اعتراض و اعتصاب می‌جوشد، که هست، نقش کمونیسم که طبق تعریف باید سازمان رهبری و هدایت این مبارزات عظیم باشد چیست؟ هرچه اوضاع و ریتم سیاست تندتر میشود به همان درجه محدودیت‌های جریانات سیاسی در یک مقیاس کلی تر عیان تر میشود. زمانی که چندان دور داشتن خبر یک اعتصاب و یا تلاشی کمپنی حول یک اعتصاب دنیا را تکان میداد. اما این تناسب داشت با دوره و توازن طبقات و موقعیت نیروهای اپوزیسیون. امروز کمپنی صد بار قدرتمند تر مانند قطره‌ای در دریا است. اساساً کار کمپنی – که بسیار

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

چریکهای فدایی هم در دورانی چنین ارتباطاتی داشتند. اما هیچکدام حزب و سازمان در آمدن است. انکار هر سر سوزن از تلاش مثبت و رو به جلو حزب از جانب هر کسی سیاستی مغضبانه است. و انکه چطور میشود انسان نقش خودش را نادیده بگیرد؟ حزب هر پیشروی خاصی داشته محصول پرایتی جمعی و فردی یک لایه گسترشده کادری و فعالین این حزب در داخل و خارج است. ما منکر حقایق نیستیم، اما حقایق را براساس آنچه دوست داریم هم دستکاری نمیکنیم. ممکن است کسی بگوید که حزب در قلمروهای معینی که کاملاً قابل حسابرسی و ارزیابی روشن است حتی پسرفت داشتیم، اما رفقای دیگر بگویند نه پیشرفت داشتیم. این دیگر برミگردد به تلقی و افق های متقاول از حزب و فعالیت آن. ما در حرکتهای کارگری معینی نقش روشن و غیر قابل انکاری داشتیم، اما این فاصله زیادی با نقش محوری حزب در سازماندهی و رهبری اعتراضات گسترشده کارگری امریک دارد. ما در شکست سیاستهای راست نقش داشتیم اما با تحکیم هژمونی چپ و کمونیستی در مقیاس جامعه فاصله داریم. ما حقایق سیاستهایمان را در قبال رژیم اسلامی و متحدين سیاسی اش اثبات کرده ایم اما حاصل آن را در صحنه سیاست نمیتوان که نمیتوان سوت زدو گفت صبر کنید! اگر جامعه ملت‌های است، عاصی است، معارض است و از هر گوشه آن اعتراض و اعتصاب می‌جوشد، که هست، نقش کمونیسم که طبق تعریف باید سازمان رهبری و هدایت این مبارزات عظیم باشد چیست؟ هرچه اوضاع و ریتم سیاست تندتر میشود به همان درجه محدودیت‌های جریانات سیاسی در یک مقیاس کلی تر عیان تر میشود. زمانی که چندان دور داشتن خبر یک اعتصاب و یا تلاشی کمپنی حول یک اعتصاب دنیا را تکان میداد. اما این تناسب داشت با دوره و توازن طبقات و موقعیت نیروهای اپوزیسیون. امروز کمپنی صد بار قدرتمند تر مانند قطره‌ای در دریا است. اساساً کار کمپنی – که بسیار

از زمانی پلنوم ۱۴ به این طرف مان نه تنها به این سمت سیر نکرده ایم بلکه بعض فرصنهای مهمی را هم در این دوران از دست داده ایم. ما به دنبال حوادث روانه بوده ایم. تلاشی پایه ای برای جلب و جذب رهبران رادیکال و سوسیالیست کارگری نکرده ایم. نتوانسته ایم این طیف را متحد تر و منسجم تر در راس اعتراضات کارگری و اجتماعی قرار دهیم. صورت مساله ای که منصور حکمت در مقابل ما قرار داد کماکان به قوت خود باقی است. جنبش کمونیسم کارگری باید به این وضعیت خاتمه دهد. این وظیفه حیاتی ماست.

**سیاوش دانشور:** خیر ما منکر پیشرویهای حزب نیستیم. شاید

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

فعالیت نظری و فکری ما میان این محافل بسیار مهیا شده است. آیا تلاشی در این جهت انجام میگیرد؟ اگر بله، بسیار ناچیز.

یک مثال میزنم. اعتصاب شرکت واحد یک شرایط طلایی بود تا مباحثت ما در مورد جنبش کارگری، گرایش کمونیسم کارگری در این جنبش، مباحثت مربوط به سورا و سندیکا، و غیره در میان محافل فعال کارگری وسیعاً پخش شود. آیا ما در این جهت اقدام کردیم؟ خیر. بالعکس، به ارگان های تبلیغی حزب دستور داده شد که مباحثت مربوط به سورا – سندیکا را بایکانی کنند. چرا؟ چون سندیکای کارگران شرکت واحد فعل شده بود. آیا مباحثت مربوط به سیاست سازماندهی ما در میان کارگران، عضویت کارگری، آژیتاتور و غیره در میان محافل پخش میشود؟ یا توسط خود رهبری مورد ارجاع و کاربست قرار میگیرد؟ خیر. تنها بحثی که بعنوان کلید معجزآسای گشودن تمام موانع جنبش کارگری مکررا از آن تعریف و تمجید میشود، بحث تعین یابی رهبران کارگری است. همان طور که در مصاحبه پیشین اشاره کردم. در پلنوم 25 زمان بررسی قطعنامه کارگری ارائه شده به پلنوم، رهبری اشاره کرد که ما از بحث محافل کارگران رادیکال سوسیالیست میخواهیم. ارتباطات ما با عبور کرده ایم. ارتباطات ما با برخی فعالیان کارگری گسترش یافته است. ولی این یک رابطه سوزنی است که بیشتر برای گرفتن گزارش و خبر مورد استفاده قرار میگیرد. ما در عرصه رهبری محلی بر جنبش کارگری به هیچ وجه موفق نبوده ایم. "عبور کرده ایم" آن عبارت کلیدی است که در مقابل تمام این نقدها از طرف رهبری در مقابل ما قرار میگیرد.

علاوه بر رهبران عملی جنبش کارگری، در شرایط فعلی که جنبش های اعتراضی بسیار گستردگی شده است، جلب و جذب رهبران رادیکال جنبش های اجتماعی، از

دوم و سوم معنا ندارد. یا حزب اول میشوم و قدرت را میگیریم و یا برای 40-30 سال دیگر کمونیسم کارگری در میروند، تا یک نسل دیگری از کمونیست های کارگری جمع شوند، آثار منصور حکمت را از گوش و کنار پیدا کنند و بخوانند و یک حزب کمونیست کارگری دیگر بسازند و برای کسب قدرت مبارزه کنند. آنچه ما تاکنون بدست آورده ایم، به مبن فعالیت نظری، سیاسی و حزبی منصور حکمت، ایجاد یک سنت کمونیسم کارگری در میان طبقه کارگر و در جامعه است. اکنون دیگر کمونیسم کارگری به یک سنت پایدار در جامعه بدل شده است که اگر ما شکست هم بخوریم بعداً دوباره حزب خود را میسازد. پیش از این چنین نبود. پیش از این سنت چپ در ایران با حزب توده شناخته میشد. این مرحله به پایان رسیده است.

اما برای حزب اول شدن چه ملزماتی ضروری است؟ حزب رهبر، حزب سازمانده در واقع چکیده آن خصوصیاتی است که حزب باید کسب کند تا بتواند این مکان را کسب کند. منصور حکمت در مباحث مختلف خود به این خصوصیات اشاره کرده است: حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه، مباحثت گنگره سوم، مبحث سلی - اثباتی، آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود؟ و بالاخره در پلنوم 14. حزب در دو سطح به رهبر جامعه بدل میشود: 1- سطح محلی؛ 2- سطح اجتماعی. هر کدام از این دو سطح ملزمات ویژه خود را دارد. در سطح محلی ما باید بتوانیم بخش موثری از رهبران عملی کارگری را به حزب و سیاست های آن جلب و جذب کنیم. نقش محافل رادیکال سوسیالیست در این عرصه تعیین کننده است. مباحثت کارگری ما باید وسیعاً در این محافل مطرح و مورد بحث باشد. این یکی از اولین عرصه هایی است که من به راحتی و بدون مکث میگوییم که حزب پیش روی نداشته است. مبارزات کارگری بسیار گسترده شده، جنبش کارگری فعل شده است و امکان و شرایط برای

پیش روی کرده است بخارط موقعیتی که برای پیروزی لازم است؟ آیا حزب پیش روی کرده میکند که با انتظارات کنگره 3 حزب نه تنها پیش روی نکرده، بلکه عقب رفته است. بنظر من باید از همین ارزیابی پلنوم 14 آغاز کنیم. با در نظر گرفتن نقد عمیق و هشدار دهنده منصور حکمت، آیا ما توانسته ایم حتی بخش کوچکی از آن موانع را برطرف کنیم؟ آیا توانسته ایم حتی در میان طبقه کارگر و پروژه هایی که او به آنها اشاره میکند را متحقّق کنیم؟ پاسخ من یک نه قاطع است. رفقای رهبری به این پلنوم کاملاً بی اعتنای هستند. حتی حاضر نشده اند متن این ارزیابی را با تاکیدات چند باره خود من و ارسال چند فایل آن در سایت حزب یا روزنامه درج نکنند. این پلنوم پس از مرگ منصور حکمت هیچگاه مورد اشاره رهبری قرار نگرفته است. هر بار من شخصاً به آن اشاره کارهای روتین خود، مثل ادامه کاری رادیو و انتشار نشریه مطرح تر و شناخته تر میشود و جلو میرفت. به یک معنا داشت از "پس انداز" خود میخورد. اما این برای یک حزب انقلابی، کمونیست و خلاف جریان کافی نیست. باید دید که هدف ما این محبوب تر شدن برای ما یک هدف در خود است؟ بعلاوه، چه میزان محبویت برای ما کافی یا مطلوب است؟ اگر این هدف ارزیابی متدر رهبری حزب به تامین ملزمات پیروزی است. به این سوالات باید پرداخت.

حزب برای پیروزی باید ملزمات معینی را تامین کند. معنای پیروزی هم هیچ نیست جز کسب قدرت سیاسی. نه حزب کمونیست کارگری یک حزب سیاسی معمولی است و نه جامعه ایران مانند جوامع دموکراتی غربی، که ما دلمان را خوش کنیم که حزب دوم یا حزب سوم هستیم و در انتخابات فرضاً یک سوم آراء مردم را به دست آورده ایم و "انشاء الله" در انتخابات بعدی آرای مان را افزایش میدهیم. برای حزب کمونیست کارگری در ایران مکان

با در نظر گرفتن آنچه هدف ماست، با در نظر گرفتن

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

مکانیسمهای درونی و درک سوخت و ساز طبقه کارگر و تحولات اجتماعی است. چپ رادیکال درکی غیر اجتماعی از رابطه حزب کمونیستی و طبقه دارد. یک دو قطبی را تعریف میکند. در یک سو حزب متکی به آگاهی سوسیالیستی قرار دارد. سازمان یافته و منضبط و خود آگاه است. در طرف دیگر توده های کارگر قرار دارند که حداقل به آگاهی "صنفی" میتوانند دست پیدا کنند. در چنین نگرشی طبقه کارگر از قرار لوح خام و ناوشته ای است که سازمان کمونیستی باید این لوح را پر کند. کمونیسم کارگری چنین تصویری ندارد. چنین تصویری ذره ای از واقعیت اجتماعی سوخت و ساز درونی طبقه کارگر را منعکس نمیکند. طبقه کارگر در هر شرایطی، در شرایط اختناق، در شرایط آزادیهای نسبی سیاسی، همواره دارای صفتی از رهبران عملی است. این رهبران میتوانند دارای آگاهی و تجربیات بالا باشند یا میتوانند نباشند. اما همواره وجود دارند. همواره در صفت مقدم اعتراض کارگری اند. حرکت اعتراض کارگری را رهبری و هدایت میکنند. مورد اعتماد کارگرانند. هیچ اعتراض کارگری و اجتماعی را نمیتوان از فرای سر این رهبران به پیش برد. دخالت حزب کمونیستی کارگری در اعتراضات کارگری نمیتواند از فرای سر این بخش از کارگران باشد. عملی نیست. ممکن نیست.

از طرف دیگر طبقه کارگر در هر شرایطی مرکز تلاقي گرایشات پایه ای اجتماعی در جامعه است. طبقه کارگر را دیوار چین از جامعه و از گرایشات اجتماعی موجود در جامعه جدا نکرده است. ما در هر دوران نیز شاهد حضور گرایشات اجتماعی موجود در جامعه در صفو رهبران عملی کارگران نیز هستیم. این گرایشات ما به ازاء اجتماعية خود را در صفو کارگران دارند. بطور مشخص گرایش کمونیستی یک گرایش داده شده در صفو کارگران است.

منصور حکمت همین نقش دائمی و تیز و بیرحم نسبت به خود است. همین جا خوش نکردن و خود را فریب ندادن. آنچه که مسلم است منصور حکمت تقوایی این بخش از متد نکرده است، بلکه درک هم نکرده است. زیرا ما از ایشان جز تعریف و تمجید از حزب و وضعیت اش در این دو ساله چیز دیگری نشنیده ایم. همه چی عالی است و ما به یمن رهبری حاکم داریم هر روز پیشروی میکنیم و بزودی در یک روز آفتابی قدرت را میگیریم!

من شخصا با این سیک کار و برخورد احسان بیگانگی عمیقی میکنم. و در تمام این مدت نیز تلاش کرده ام نقد خود را مطرح کنم و همواره با یک دیوار محکم که هر روز نسبت به روز پیش محکم تر شده است روبرو شده ام. ما احتیاج به یک خانه تکانی جدی داریم. اگر میخواهیم به حزب منصور حکمت بدل شویم باید از این خانه تکانی نترسیم. این خانه تکانی مرا قوى تر خواهد کرد. در واقع باید بگوییم که حزب مشغول خانه تکانی هست. منتهی این خانه تکانی از جهت عکس دارد میرود. دارد بجای تسویه حساب با سنت های چپ سنتی، با سنت های منصور حکمت تسویه حساب میکند. بنظر میرسد که حزب دارد کاملا از منصور حکمت "عبور میکند" و با تئوری های خود بسط داده خوش خوشک و راضی از خود جلو میرود.

**یک دنیای بهتر:** برای تبدیل شدن به حزب رهبر در یک مقیاس اجتماعی چه باید کرد؟ رؤوس اساسی چنین انتقالی کدامند؟

**علی چوادی :** کارهای زیادی باید کرد. این انتقالی حساس و تعیین کننده است. باز خوانی نوشته های منصور حکمت در زمینه سیاست سازماندهی ما و رهبران عملی طبقه حیاتی و بنظرم پیش شرط پیش روی در این مسیر است. مساله اساسی در چنین تحولی در مقیاس اجتماعی شناخت

آذربایجان سیاست حزب التقاطی و عموما نادرست بود. دنبال ماجرا افتد. اگر یک پلنوم ۱۴ دیگر اکنون برگزار میشد نقدی بمراتب تندتر از سیاست های این دوره حزب مطرح میشد.

در مورد تبلیغات. تبلیغات حزب کاملاً مغایر آن توصیه ای است که منصور حکمت در پلنوم ۱۴ بر آن تاکید میکند. در مورد مبحث سلبی - اثباتی بعنوان یک رکن مهم استراتژی قدرت گیری مجزا صحبت میکنیم. در مورد ساختن حزب، رابطه رهبری و کادرها. ما کاملاً عقب گرد داشته ایم. هم در سطح رهبری و هم در سطح کادرها. در این مورد در میزگرد شماره پیش صحبت کرده ام و دیگر در اینجا تکرار نمیکنم. در نتیجه اگر از من بپرسید که آیا حزب پیش روی داشته است؟ پاسخ من با توجه به نکات فوق منفی است. با توجه به انتظاراتی که از خود باید داشته باشیم، با توجه به انتظارات کنگره ۳، با توجه به مباحث پلنوم ۱۴، با توجه به هدف و ملزمومات رسیدن به آن، ما نه تنها پیش روی نداشته ایم، بلکه عقب رفته ایم.

ما نمیتوانیم و نباید ظاهر مسائل را ببینیم، نباید دل خود را خوش کنیم، نباید جا خوش کنیم، نباید خود را فریب دهیم. نباید به این "ماشین تکیه بدھیم". باید هر روز از نو خود را بسازیم. باید پروره های جدید داشته باشیم. باید حزب خود را بر مبنای رهبری محکم و متمنکز و من اضافه میکنم جمعی بسازیم. باید کادرها را با تاریخ این حزب و جنبش و با مارکس و منصور حکمت آموزش دهیم. باید روحیه نقد را در حزب بالا ببریم. یکی از عباراتی که در این دو ساله زیاد شنیده ایم اینست که ما "عبور کرده ایم". "ما بسط داده ایم". این عبارات به این مساله اشاره دارد که گویی رفیق حمید تقوایی متد منصور حکمت را درونی کرده است و مواضع او را بسط داده است. یکی از مولفه های مهم متد

ساختن فرصتها و استفاده از فرصتها و حتی سیر پیش روی کمی سازمانی و تحکیم نفوذ سیاسی و عملی نیست. ما مجموعه ای از کمپین های حمایتی، کمپین های تک موضوعی، تعیین سیاست و شعار در مناسباتی معین، و تبلیغات روزمره هستیم. تا به چه باید کرد فوری و اولیه حزب بر میگردد من در بخش اول این گفتگو اقداماتی را که حزب باید فرا در دستور بگذارد بر شرمده ام و از تکرار آن اینجا اجتناب میکنم. اما شناختن صورت مسئله و سوال خود بخشی از پاسخ است و بر سمت نشناختن سوال و صورت مسئله نیز طفره رفتن از پاسخ و پر ایک کمونیستی. در درجه اول ما باید صورت مسئله را صمیمانه و مسئولانه پیذیریم و از تبلیغاتی مانند "یخ زدن در پلنوم ۱۴" و امثالهم بپرهیزیم. اگر کسی صورت مسئله را نمیپذیرد ادامه بحث بیفایده است.

است. نه حزب سیاسی در سطح محلی از آنچنان شناختی برخوردار است که جزئیات امر هدایت روزمره و لحظه به لحظه کارگری را هدایت کند و نه کارگری چنین نقشی را قبول میکند. رهبران عملی کارگری حلقه واسطه و رابط در این میان هستند. دور زدنی ممکن نیست. حزب کمونیستی باید بتواند موانع پیش روی این طیف را بر طرف کند. مسیر پیش روی اش را تسهیل کند. سکتاریسم سازمانی - حزبی یک مانع جدی پیش روی این گرایش در مبارزات اجتماعی اش است. حزب کمونیستی کارگری در این عرصه باید به تقابل گرایشات اجتماعی رو در روی کارگران کمونیست و رادیکال برود. این گرایشات را تضعیف و خنثی کند. مطلوبیت و ضرورت پرچم کمونیستی کارگری در جامعه را در مبارزات کارگری نشان دهد.

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

همانطور که گرایش ملی - اسلامی یک گرایش داده شده دیگر در صوف طبقه است.

مسئله حزب کمونیستی کارگری این است که برای تبدیل به حزب سازمانده و رهبر باید به حزب گرایش کمونیستی طبقه تبدیل شود. باید بخش معینی از رهبران عملی این طیف را در خود داشته باشد. باید تلاش کند تا هر چه بیشتر عناصر کلیدی این صفت در کنار و همراه حزب باشند. قدرت سازماندهی حزب تابعی از قدرت سازماندهی و حضور این صفت در سازمان حزبی است. حزب کمونیستی نمیتواند عملکردی فراتر از قدرت سازماندهی و رهبری و حیطه نفوذ این صفت در سوخت و ساز و اعتراضات کارگری داشته باشد. اما انتخاب سیاسی این رهبران و قرار گرفتن در کنار حزب کمونیستی کارگری به نظر محسول دو فاکتور است. سیاسی و "پرآگماتیستی" حزب سازمانده - رهبر را شاید بشود در دو سطح مطی و اجتماعی خلاصه کرد.

اما یک حزب کمونیستی طبق تعریف حزب پر ایک کمونیستی است. تعریف پر ایک کمونیستی در هر دوره شرط اول است. ممکن است کسی بگوید تبلیغ و ترویج و سازماندهی یک اصل اساسی و همیشگی و مستقل از تناسب قوا و شرایط مساعد و نامساعد برای فعالیت کمونیستی است. بحث این نیست و امروز تبلیغ و ترویج و سازماندهی پاسخ الترناتیوی برای حزب سازمانده حزب رهبر نیست. شرایط نامساعد کار کمونیستی و سیاست کمونیستی را تغییر نمیدهد بلکه شرایط اینکار را تغییر میدهد. حتی در اوج اختناق سیاسی یک حزب کمونیستی علی القاعده طرف اعتراض مبارزه کارگری علیه وضع موجود است. در شرایط امروز که فقر در جامعه به یک پدیده خطرناک تبدیل شده است و طبقه کارگر و مردم را به موقعیت بعض افلاج رانه است، در تداوم و تعمیق خود با فرض بودن جمهوری اسلامی در حکومت، جنبش کارگری را متلاشی میکند. جامعه را به استیصال و درمانگی میراند و زمینه تسلیم و شکست را ← صفحه ۱۲

در سطح اجتماعی اما مسئله این است که این بخش از کارگران باید مطلوبیت و قابلیت سازمان کمونیستی را در سطح اجتماعی و در مصاف قدرت سیاسی بینند. حزب کمونیستی باید از قابلیتی معینی در سطح جامعه و سیاسی و در جاله های اساسی جامعه برخوردار باشد تا توجه و روی اوری این بخش از رهبران عملی را به خود جلب کند. یک شرط چنین روی آوری حضور صفت معینی از رهبران سرشناس کمونیستی در جامعه است. رهبرانی که قادر شده اند جامعه را قطبی کنند. کمونیسم را به یک نیروی شناخته شده و مورد اعتماد تبدیل کرده باشند.

برای پیش روی در این عرصه باید به مسائل پیش روی این جنبش و این طیف از رهبران عملی کارگر پاسخ داد. باید مسیر پیش روی این صفت از رهبران را در مبارزه خود هموار و تسهیل کرد. یک سازمان کمونیستی کارگری باید بتواند به مسائل مبارزاتی این رهبران پاسخ دهد. به تقابلاتی که این صفت از رهبران با آن مواجه هستند، باید پاسخ گفت. معمولاً سازمانهای چپ خود را در مقام "رنهنود" دهنده و منشاء آگاهی و درایت کمونیستی قرار میدهند و با لحنی نامناسب با این طیف به گفتگو میپردازند. این نگرش بازتاب نگرش چپ سنتی به کارگر است. مسئله اینجاست که در این نگرش حزب کمونیست می پندارد که در مقام "علم" کارگر باید "تاتی تاتی" مبارزه کارگری را به این بخش از فعالین کارگری آموخت دهد. این اشتباہ محض

سیاوش دانشور: حزب ما امروز نه تماماً یک حزب مبلغ و مروج است و نه یک حزب سازمانده و رهبر. دیگالت حزب بر طرح و نقشه کار روشن برای پیش روی و

داشته باشیم و با فرض تامین حضور و دخالتگری، بتوانیم در یک جدال و مبارزه اجتماعی معین مطلوبیت و حقیقت سیاست کمونیستی را اثبات کنیم. من مسیر دیگری و مکانیزم دیگری برای تبدیل شدن به رهبر جامعه نیشناشیم. حزب باید این مسیر را در سطوح مختلف برود. در سطح سیاست سراسری و در سطح سیاست محلی. در هر دو سطح حزب باید توسط رهبران کمونیست و معتبر در مقابل رهبران بورژوازی قد علم کند. گوشه‌های مختلف یک امر واحد است، اما وظایف متفاوت است. حزب در سطح مacro راه حل طبقه کارگر و رهبریش بر جنبش سلی را نمایندگی میکند و در سطح محلی در کارخانه و خیابان و داشگاه به رهبر اعتراض موجود تبدیل میشود. حزب نمیتواند از جامعه و مکانیزم‌های اجتماعی قادرت انتزاع کند و در عین حال رهبری کند. این نمیشود. هیچ وقت نشده و در آینده هم نمیشود. حتی وقتی بورژوازی عنصر و جریان مرتاجع و بیربطی را سرکار میاورد ناچار است به مردم بخوراند که باورهایشان را این مرتاجع نمایندگی میکند و یا مقابلاً ایشان بلندگوی دردهای مردم است! و بالاخره ما باید اسکلت سازمانی را که مان هر روز تحکیم شود. در یک کلام ما باید تشکیلاتی باشیم که در پس هر واقعه بتوانیم به اتکا نیروی خودمان مانع جدی برای بورژوازی باشیم. ما باید قدرت بلامنازع در جنبش کارگری ایران باشیم و بعنوان حزب گرایش کمونیستی کارگری طبقه، ظرف طبیعی رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه کارگر باشیم. رفع موانع فکری و معضلات گرایش رادیکال سوسیالیست و کمونیست طبقه، جذب آنها به حزب و یا بسیج آنها حول سیاست و بحثهای کمونیستی کارگری حزب، جذب رهبران و فعلین عرصه‌های مختلف جنبش از ارادی و برابری، مستقل از هر آکسیون و مناسبت خاص، نقطه شروع هر حزب کمونیستی در هر جای جهان برای تبدیل شدن به حزب رهبر و سازمانده است. واضح است ← صفحه ۱۳

به در یک مقیاس وسیع قد علم کند و به سخنگوی بلامنازع حق و آزادی در تقابل با ارتجاج و بورژوازی تبدیل شود و این اتفاق نمی‌افتد و درجا میزند دلیلش همین است. ما به قسمت گود استخر نمیرویم و همان کار کلاسیک و تبلیغات کمونیستی مبنی بر توضیح دردهای کارگران و مردم و ضرورت بپا خواستن عليه آنرا طرح میکنیم. این متد و روش کار خیلی روشن است به سازمان و نفوذ کلام و قدرت در میان أحد طبقه و توده وسیع مردم کارکن تبدیل نمیشود. در نتیجه ما باید نگرش مان را نسبت به روند رویدادها عوض کنیم و بمثابه رهبر مخالفت مردم با وضع موجود قد علم کنیم. درد کارگر و مردم را از آن خودکنیم و حرف و بحث کمونیستی را به حرف و فریاد مردم متعارض تبدیل کنیم. یک سطح دیگر کار در این زمینه تلاش برای احیا جایگاه مناسب حزب بعنوان یک جریان مطرح و آنراتناتیو است. اما آنراتناتیو شدن چگونه محقق میشود؟ مارانه سی ان ان زیر نور میگذارد و نه بازک جهانی ساپورت میکند. مکانیزم آنراتناتیو شدن ما با مکانیزم آنراتناتیو شدن راست پرو غربی متفاوت است. ما در رقابت با راست در اتوبان آنراتناتیو شده نیستیم. دو جنبش متفاوت با اهداف و روشهای متفاوت و حامیان داخلی و بین المللی متفاوت هستیم. آنچه راست را جلو می‌اندازد چپ را عقب میبرد و آنچه راست را فلح میکند چپ را عروج میدهد. اتکار است اساساً. اگر از استفاده ریموت کنترلی نوع انقلاب مخلع بگذریم - به مردم و بسیج و سازماندهی و قیام و انقلاب نیست. راههای پیشروی راست و پروژه هایش هم بطريق اولی مسیر کاملاً متفاوتی دارد. کمونیسم در ایران برای پیشروی و تامین امر رهبری به جنبش اعتراضی مردم باید به روشهای متفاوت خوش متنکی شود. ما تنها زمانی میتوانیم به رهبر جامعه تبدیل شویم و یا در هر مقطع جامعه به حرف و راه حل حزب تمایل نشان دهد که حقانیت مان را در همان جدال ثابت کنیم. بدوا باید سینیور همان جدال باشیم، یعنی نه تنها حضور بلکه حضور موثر و تعیین کننده

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

فراهر میکند. جامعه ایران هنوز علی‌غم مشقات بسیار و بحرانهای اجتماعی هنوز جامعه امیدوار و زنده است و تلاش برای تغییر را در دستور خود دارد. اما مخاطراتی که در راه مردم کمین کرده اند نیز بسیارند. ما باید با درک مختصات و توانائی ها و ظرفیهای جنبشی اعتراضی موجود در جامعه، سیاست و پیشروی این داده و ماتریال موجود تلاش کنیم. اگر حزب، هر حزب و جریانی، در یک مبارزه دخالت مسئلانه و عمیق و تعیین کننده داشته باشد و در انتهای این مبارزه کارگر یا داشنخجو یا هر بخش جامعه را متحدتر و خوشبین تر بیرون بیاورد، چنین حزبی هم به اتوریته و رهبر آن بخش مورد بحث تلاش برای احیا جایگاه مناسب حزب بعنوان یک جلو برده است. بحث نقطه رجوع اجتماعی کمونیسم در مباحث اولیه کمونیسم کارگری و یا در تداوم آن مباحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی مارکسیستی یک قلمرو مهم تبدیل حزب به حزب سازمانده رهبر است. حزب باید شرایطی را تامین کند که بطور طبیعی هر رهبر و فعال کارگری و دخالت باید بر کدام مبانی و داده های موجود اجتماعی استوار باشد. این بحثی اختیاری نیست. شما نمیتوانید یک پدیده را نشانی و ادعای داشته باشید که میتوانید آن را تغییر دهید. بخش عمده بی ربطی چپ سنتی به دینامیزم حرکت جنبش کارگری و سیاستهایی که اتخاذ میکرد، اساساً اینبود که شناختی حتی صوری از درونی آن نداشت. بحث بردن آگاهی به درون جنبش کارگری از این خط نتیجه میشود. دیدگاه صنفی و اکونومیسم سیاسی و ارتجاجی بخشا از اینجا در می‌آید. بحث تبیین کارگر و جنبش کارگری با یک لیست خواسته های "صنفی" از اینجا ناشی میشود. در مورد جنبشی اجتماعی دیگر هم همین قوانین حکم میراند. از مسئله دور نشویم، تلقی ما در قبال جنبشی اعتراضی و کلا اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی متقابلاً روی ما مواردی اشتباه است. اینکه حزب میگوئیم و تبلیغ میکنیم در جامعه تاثیر میگذارد و جواب میگیرد و حرکت جامعه متقابلاً روی ما تاثیر میگذارد، ما داریم یک رابطه کور و مکانیکی با جامعه

خطی و گرایشی است. سوسیالیسم این خط سر بسوی سوسیالیسم راه کارگر و امثالهم دارد. این چپ تلاش میکند که دوری خود را از این متد و روش تحت لوای شیفتگی اش به سوسیالیسم بیان کند. چنین تبیینی پوچ است. واقعی نیست. مساله این است که این خط به "سوسیالیسم" در جنبش سرنگونی بمنظور ایجاد تمایز میان خود و چپ بغل دستی اش احتیاج دارد. چپ جنبش سرنگونی است. خود را جنبش کمونیستی کارگری نمی بیند که در تلاش است تا هژمونی خود را بر جنبشی بسیار وسیعتر از جنبش کمونیسم کارگری تامین کند.

این خط بند ناف خود را از متولوژی سلبی اثباتی منصور حکمت در پلنوم ۲۷ قطع کرد. قسم خوردنها لفظی این خط به متولوژی سلبی اثباتی تغییری در دوری این خط از این چهارچوب ایجاد نمیکند. تلاش رهبری کنونی حزب برای قرار دادن شعار "جمهوری سوسیالیستی" بمنابه یکی از مولفه های تامین هژمونی کمونیسم کارگری بر جنبش سرنگونی مساله ای است که از جانب منصور بمنابه "سم" از آن نام برده میشد. مساله این است که نمیتوان با شعار "جمهوری سوسیالیستی" هژمونی جنبش سرنگونی را کسب کرد. در این جنبش که هدفش سرنگونی است باید قاطعترین، جامع ترین و معتبر ترین "نه" به وضعیت موجود را رائه داد. این جنبش با پذیرش "نه" ما "اری" ما را هم خواهد پذیرفت. نمیتوان بر مبنای "اری" ما مردم را به زیر پرچم خودمان بسیج کنیم. بعلاوه با "رنگ" کردن شعار جمهوری سوسیالیستی که التراتیو حکومتی ماست در زرورق "سلبی" آن را به جامعه قبولاند و هژمونی این جنبش را بدست آورد.

البته فکر کنم با توجه به قطعنامه اخیر دفتر سیاسی حزب دیگر خط حاکم بر حزب نیازی به مساله "سلبی - اثباتی" نداشته باشد. این خط از اکنون ← صفحه ۱۴

کمونیستی کارگری در این دوران باید آرایش و وظایفی را در مقابل خود قرار دهد که به حکم شرایط ضرورت اساسی تحولات حاضر هستند. اگر مساله قدرت سیاسی مساله اساسی جامعه است نتیجتاً حزب کمونیستی کارگری در این دوران باید اساس تبلیغات خود را بر این مبنای استوار کند. بر مبنای سلب و نفی وضعیت موجود. در این چهارچوب مساله این است که حزب کمونیستی کارگری باید موجودیت خود را فرض بگیرد. باید مقولیت خود را فرض بگیرد. خصلت تبلیغاتی اش نباید به مساله "وجود" خود معطوف شود. بر عکس باید بر مبنای نفی وضع موجود، نفی تمامی ارکان حاکمیت سیاسی و طبقاتی موجود مرکز شود. حزب کمونیستی باید تلاش کند که جنبش اش، جنبش کمونیسم کارگری، در مقام رهبری کننده اعتراضات سرنگونی طلبانه توده های مردم قرار گیرد. مساله اینجاست که جنبش کمونیسم کارگری نیروی کوچکتر از آن جنبشی است که رهبری اش ما را قادر به تصرف قدرت سیاسی و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی میکند. مساله اینجاست که در کنیم که برای تامین هژمونی و کسب رهبری جنبش سلی - سرنگونی نمیتوان التراتیو اثباتی حکومتی خودمان را مبنای تبلیغاتمن قرار دهیم. به قول منصور حکمت نمیتوانیم وحدتی در جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم بر مبنای التراتیو حکومتی خودمان، یک جمهوری سوسیالیستی" تامین کنیم. علت این مساله حائز اهمیت است. جنبش سرنگونی یک جنبش یکدست و طبقاتی به معنای اخص نیست. جنبش سرنگونی جنبش نسلی از مردم و جامعه است که این رژیم منحوس اسلامی را نمیخواهد. این نیروها به دور یک پرچم التراتیو حکومتی اثباتی مورد نظر ما بسیج نخواهند شد. این هدف تلاش متولوژیک منصور حکمت بود.

اما خط چپ رادیکال در برگشت به سنگرهای قبلی خود به این متد حمله کرد. مساله بر سر کج فهمی و یا شیفتگی بی حد و حصر این خط به سوسیالیسم نیست. مساله

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

کلیدی منصور حکمت در این حزب متأسفانه نبوده است. خط کمونیسم منصور حکمت در طی پرسوه ای به کنار زده شده است. مباحثی که امروز تحت لوای "عبور از منصور حکمت" در حزب کمونیست کارگری راه افتداد است بعضًا تلاشی برای کنار زدن هر چه بیشتر این خط و سیاستهای نمیشود. من وارد این جنبه ها که باید تفصیلی تر بحث شود نشدم. میتوان البته این نبود، میتوان ظرف اعتراض ناراضی قشر متوسط شهری با سیاستهای چپ رادیکال بود و حتی سازمان بزرگی مثل فدائی ساخت. اما این نسخه و ورژنهای مختلف آن بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی سوسیالیسم اردوگاهی تاریخاً تسام شد. معنی این حرف این نیست که این جریانات در اشکال جدید به صحنه نمی آیند. بر عکس، موج چپگرانی و بن بست راست جدید جهانی ضرورت عروج چپ مرکز را فراهم میکند. اما امروز این چپ با تمام تغییراتی که در خود داده و سازگاریهایی که با مختصات دنیای امروز صورت داده، چپ نیست که ظرف حزبی سوسیالیسم کارگری و کمونیسم مارکس و منصور حکمت باشد. کمونیسم ما به حزب سیاسی مارکسیستی و حزب سازمانده و رهبر نیاز دارد.

به نظر من حزب بطور آشکاری با قطعنامه پلنوم ۲۷ خود تصمیم گرفت که این بحث را به کناری بگذارد. جوهر این متد و بحث این است که در "دورانهای انقلابی"، در دورانهای که جامعه به تلاطم کشیده شده است. مساله قدرت سیاسی باز است. طبقات و جنبشهای اجتماعی بطور آشکاری برای تعیین التراتیو وضع موجود به میدان سیاست روز آمده اند، خصلت تبلیغاتی حزب کمونیستی کارگری ویژگی ها و تفاوت های را بخود باید بگیرد که با دورانهای "غير انقلابی" متفاوت است. در این دوران حزب سیاسی باید در مقام رهبر جامعه و رهبر اعتراضات اجتماعی ظاهر شود. در این دوران نفی وضع موجود اساس حرکت تبلیغاتی حزب کمونیستی کارگری را باید تشکیل دهد. سیاست تبلیغاتی حزب نه بر مبنای توضیح موجودیت وجودی خود بلکه بر اساس نفی قدرت سیاسی جامعه مبتنی باشد. مساله بطور اساسی این است که حزب

**آذر ماجدی:** در پاسخ به سوال پیش به رئوس آن اشاره کردم. در پاسخ به سوالات دیگر نیز رئوسی از آن را برمیشتم. بنابراین در اینجا از تکرار اجتناب میکنم.

**یک دنیای بهتر:** یک بحث کلیدی و مهم در این پلنوم بحث سلبی اثباتی است. این بحث تا چه حد در میان ما پراتیک شده است؟ معنای مشخص این بحث در پراتیک امروز حزب چیست؟

**علی جوادی :** سرنوشت این بحث هم جدا از سرنوشت سایر مباحث

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

بردن یک مبارزه و اینکه نباید قبول کرد و تا آخر رفتن یک مسئله کلیدی است که اساس آن نقد عمیق و "نه" همه جانبه و تعیق نقد مردم است. وقتی همین جمعیت و اعتراض فرضی با ایزار ساده و مشاهده صرف و تجربه هم میفهمد که "روغ بود" به رهبری اش اعتماد بیشتری پیدا میکند. حرف و سیاست بعدیش را بهتر قبول میکند و آماده سطح دیگری از مبارزه و تلاش میشود. اینها فقط مثالهای موردی هستند. دهها مثال میتوان آورد که این روند و رابطه ای که نیروی پیشوای مردم میگیرد و تلاشی که برای تحکیم این رابطه میکند از چه مکانیزمی تبعیت میکند. مسئله اینست که اعمال هژمونی با بالا بردن یک شعار بسیار برق متحقق نمیشود، بلکه باید نیروی اجتماعی را به جای آورد که "چه باید کرد" را از کمونیستها بخواهد و آنگونه عمل کند و در تجربه اعتراض و اعتراض متوجه شود که باید به این نیرو انتکار کند. این مکانیزمی است که راه حل کمونیستی و الترا ناتیو کمونیستی و اثباتگرانی کمونیستی متحقق میشود. نه فراخوانهای دیرخانه ای، نه دور زدن ویژگیها و شرایط یک مبارزه، و نه شعارهای دلبخواهی نمیتوانند یک حرکت و جنبش سیاسی را قدمی به جلو ببرند. مبارزه اجتماعی تابع فواین کور نیست، بلکه به مجموعه شرایط و روایات و آمادگی و نقاط مساعد غیر مساعد بستگی دارد و رهبری اصولی و کمونیستی در چنین مبارزه ای درک کل پدیده و شناخت آن و دادن سیاست و پرچمی دست آنست که قادر باشد متحد کند و متحد نگاهدارد و پیشوای آن را تضمین کند. اینها وجودی هستند که معنای مشخص این بحث را در شرایط امروز برای ما توضیح میدهند.

آفر ماجدی: بنظر من این متد در حزب شناخته شده و درک شده نیست. منصور حکمت در سمنیار حاشیه کنگره ۳ در مورد این بحث چنین میگوید:

"فکر میکنم در سنت کلاسیک تبیین ← صفحه ۱۵

شعارهایی که باید مطرح شود، چار نشدن به آواتوریسم و محافظه کاری، و غیره را باید در نظر داشت و شعارها و سیاستهایی را طرح کرد که در عین ممکن بودن گفتن آنها به قلب موضوع میزنند و نیروی وسیعی را پشت سر خود بسیج میکند. یک تفاوت میتواند این باشد؛ میشود در هر اعتراض و اجتماعی یک لیست آرزوهای برق را مطرح و بیشنهاد کرد. اما نیروی پشت آن بسیج نشود دقیقاً به این دلیل که امکان مادی طرح چنین شعارهایی نیست و اگر هم باشد هنوز به سوال مشخص آن مبارزه پاسخ نمیدهد. یک مسئله مهم دیگر برخورد به روندهای سیاسی و اوضاع عمومی و سیاستی است که حزب مطرح میکند. رژیم و رسانه هایش تلاش دارند مردم و ایوزپیسیون را سر کار بگذارند. خیلی جاها آگاهانه تلاش میکنند آجدا و دستور روز مردم را شکل بدهن و حتی مفری برای تحرک در همان چهارچوب باز کنند. میبینید که خیلی جریانات و فعلیان سیاسی از آنجا که درک روشی از روندهای سیاسی و اهداف رژیم اسلامی ندارند، همان صورت مسئله را قبول میکنند و در "نقد" آن به مردم رهنمود میدهند که چنین کنید و چنان کنید. داشتن تبیین و قطبنمای روش و در درجه اول نمایندگی کردن منافع طبقه کارگر و مردم در هر مقطع اصل اساسی است. پاسخ دادن به سیاست و هدف واقعی رژیم و تحلیل و تبیین آن قدم بعدی است. روش کردن و تبیین حرکت مردم در قبال مسئله و حرف و شعاری که باید بزند مسئله مهم دیگر است. یک مثال شاید گویا باشد؛ مردم به رژیم اسلامی اعتماد ندارند. هر وعده و عید آنها را با دیده شک و بی اعتمادی مفرط نگاه میکنند. اجتماع و تظاهرات میکنند که حق شان را اعاده کنند. طرف زیر فشار می آید و عده میدهد. وسط حرفهایش شعار میدهد که میخواهد چیز دیگری در شرایط امروز چند مسئله محوری است؛ اولاً مسئله تامین شوار بدهند که هر کدام اهداف مشخص تری را دنبال میکنند، کمونیسم کارگری باید بتواند امر رهبری را پاسخ دهد. عصبانیت جمعیت سیاست شان را سوار میکنند. به نظر من این مثال نشان میدهد که امر رهبری و جلو

میگویند "افشا کن، افشا کن" اعلام کرده است که هژمونی چپ بر جنبش سرنگونی تامین و حاکم شده است. دیگر بحثی در میان نیست. بحث سلی اثباتی بحثی در حوزه کسب هژمونی جنبش سرنگونی است. اگر این هژمونی تامین شده باشد، دیگر بحث آن هم ضرورتی ندارد؟ ایکاش اینطور بود. ایکاش ما در چنین موقعیتی قرار داشتیم!

**سیاوش دانشور:** این بحث و متدولوژی جدیدی بود که منصور حکمت در یک جلسه سیاسی سوسیالیستی بر جنبش سلبی هیچوقت تماماً تبدیل نشد. در دوره انشاع استنتاجات نادرست و بنظر من یکجا نه از این بحث گرفته شد. در تقابل با تمایل اثباتی و تبلیغات اثباتی به یک نوع سلبیت و سلبی گرایی نتیجه شد که اساس بحث منصور حکمت این نبود. بین سلب و اثبات در مجموعه تلاش اجتماعی دیوار چین وجود ندارد. پر اتیک اجتماعی یک کمونیست کارگری طبق تعریف اثبات حقانیت کمونیسم و نقد کمونیستی است. این بحث نه بحثی علیه حرف اثباتی و اثباتگرانی کمونیستی است و نه بحثی در قلمرو سلبیگرانی مطلق. این دو استنتاجات چپ و راست از متدولوژی سلبی اثباتی عنوان یک تیر دانشجویان شعار دادند که "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" در بحثی که یکی از رفقا طرح کرده بود که از شعار "آزادی بیقید و شرط بیان" استفاده کنید و یا چنین رهنمودی را داده بود، بحث جالبی داشت که خصلت نما بود. این بحث که جنبش اعتراضی ضرورتا و کتابی شعارهای مندرج در برنامه حزب را اتخاذ نمیکند، نه به این دلیل که میخواهد چیز دیگری بگوید بلکه به این دلیل که آنچه طرح میکند در واقع بیان نخواستن و مقاومت در مقابل پدیده ای است که در جریان است. منصور حکمت میگفت اتفاقاً این شعار از بهترین شعارهای این حركت است. مردم و دانشجویان با طرح شعار "آزادی اندیشه" دارند ریش و پشم نمیشه، دارند میگویند جمهوری اسلامی اصلاح نمیشود، آزادی بیان با جمهوری اسلامی ممکن نیست، شعاری میدهند که تناسب قوا اجازه میدهد، و پاسخ اصلاح طلبی دینی و حکومتی را میدهند. و یا در ماجراهی گنجی و بحث عالیجناب سرخپوش میگفت مردم به اینها

در مورد کاربرد مشخص این بحث در شرایط امروز چند مسئله محوری است؛ اولاً مسئله تامین هژمونی در هر جنبش معین و اینجا جنبش سرنگونی که ترکیب اجتماعی و طبقاتی متفاوتی دارد و اهداف اجتماعی متفاوتی را دنبال میکند، یک سوال محوری است. کاربرد دقیق این بحث و استنتاجات معین از آن یک محور مهم و کلیدی است. دوماً در جنبشهای میدهند "دروغه دروغه"! میتوانند شوار بدهند که کم است، این را میخواهیم و غیره. اما میگویند دروغه و روی عدم اعتماد و عصبانیت درست فضای سیاسی، تناسب قوا، آنچه که عملی است، اهدافی که باید طرح شوند،

در حال عبور از کمونیسم منصور حکمت هستند فردا چنین ادعایی هم بکنند. شاید؟

به هر حال هدف این تبلیغات ایجاد گرد و خاک است. در گرد و خاک تشخیص راه بسیار مشکل خواهد شد. بینید از نقطه نظر من سوسيالیستی که ضرورت و مطلوبیت و ممکن بودن سوسيالیسم را به طور روزمره تبلیغ نکند اصلا سوسيالیسم نیست. مساله به این سادگی و به این مهمی است. جمهوری سوسيالیستی نه تنها کسی را رم نمیدهد بلکه آرزوی میلیونها مردم کارگر و زحمتکش است. به من امکان دهنده ب هر بنی بشر زحمتکشی ضرورت و مطلوبیت سوسيالیسم را بطور قانع کننده ای توضیح خواهم داد. به قول منصور حکمت زیب پوست هر انسان منصفی را باز کنید یک انسان سوسيالیست پیدا خواهد کرد. به این اعتبار از نقطه نظر من یک وظیفه دائم ما تبلیغ و نشان دادن مطلوبیت و امکان پذیری سوسيالیسم است. تاکید میکنم یک حزب کمونیست بدون توضیح مطلوبیت جامعه کمونیستی کمونیست نیست.

اما بحث سلبی - اثباتی بحثی در این خصوص نیست. تلاش برای کمرنگ کردن تبلیغ سوسيالیستی در جامعه نیست. این تبلیغات خط چپ رادیکال است که چنین چرخشی به بحث سلبی - اثباتی میدهد. مساله به سادگی چگونگی کسب هژمونی بر جنبشی بسیار فراتر و گسترده تر از جنبش کمونیسم کارگری است. این سؤال را در مقابل ما قرار میدهد که چگونه میتوان هژمونی این جنبش اجتماعی و توده ای را کسب کرد؟ آیا میتوان با الترناشو اثباتی خود مردم را به زیر پرچم کمونیسم کارگری بسیج کرد؟ پاسخ منصور حکمت روشن است. پاسخ ما هم روشن است.

سوسيالیسم را میتوان در ظرفیهای مختلفی به کار برد. بمثابة یک

ما باید مدام نقطه سازش هایی را که ارجاع و بورژوازی به مردم تحملیم میکنند عقب بنشانیم و به مردم نشان دهیم که چگونه و چرا این کار را انجام داده ایم. در مردم رفراندوم یا فرالیسم دقیقا باید اینکار را میکردیم. سیاست های ما بعضاً التقاطی است. پس زدن و عقب نشاندن نقطه سازش هایی که به جنبش های اجتماعی اعمال میشود باید یک وظیفه دائمی ما باشد. چه در جنبش کارگری و چه هر جنبش دیگر. و این روش تنها در شرایطی موفق است که یک تحلیل درست از هر جنبش و گرایشات درگیر در آن داشته باشیم. یک تحلیل منسجم و پیگیر. دنباله روی از یک سو و انکار کامل گرایشات دیگر از سوی دیگر ارکان سیاست های حاکم ما بوده است.

**یک دنیای بهتر: طرح مجدد بحث و متولوژی سلبی اثباتی از جانب فراکسیون با واکنشهای روپرتو شده است. میگویند با بار اثباتی گذاشتن روی سوسيالیسم میخواهند آنرا کمرنگ کنند. در تبلیغات رسمی و غیر رسمی فراکسیون را متمهم به "جمهوری سوسيالیستی مردم را رم میدهد" کرند. مستقل از اینکه این تصویر دادن چه هدفی را دنبال میکند، تلقی شما از تبلیغ و آموزش روزمره برنامه و اهداف حزب و شیوه رهبری در مبارزه اجتماعی چیست؟**

**علی چوادی :** این شلوغ بازیها کمکی به پیشبرد یک بحث سیاسی عمیق نمیکند. گل پرتاب کردن است. بی تاثیر است. من چندین سال است که برنامه تلویزیونی یک دنیای بهتر را تهیه و اجرا میکنم. در ابتدای هر برنامه اهداف کمونیسم کارگری را بطور موجز بیان میکنم. اعلام میکنم که بطور خلاصه ما خواهان یک جمهوری سوسيالیستی هستیم. این شانتاز ها را نمیتوان با هیچ چسبی به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری چسباند. آیا منصور حکمت با طرح این متولوژی خواهان "فرار" از تبلیغ سوسيالیستی بود؟ شاید کسانی که

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

او ضایع سیاسی، نقش احزاب، مبارزه انقلابی، مبارزه کمونیستی، قیام و هدف نهائی، شعارهای اثباتی مطرح است. چیزی که من اینجا میخواهم بگویم با این درک تفاوت دارد، و نه تنها با حرفهای حمید تقواei و مرگ او تمام این پرسوه را با شتاب غیرقابل باوری به عقب باز گرداند. بطوری که اکنون که به تبلیغات حزب نگاه میکنیم بیشتر شیوه تبلیغات پیش از دوره غیر کمونیست کارگری است. یک بازگشت سریع و پرشتاب به دوران گذشته را شاهدیم. کسی آنها را قبول نکد. فکر میکنم رادیوی ماروی خط نظراتی که حمید میگوید، کار میکند. نشريات ماروی خط و نظرات حمید دارند مینویسند. درک هر کادر حزب کمونیست کارگری ایران همین است که حمید بیان میکند..."

در فاصله کنگره ۳ تا پلنوم ۱۴ یعنی اکتبر ۲۰۰۰ تا اوت ۲۰۰۱ حزب در این عرصه هیچ پیشروی نداشت. مبحث سیار جدیدی بود. همانگونه که منصور حکمت در این سمینار میگوید تمام تبلیغات حزب روی خط کلاسیک و سنتی کار میکرد که حمید تقواei مطرح میکرد. سلبی اثباتی یک متد جدید بود که در این سمینار مطرح میشد. البته ما که نزدیک تر با او کار میکردیم، در نقی که بطور روزمره از او می شنیدیم با عناصری از این متد آشنا میشدیم. بطور مثال من در آن موقع مسئولیت رادیو را بعده داشتم و برنامه ساز رادیو بودم. اولین نقدهایی که منصور حکمت به تبلیغات حزب مطرح کرد به تبلیغات رادیویی بود. و به این ترتیب ما تا حدودی با کاربست این شیوه در تبلیغات حزب آشنا شده بودیم. اما بعنوان یک متد تحت عنوان سلبی - اثباتی اولین بار در کنگره سه با آن آشنا میشدیم.

تلاش هایی در این زمینه بکار

میشد. زبانی از آن تعریف میشد و در عمل کار دیگری میشد. اکنون اما بعنوان "عبور کرده ایم" گریبان خود را از هر نوع نقدی خلاص میکند. این تبلیغات که ما "از سوسیالیسم رم کرده ایم!" پوچ و نخ نما است که ارزش مصرف آن فقط برای "جدل آنلاین" است. نشان دهنده سطحی شدن کامل رهبری است. این حزب زمانی بخارط تحلیل های عمیق و مستحکم خود معروف بود. اما امروز.... بگذریم.

تبلیغ سوسیالیسم روشن است که یک جز جایی ناپذیر تبلیغات حزبی است. شعار حکومت کارگری زیر تمام اطلاعیه های ما هست و باید باشد. به همان ترتیب شعار جمهوری سوسیالیستی. اما بحث بر سر تبلیغ جمهوری سوسیالیستی در تبلیغ روزمره ما است. اکنون مساله بر سر روایت ما از سرنگونی است. این روایت باید روایت حاکم در جامعه باشد. باید مردم بگویند حزب کمونیست کارگری درست میگوید. بگویند حزب درست میگوید اصلاح طلبی پوچ است این ها همه سر و ته یک کرباسند. بگویند حزب درست میگوید فدرالیسم یک سناریوی سیاه است و در صورت تحقق سرنوشت تهران از ساریوو هم سیاه تر خواهد شد. بگویند حزب درست میگوید رفراندوم بی معنا است و کلاهی است که دارند سر ما میگذارند. بگویند حزب درست میگوید اسلام مایه بدختی مردم است. بگویند حزب درست میگوید زن و مرد باید برابر باشند. بگویند حزب درست میگوید باید بساط مذهب را جمع کرد. بگویند حزب درست میگوید باید همه آزاد باشند هر چه میخواهند بگویند. بگویند حزب درست میگوید کرد و ترک و فارس و افغانستانی نداریم، همه برابرند. بگویند حزب درست میگوید شیعه و سنی و ارمنی و بهایی و یهودی بیخود است همه برابرند. بگویند عامل همه بدختی ها این رژیم است، حزب درست میگوید. مانیاز داریم به چنین شرایطی دست یابیم.

کننده اند. رابطه ای که حزب و شخصیت حزبی و رهبر کمونیست با مردم ایجاد میکند تعیین کننده است. یک حرف را نمیتوان در نشریه و کلاس آموزشی و تظاهرات و اعتضاب زد. حتی اگر یک حرف را قرار باشد بزنیم باید اشکال و فرمت مندرج وضعیت و شرایط را داشته باشد و گرنه مردم حوصله شان سر میروند و بعد دو دقیقه رویشان را برミگردانند. هنوز بدرجه زیادی میکنیم و مخاطبینمان را توده های وسیع مردم که درگیر یک مبارزه اند و نیازهای معینی را جستجو میکنند نمیبینیم. ادبیات سیاسی ما هم همینطور. در رهبری اجتماعی حزب سیاسی باید در نقش معلم ظاهر شود و نه در نقش معلم مدرسه. در رهبری اجتماعی باید رهبر کمونیست حلقة هائی را دست مردم درگیر بدهد که پیشویشان را تضمین کند. متلاشی شان نکند و به سوال واقعی اعتراض پاسخ واقعی بدهد. آریتاپسیون در رهبری اجتماعی هم مکان مهمی دارد. اعتراض مردم باید به بهترین شیوه از زبان آریتاپسیون که میتواند مارکسیستی باشد که جامعه را با قلم و سخن شان تکان بدنه، یک رکن اساسی فعالیت زمینه معنای مشخص بحث سلبی اثباتی در سوال قبل پیرامون رهبری یک حرکت اجتماعی اشاره کرد. اینها دو سطح از بحث اند و تأثیر دلخواهی آن به نتایج زیانباری در هر دو سو منجر میشود.

**آذر ماجدی:** بنظر من همان سیاست "عبور کرده ایم" و "بسط داده ایم" بر این عرصه نیز حاکم است. همانگونه که گوش ها را گرفته اند و حاضر نیستند حتی اسم پلنوم ۱۴ را بشنوند، با این روش دارند بر تمام سیاست های پیشبرنده کمونیسم کارگری و درآفزوده های با ارزش منصور حکمت به تنوری مارکسیسم خط بطلان میکشند. این همان روش اثباتی است که منصور حکمت در ابتدای سمنیار سلبی - اثباتی به آن اشاره میکند. همان روش کلاسیک یا سنتی که او میگوید حمید نقوایی و تمام حزب بر آن استوار است. وقتی منصور حکمت خود حضور داشت، در مقابل این نقد سکوت

## در باره مباحث منصور حکمت در پلنوم ۱۴ ...

جنش، به متابه یک مدل اقتصادی، بمتابه یک آلتراستیو حکومتی و غیره. اما بحث بر سر تبلیغ جمهوری سوسیالیستی بمتابه محور کسب رهبری و هژمونی جنش سرنگونی است. تعریف و کانتکست چنین کاربردی از سوسیالیسم روش است. تاکید میکنم مساله بر سر کج فهمی نیست. مساله خطی و گرایشی است.

سیاوش دانشور: من علاقه ای به مکانیزم دفاعی در قبال آنچه که به ناحق به این و آن منتسپ میشود ندارم. باید شعور مردم و جامعه را فرض کرد و در دام تبلیغات خود حشند کن نیافتاد. اما در مورد سوال باید بگویم این بحث دو قلمرو کاملا مشخص و دو وظیفه مرتبط بهم است. همانطور که یکجانبه نگری در بحث سلبی اثباتی میتواند مارا به جاهای باریکی براند، ادغام و قاطعی کردن سطوح مختلف وظایف هم میتواند کلا ما را به یک جریان بی اثر و یا کم اثر تبدیل کند. تبلیغ و آموزش روزمره برنامه و اهداف حزب و شیوه رهبری در مبارزه اجتماعی دو کار متفاوت و مربوط بهم اند. یک حزب کمونیستی کارگری مانند ما که امر سوسیالیسم فورا را بر پرچم خود حک کرده است، نمیتواند از تبلیغ و آموزش سوسیالیسم و برنامه اش یک لحظه غافل شود. بعضی اوقات اینگونه میشود که بحث در مورد برنامه حزب و مارکسیسم و سوالات مربوط به سوسیالیسم زیر عنوان کار تنوریک و کلاس آموزشی طبقه بندی میشود. من البته مخالفتی با هیچکدام اینها ندارم و معتقدم که باید حزب مبارزت به تأسیس داشکده ها و مدارس کمونیستی برای پرورش کادر کمونیست و مسلط به مارکسیسم و اهداف حزب کند. اما وقتی از تبلیغات را بعنوان امر رهبری برای مردم تکرار کنیم. در این سطح معین که صورت مسئله رهبری اجتماعی است، بحث سلبی اثباتی حیاتی و تعیین کننده است. شیوه های رهبری کمونیستی تعیین

به حمایت از آقای سید مجتبی ابطحی فعال صنفی که امروز بازداشت شد در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کنند.

### استان مرکزی

بر اساس اخبار و اصله از شهرستان های استان مرکزی اغلب دبیرستان های شهر های شازند- خمین - اراک - تفرش - فراهان- دلیجان و ... در اعتضاب کامل به سر می بزند. البته استقبال مدارس دخترانه و مقاطع ابتدایی و راهنمایی چندان چشمگیر نبود.

از شهرستان خمین خبر می رسد که امروز ۲۶ فروردین اکثر قریب به اتفاق هم کاران شهرستان خمین بنا به درخواست انجمن صنفی معلمان کشور از حضور در سر کلاس ها خودداری کردند و خواستار رهایی معلمان و همکاران عدالت خواه خود شده و فردا را نیز از حضور در کلاس ها خودداری خواهند کرد. ضمناً تعدادی از اعضای انجمن شهرستان توسط اطلاعات احضار شدند که این امر باعث یکپارچگی بیشتر همکاران شده است.

### استان خراسان

در شهرستان مشهد در ناحیه های ۳-۵-۶ اعتضاب بسیار گسترده بوده است و معلمان در مدارس این نوایح از حضور در سر کاس امتناع کردند. امروز در مشهد ناحیه ۳ دبیرستان تبدیل کاران در سایر نواحی دیگر به خصوص ناحیه ۵ معلمان در مدارس حضور یافتند اما به کلاس های در س نرفتند. امروز در مشهد نواحی ۵ و ۶ دبیرستان ها و هنرستان های پسرانه و مدارس راهنمایی و متوسطه ناحیه تبدیل کاران در سایر نواحی دیگر معلمان در مدارس حضور یافتند اما به کلاس های در س نرفتند. امروز در شهر سبزوار اکثر دبیرستان های پسرانه و تعدادی هم از مدارس راهنمایی و ابتدایی در تجمع به سر برند.

و قریب ۹۰ درصد مدارس در اعتضاب بودند. یک نکته جالب از اعتضاب امروز شهر اصفهان این است که: "در دبیرستان دخترانه مکتبی خ جابر اصفهان مدیر آموزشگاه جهت مقابله با فرهنگیان متحصن از دادن چای در زنگ تغیری به همکاران خودداری می کند!"

هم چنین امروز تمامی مدارس ناحیه ۵ اصفهان و ناحیه ۲ اصفهان در اعتضاب کامل بودند و به همین دلیل رییس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ اصفهان با سرکشی به مدارس از آنها خواسته است در ایام تعطیلات مثل جمعه اعتراض خود را با تجمع اعلام کنند!

دبیرستان های شوید رجائی ناحیه ۲ جنب اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ و دبیرستان شوید مفتح و دبیرستان فرنگ و دبیرستان ادب روپروری سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان از جمله مدارس اعتضابی بودند.

از دیگر شهر های استان اصفهان نیز خبر می رسد که تمامی مدارس زین شهر شهر و فولادشهر با غبهادران- فلاورجان- فولادشهر- کرجگان- پیربکران

هم گام با تمام مدارس ایران در اعتضاب به سر برند. معلمان ضمن حضور در دفتر مدرسه از کردن. امروز دبیران دبیرستانهای امام حسین- پیش دانشگاهی شهدا- دبیرستان خوارزمی از باشهادران- دبیرستان امام زمان کرجگان و .... تمام وقت در دفتر مدرسه حضور داشتند با وجود این که از اداره باشهادران طی تماش های مکرر و در تلاشی مذبوحانه سعی در ایجاد تفرقه بین دبیران و بین مدارس مختلف داشتند. امروز اکثر مدارس شهربستان فلاورجان و بخش پیربکران در اعتضاب کامل بسر برند.

در این میان از خمینی شهر خبر می رسد که متأسفانه دو نفر از فعالان کانون صنفی (اقایان ابطحی و مجیری) در ساعت گذشته احضار شدند و آقای ابطحی دستگیر شد. برای همین معلمان قصد دارند که روز دوشنبه



### اعتضاب سراسری معلمان

گزارش کامل اعتضاب سراسری معلمان در روز یک شنبه ۲۶ فروردین

گزارش اختصاصی و بلاگ کارگر

بنا به اعلام قبلی شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان که در بیانیه ۱۰ فروردین خود اعتضاب دو روزه در تاریخ ۲۶ و ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۸۶ کرده بود. روز یک شنبه ۲۶ فروردین در اوایلین روز این اعتضاب معلمان سرتاسر کشور در اقدامی هماهنگ به این اعتضاب پیوستند. گزارش های رسیده از مدارس کل کشور حاکی از این امر است که معلمان با حضور در دفاتر مدارس از رفتان به سر کلاس ها خودداری کردند. در اکثر شهر های کشور فشار هایی از طرف نهاد های امنیتی از جمله حراست وزارت آموزش و پرورش فرمانداری ها و اداره اطلاعات شهر برای مرعوب کرد نعملمان صورت گرفته است. از جمله در تهران ۶ تن از فعالین صنفی معلمان در زندان اوین در بازداشت به سر می بزنند. در خمینی شهر یکی از فعالین صنفی بازداشت شده است. در همدان ۴ تن از فعالین صنفی همچنان در بازداشت هستند. در کرمان نیز چندین تن از فعالین صنفی بازداشت شده اند. با این وجود بنا به اخبار رسیده می توان اعتضاب معلمان را در روز اول موقوفیت آمیز ارزیابی کرد و امید داشت که اعتضاب روز دوم در روز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه پورشور تر از گذشته برگزار شود.

در ذیل اخبار اعتضاب سراسری معلمان را که از منابع مستقل و سایت ها و بلاگ های مستقل خود معلمان و اخبار مستقیم معلمان تهیه و تنظیم شده است را می خوانیم.

### استان اصفهان

استان تهران

از اصفهان نیز خبر می رسد که اعتضاب گسترده بوده است

رئیس اداره آموزش و پرورش اسلامشهر جهت برخورد قاطع با متحصلین از طرف مدیران به دبیران ابلاغ گردید:

۱ - همکاران متحصلن باید هر چه زودتر از مدرسه خارج شوند و راه حق حضور در آموزشگاه را ندارند. و از فردا سرایدار مدرسه از حضور انها را به آموزشگاه ممانعت به عمل آورد.

۲ - معلمین متحصلن از فردا هیچگونه سمتی در مدرسه ندارند و ابلاغ آن ها لغو خواهد شد.

۳ - رئیس انجمن اولیاء مدارس هر چه سریع تر به مدرسه دعوت شده و با تنظیم شکایت علیه معلمان متحصلن، به عنوان مدعی العلوم علیه معلمان به علت عدم حضور در کلاس شکایت کرده و شکایت خود را جهت رسیدگی تحويل مراجع قضایی نمایند.

۴ - نیروهای گشت نامحسوس حراست اداره بر تمام مدارس شهرستان اشراف کامل خواهند داشت تا مستقیماً با معلمین برخورد نمایند و اسامی معلمین مختلف را به نیروهای امنیتی گزارش کنند. البته با وجود تمام این تلاش های مذبوحانه اعتضاب در مدارس اسلام شهر به خوبی برگزار شده است.

از **کرج** نیز خبر می رسد که در پی تقاضای کانون صنفی معلمان مدارس کرج در اعتراض به بازداشت ها و دستگیری غیر قانونی معلمان؛ امروز ۲۶/۱/۸۶ در کلاس درس در کرج حاضر نشدند. علی رغم فشار بسیار زیاد از سوی اداره، معلمان با تحصن در دفتر مدارس در اعتراض به بازداشت همکاران فرهنگی به کلاس نرفتند. نواحی مختلف شهرستان کرج خصوصاً ناحیه ۱ و ناحیه ۳ و ناحیه ۴ شاهد این تجمعات بودند. در ناحیه ۱ معلمان دبیرستان های سهروردی و قریشی ها واقع در منطقه ای عظیمه اعتضاب شان چشم گیر تر بود.

روز یک شنبه ۲۶ فروردین مدارس متوسطه شهر شیرگاه در صفحه ۱۹ ←

همچنین در شهر **پارس آباد** نیز اعتضاب بسیار گسترده صورت گرفت.

بنابراین رسانیده از یکی از معلمان اعتضابی شهرستان **مشکین شهر** از توابع استان اردبیل متاسفانه به دلیل وجود نیروهای سرکوب گر در اداره ای آموزش و پرورش جو رعب و وحشت فراوانی حاکم است البته همین امروز در دبیرستان های مطهری و بهشتی و هنرستان های شهید کلانتری تحصلن در دفتر مدرسه صورت گرفته که در دبیرستان مطهری، مدیر مدرسه به حراست اداره متولی شده و حراست اداره با حضور در دبیرستان فوق الاشارة ضمن تهدید معلمان از کلمات نامناسبی مثل ضد انقلاب و... استفاده نموده است. و به زندان انتقال یافته است.

#### در ضمن

اما از شهرستان **اسلامشهر** از توابع استان تهران اخبار جالبی و البته تاسف انگیزی به دست می رسد. رئیس آموزش و پرورش اسلامشهر خلاقیت فوق العاده ای به خرج داده و برای فریب معلمان احکام تقليبي درست کرده و آن ها را در سراسر تهران پخش نموده، مبني بر این که احکام معلمان از مبلغ هفتاد هزار تومان تا یک صد و پنجاه هزار تومان افزایش پیدا کرده. این شایعه مثل بمب در تهران ترکیده که دیگر اعتضاب نکنید حقوقها افزایش یافت، اما ریاست محترم منطقه اسلامشهر هوش و فراتست معلمان را در ابتکار خویش نادیده گرفته، چون معلمان تا اسم اسلامشهر را شنیدند گفتند فریب و نیرنگ است و لحظه ای هم در اعتضاب نمودن تعل نکرند. همچنین ایشان به مدیران دستور داده تا اعضای انجمن اولیاء و مریبان را به مدرسه دعوت کنند تا اگر معلمی اعتضاب کرد و به کلاس نرفت معلم مربوطه را از مدرسه اخراج نمایند. همچنین ایشان به تک تک مدارس زنگ زده و گفته اند هر معلمی اعتضاب کند از آموزش و پرورش اخراج می شود! این پایان ماجرا نبود بلکه در اقدامی سوال بر انگیز تصمیمات زیر از طرف

داشتند از **تبریز** خبر می رسد که امروز برخلاف اسفند ماه جنب و جوش خاصی در بین همکاران بود. قریب به اتفاق دبیرستان های پسرانه ای ناحیه ۲ تبریز و تعدادی از مدارس ناحیه ۴ تبریز در حمایت از حقوق صنفی معلمان از حضور در کلاس های در خودداری گردند.

از **ارومیه** نیز خبر می رسد که امروز اکثر معلمان ناحیه ۱ و ناحیه ۲ و در تمام هنرستان های همکاران با حضور در دفتر مدارس از رفتن به کلاس ها خوداری گردند. البته مسوولین ناحیه برای جلوگیری از شکل گیری اعتضاب طرح بردن همکاران به اردو را به مدیران پیشنهاد کرده بودند که با مقاومت قاطع معلمان اعتضابی مواجه شند.

از شهرستان **ملکان** واقع در آذربایجان شرقی نیز خبر می رسد که رسد که دبیران این شهرستان پیرو حمایت از سایر همکاران خویش در دفاتر مدارس تحصیل نموده و به کلاس درس نرفتند و با امضای صورت جلسه ای خواهان رسیدگی به درخواست های معلمان شدند.

از **اردبیل** نیز خبر می رسد که امروز در شهر اردبیل تمامی مدارس بدون استثنای اعم از نمونه دولتی و نیز هوشان و غیر انتفاعی و... به طور یک پارچه در تحصیل کامل بودند مخصوصاً اخبار دریافتی در مورد بازداشت نایب رئیس کانون صنفی تهران جناب آفای حمید پور و ثوق که در اصل اردبیلی هستند و دستگیری و بازداشت همکاران ما در استان کرمان و پار همیشگی تشکل های صنفی جناب آفای ابطحی در خینی شهر معلمان اردبیل را به شدت ناراحت نموده و آنان را در دستور مقامات مربوطه حذف خواهد شد.

در همان زمان "دبیر" در این عزیزان به احتمالاً و بلاگ این عزیزان به این می داشتند. در همان زمان اطلاع رسانی از قوچان اعلام داشتند.

#### استان های آذربایجان

از شهر های مختلف آذربایجان خبر می رسد که معلمان آن جا هم گام با همکاران و هم صنفی های خویش در اعتضاب با شکوه روز یک شنبه ۲۶ فروردین شرکت

به سر برند. در منطقه ی خوشاب سبزوار هم تحصیل در مدرسه باشد بیشتری از سبزوار برگزار شده است. معلمان **بروجن** نیز همسو با سایر معلمان عدالتخواه امروز یکشنبه 26/1/86 در دفتر مدارس تحصیل کردند.

از **جنورد** نیز خبر می رسد که معلمان امروز در دفتر نشستند و سر کلاس حاضر نشدند. اکثر دبیرستان های شهر بجنورد چنین اعتضاب با شکوهی را انا امروز تجربه نکرده بودند. هر چند دیروز مدیر کل آموزش و پرورش خراسان شمالی با فرا خواندن مدیران سعی در جلو گیری از اعتضاب داشتند، ولی موفق نیوتد.

از منطقه **تحت جلگه ی نیشابور** خبر می رسد که امروز معلمان پس از حاضر نشدن در کلاس ها و پیوستن به اعتضاب سراسری مورد تهدید وار عاب قرار گرفته و ریس منطقه همکاران را جهت معرفی به مراجع امنیتی مورد تهدید قرار داد. همچنین منابع مستقل فرهنگی از شهرستان **قوچان** خبر ز شناسایی معلمان گزارشگر در قوچان توسط مأموران اطلاعات می دهند.

این منابع گزارش دادند که: "همکاران نویسنده ی و بلاگ جمعی از فرهنگیان قوچان از طرف نیروهای اطلاعات شناسایی شده اند و تا مساعد شدن اوضاع و رفع تهدید و بلاگ شان به روز نخواهد شد و احتمالاً و بلاگ این عزیزان به دستور مقامات مربوطه حذف خواهد شد." در همان زمان ادرس و بلاگ دیگری را جهت اطلاع رسانی از قوچان اعلام داشتند.

معلمان شهرستان های مشهد - کاشان و همدان برج هایی را که از طرف اداره ای آموزش و پرورش به صورت هدیه به آن ها داده شده بود را در محوطه ادارات خود روی زمین پاشیدند.

در تهران اکثر مدارس پسرانه مناطق ۲-۴-۸ - ۱۷ - ۱۴ - ۱۲ به طور هشتاد درصد به تعطیلی کشیده شد. و مدارس سایر مناطق نیز تا مرز شصت درصد تعطیلی بود. معلمان شهرستان های شهریار و ملارد نیز امروز مدارس را به تعطیلی کشاندند.

معلمان کرج در سطح بسیار وسیع اقدام به تحصن در دفتر مدارس کرده از حضور در کلاس های درس خودداری کردند. نشست نماینده مردم کرج در مجلس (خانم آجورو) با نمایندگان دیگران که قرار بود امروز در اداره ناحیه ۱ کرج برگزا رگردد لغو شد، زیرا معلمان در این جلسه که بتوی تهدید و تطمیع می داد شرکت نکردند. خواسته معلمان اجرای نظام هماهنگ کشوری در اسرع وقت (نه پلکانی و ۳ ساله) است. اجرای دقیق مفاد اطلاعیه کانون صنفی و پوشیدن لباس مشکی (در روز معلم ۱۲ اردیبهشت) از دستورت بعدی کار فرهنگیان کرج است. نکته جالب این که بسیاری از نیروهای اداری با همدردی با معلمان از کار آنها حمایت و حضور حماسی در ۱۸ اردیبهشت در مقابل مجلس را محقق می دانند. علی رغم فشار بسیار زیاد از سوی اداره معلمان با تحصن در دفتر مدارس در اعتراض به بازداشت همکاران فرهنگی به کلاس نرفتند.

مدارس دخترانه کرج که در اعتضابات کذشته حضور فعل داشتند، امروز دوشنبه 27/1/86 نیز پیرو بیانیه کانون صنفی، امروز نیز از حضور در کلاس درس، علی رغم میل باطنی خود، خودداری کردند. و دانش آموزان نیز در این امر با معلمان همکاری کامل دارند.

توسط اداره اطلاعات شهرستان  
کمان نیز بازداشت شدند

تحقیقات بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. ضمن اینکه در ساعت ۳:۳۰ روز دوشنبه چهار نفر از اعضای اصلی کانون صنفی معلمان همدان به نام های نادر قدیمی، یوسف زاراعی، یوسف رفاهیت و هادی غلامی آزاد شدند و مورد استقبال گرم همکاران خود قرار گرفتند.

### گزارش وبلاگ کارگر از دومین روز تحصن معلمان

خبر و اطلاعات دریافتی حاکیست معلمان امروز از رفتن به سر کلاس های درس خودداری کردند و اخبار از معلمان نیز از دستگیری تعدادی دیگر از جمله علی اصغر متوجه، محمد تقی فلاحتی، محمدرضا رضایی، سید محمود باقری، علیرضا اکبری، حمید پور و ثوق و باغانی، دیرکل کانون صنفی فرهنگیان گزارش می دهند. به گزارش اسنا سید مجتبی قربیشیان عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران این خبر را تایید کرد. این خبرها در شرایطی دریافت می شوند که پلیس اعلام کرده است هیچ گونه دستگیری معلمان از سوی مامورانش در سال جدید صورت نگرفته است. معلمان طی سال گذشته با برپایی تجمعاتی مقابل مجلس خواستار تحریق خواسته های خود شامل پرداخت هماهنگ و آنچه که رفع تبعیض نمایندگان، شده بودند آنها همچنین خواستار پیگیری استیضاح وزیر آموزش و پرورش از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معرفی مشاور وزیر در امور شکلهای فرهنگیان، ایجاد شورای برگزیدگان نمایندگان معلمان در مدارس شده اند.

علی عسگری، مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ استان کرمان نیز معلمان از خصوص خودداری تعدادی از معلمان از رفتن به سر کلاس های درس به بخوبی اینجا گفت: جمعی از معلمان شهر کرمان در مدرسه قدس و ... در دفتر مدرسه تجمع و از رفتن به سر کلاس درس خودداری کردند. وی افزود: معلمان مدعی بودند که شان و منزلت آنها رعایت نمی شود.

در اعتضاب سرتاسری معلمان سراسر کشور شرکت کرده و با حضور در دفتر مدرسه، سر کلاس های درس حاضر نشدند.

### استان زنجان

از شهرستان های استان **زنجان** نیز خبر می رسد که امروز ۲۶ فروردین اکثر مدارس استان زنجان علارغم تلاش نیروهای امنیتی و رئیس سازمان در تحصن کامل بودند که بنا به قرار قبلی فردا ۲۷ نیز ادامه خواهد داشت.

### استان قزوین

از استان قزوین نیز خبر می رسد که معلمان شهر **قزوین** خصوصاً معلمان منطقه خیابان خیام در اعتضاب گسترده به سر برده اند همچنین از **تاکستان** نیز خبر هایی مبنی بر حضور مطلوب معلمان در اعتضاب به دست رسیده است. از شهرستان های استان کردستان نیز خبر می رسد که معلمان هم راه با دیگر همکاران و هم صنفی های خویش در سراسر کشور دست به اعتضاب گسترده زندند. معلمان **سنندجی** هم چون هفته های گذشته که در همایی هم صنفی های خویش همواره پیشگام بودند امروز نیز همگام با سایر همکاران خود در اعتراض به تبعیض و در جهت اعتراض به بازداشت همکاران خود در تهران - همدان - کرمان - خینی شهر سلام دموکرات



منابع این گزارش:

[وبلاگ کانون صنفی معلمان ایران](#), [وبلاگ صدای معلم](#), [وبلاگ کچ و دل فرهنگیان](#), [وبلاگ صدای اعتراض معلم](#), [وبلاگ معلمان همدان](#), [وبلاگ کانون صنفی معلمان کردستان](#), [وبلاگ قلم معلم](#), [وبلاگ کانون صنفی معلمان اردبیل](#), [سایت سلام دموکرات](#)

### خلاصه ای از گزارش وبلاگ کارگر از دومین روز تحصن معلمان

با به گزارشات رسیده دیروز (دوشنبه) باغانی دیر کل کانون صنفی معلمان ایران در حالی که بر سر کلاس درس مشغول گرفتن امتحان از دانش آموزان بوده است توسط نیرو های لباس شخصی دستگیر می شود. در حال حاضر ۶ نفر از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان که طی آن رئیس آموزش و پرورش، معلمان معاونت امنیت دادسرای تهران محکوم کرد و تعدادی از معلمان

### استان کرمان

امروز در **کرمان** و شهرستان های این استان خصوصاً **رسنجان** معلمان هم گام با یکگر همکاران خویش در شهر های دیگر اعتضاب خود را با شکوه برگزار کردند که طی آن رئیس آموزش و پرورش، معلمان را به توطئه چینی علیه نظام حکوم کرد و تعدادی از معلمان

اعتضاب عصر امروز پایان می یابد و تا نهم اردیبهشت منتظر میمانیم. در صورتی که خواسته هایمان بر آورده نشود بند دوم بیانیه ۱۰ فروردین را اجرا خواهیم نمود.

شرکت و آنرا بنحو احسن برگزار کرده اند. خبرها حاکی است در شهرستان ابهر دوستان کانونی ما اطلاع رسانی خوب کرده و فرهنگیان این دیار نیز در تمامی مقاطع تحصیل برگزار کرده اند.

**منابع این گزارش،**  
وبلگ کانون صنفی معلمان ایران، وبلگ صدای معلم، وبلگ کج و دل فرهنگیان، وبلگ صدای اعتراض معلم، وبلگ معلمان همدان، وبلگ کانون صنفی معلمان کردستان، وبلگ قلم معلم، وبلگ کانون صنفی معلمان اردبیل.

۶- استان گیلان: معلمان و فرهنگیان شریف از جمله شهرستان رشت - آستانه اشرفیه - لاهیجان - کوچصفهان - طوالش - در همه این شهرها و مناطق و نواحی استان استقبال همکاران قابل تقدير بوده و فرهنگیان این استان از جایگاه بلندی معلمی خود بنحو احسنی پاسداری نموده اند.

#### اطلاعیه شماره ۲۵، اعتراض معلمان دومین روز اعتضاب سراسری معلمان با قدرت انجام شد

در کرمان و همایونشهر تعدادی از معلمان دستگیر و در برخی شهرها مورد تهدید قرار گرفتند

اعتضاب سراسری معلمان که از دیروز یکشنبه ۲۶ فروردین شروع شده بود، امروز دوشنبه نیز با قدرت ادامه یافت. اعتضاب دو روزه معلمان طبق تصمیم از قبل و علیرغم دستگیری های وسیع و تهدیدات مختلف انجام شد. در میان معلمان بحث از ادامه اعتضاب در روزهای آینده است.

در تهران همانطور که در گزارش روز قبل به اطلاع رسانیدیم اکثر قریب به اتفاق مدارس در اعتضاب بسر برند. گفته میشود که مدارس راهنمایی و دبیرستانها در اعتضاب کامل ب وند اما برخی از مدارس ابتدائی باز بود، ولی تدریسی صورت نگرفت.

علاوه بر تهران، بنا به گزارشهای رسیده از شهرهای اصفهان، همایون شهر، شاهین شهر، شهرستان فلاورجان و بخش پیربکران، بجنورد، اسلامشهر، شهرهای شازند، خمین،

آقای حمید پور وثوق نائب رئیس کانون صنفی معلمان ایران حتی مدارس دخترانی که بصورت نیمه در تحصیل بودند کلیه معلمان دست از کار کشیده و به جمع تحصیل کنندگان پیوستند. آفرین بر مدیران ناجیه ۲ اردبیل که در جلسه اداری جهت برخورد با فعالان صنفی کل کاشته و جواب دندان شکن و عالی به طرفداران برخورد چکشی داده و اعلام نموده اند که هرگز بعنوان ایزار اداری در مقابل همکاران خود صفت خواهیم کشید و آفرین بر مسئولان تیز هوش نواحی که در جلسه سازمانی با شجاعت از معلمان دفاع نموده و بخاطر پست و مقام کوتاه نیامده و به اجرت اعلام کرده اند که امروز ۱۰۰

در صد معلمان اردبیل و نواحی و مناطق طرفدار کانون صنفی معلمان هستند و بیانیه شواری هماهنگی را بدون چون و چرا اجرا خواهند نمود.

۷- استان کردستان: اخبار رسیده به دبیر خانه تشکلهای صنفی شمال و شمال غرب ایران حاکی از برگزاری بسیار خوب و قابل تحسینی تحصیل دو روزه در استان کردستان دارد. مردم هنوز پیمان نویینان معلم دلسوز و تبعیدی خود را فراموش نکرده و برای لغو حکم صادره تلاش خواهد نمود.

#### اطلاعیه شماره ۲۵، اعتراض معلمان دویست و پنجمین روز اعتضاب سراسری

##### معلمان با قدرت انجام شد

در کرمان و همایونشهر تعدادی از معلمان دستگیر و در برخی شهرها مورد تهدید قرار گرفتند

اعتضاب سراسری معلمان که از دیروز یکشنبه ۲۶ فروردین شروع شده بود، امروز دوشنبه نیز با قدرت ادامه یافت. اعتضاب دو روزه معلمان طبق تصمیم از قبل و علیرغم دستگیری های وسیع و تهدیدات مختلف انجام شد. در میان معلمان بحث از ادامه اعتضاب در روزهای آینده است.

در تهران همانطور که در گزارش روز قبل به اطلاع رسانیدیم اکثر قریب به اتفاق مدارس در اعتضاب کامل ب وند اما برخی از مدارس ابتدائی باز بود، ولی تدریسی صورت نگرفت.

علاوه بر تهران، بنا به گزارشهای رسیده از شهرهای اصفهان، همایون شهر، شاهین شهر، شهرستان فلاورجان و بخش پیربکران، بجنورد، اسلامشهر، شهرهای شازند، خمین،

اعلیه ی اعتضاب بر سرتاسر استان کردستان از روستا ها تا شهر های افکنده بود و معلمان کردستان اعلام کردند که سلسه تحصیل های خود را در روز ۹ اردیبهشت ادامه خواهند داد.

۸- شهرستان مشگین شهر اردبیل - پارس آباد - گرمی - بیله سوار - نیر - نمین - سرعین و هیر در تحصیل شرکت داشته و از منطقه ارشق خبر رسید که همکاران از بعد ظهر روز یکشنبه پی برده اند که تحصیل سراسری تصمیم شورای هماهنگی است به همین خاطر بلاfacسله به دیگر همکاران خود خبر داده و تحصیل را شروع آزاد کرده اند. در این تجمع که از ساعت ۱۱ شب گذشته اعلام شد بیش از ۲۰۰۰ نفر از دبیران شرکت داشتند. بنابر همین گزارش از ساعت ۳۰/۱۰ مسئولین و معاونین اداره چندین بار به معلمین اعلام کردن که طی رایزنی هایی آقای ابطحی آزاد شده و در خواست ترک محل را داشتند ولی همکاران فرهنگی خواستار دیدار آقای ابطحی بودند تا اینکه حدود ساعت ۳۰/۱۱ آقای ابطحی با تشویق همکاران وارد اداره شدند. همکاران با تقدیم گل و پخش شیرینی از ایشان اسقبال نمودند. سپس آقای ابطحی ضمن تشكر از همکاران خود و همروش که در جمع حضور داشت بر موضوع قبلی خود تا حصول نتیجه تاکید کردن. در پایان آقای مجیری دیگر عضو انجمن صنفی اعلام کردن که

۳- در استان آذربایجان غربی در تمامی شهرها و مناطق و نواحی براساس اخبار رسیده تحصیل برگزار شده و استقبال فرهنگیان از آخرين بیانیه تشکلهای صنفی قابل تقدیر بوده است.

۴- از تبریز خبر رسیده که نواحی پنجگانه این شهر بطور شایسته از تصمیمات شورای هماهنگی حمایت کرده.

۵- در استان زنجان فرهنگیان از تصمیمات شورای هماهنگی حساسه دیگری آفریده و از اولین ساعت تحصیل در این تصمیم

در شهرستان اردبیل کلیه مدارس اعم از دولتی، غیر انتفاعی، سری قبل از ظهر و بعد از ظهر مدارس خاص و تیز هوشان، هنرستانها و دوشنبه ۲۷/۱/۸۶ بودند. خبرهای رسیده حاکی از استقبال بی نظیر فرهنگیان از تصمیمات شورای هماهنگی تشكل ها دارد. ضمناً بعد از با خبر شدن از دستگیری جناب

اکثر مدارس شهر بجنورد در پی تحصیل روز یکشنبه دیروز (دوشنبه) نیز در تعطیلی به سر برند. ضمن این که مدیر کل آموزش و پرورش شهر با فراخواند مدیران سعی در جلو گیری از تحصیل را داشت که موفق نشد.

سايه ی اعتضاب بر سرتاسر استان کردستان از روستا ها تا شهر های افکنده بود و معلمان کردستان اعلام کردند که سلسه تحصیل های خود را در روز ۹ اردیبهشت ادامه خواهند داد.

#### خبر اخبار تشکلهای صنفی معلمان شمال و شمال غرب ایران

۱- اردبیل : در شهرستان اردبیل کلیه مدارس اعم از دولتی، غیر انتفاعی، سری قبل از ظهر و بعد از ظهر مدارس خاص و تیز هوشان، هنرستانها و دوشنبه ۲۷/۱/۸۶ در تحصیل کامل بودند. خبرهای رسیده حاکی از استقبال بی نظیر فرهنگیان از تصمیمات شورای هماهنگی تشكل ها دارد. ضمناً بعد از با خبر شدن از دستگیری جناب

### شهرهای کردستان

"در حمایت از فراخوان کانون صنفی معلمان کشور جمعی از معلمان مناطق غرب کشور روز ۲۶ و ۲۷ فوریه سال جاری از حضور در کلاس‌های درس خودداری کردند.

**مسعود کردپور:** دیر آموزش پرورش، در گفت و گوی تلفنی با خبرنگار اینلنا، گفت: در حمایت از فراخوان کانون صنفی معلمان ایران مبنی بر اعتراض معلمان کشور برای عدم حضور در کلاس‌های درس فرهنگیان مناطق غرب کشور از جمله شهرهای سنتنگ، مریوان، سقز و بوکان به صورت پراکنده در این اعتراض شرکت کرده و از حضور در کلاس‌های درس خودداری کردند.

وی ادامه داد: این اعتراض در حمایت از خواسته‌های صنفی معلمان کشور و اجرای قانون خدمات کشوری و آزادی معلمان دستگیر شده که در تجمعات فلی در مقابل مجلس شورای اسلامی امروز نیز ادامه خواهد داشت.

این روزنامه‌نگار گفت: انگیزه کلی کانون صنفی معلمان تنها بحث حقوق و مزایای معلمان نیست، بلکه وضع عمومی آموزش و پرورش درخصوص دانشآموزان و معلمان و همچنین محتوای آموزشی است.

داود روحانی، یکی دیگر از معلمان شهر سنتنگ گفت: در حقیقت انگیزه کلی معلمان حقوق و مزایای معلمان نیست؛ بلکه هدف‌های بالاتری داریم که می‌توان به وضع عمومی آموزش و پرورش و عدم فضای کافی آموزشی اشاره کرد. وی بیان کرد: آموزش‌ها در حال حاضر هدف‌های جامعه را برآورد نمی‌کند به عنوان مثال شرکت گاز، راهنمایی و رانندگی و.... خود به نحوی آموزش می‌دهند که این عمل مربوط به آموزش و پرورش است. وی در پایان گفت: اعتراض دیروز و امروز معلمان به عنوان همدردی با معلمان دستگیر شده است و تا رسیدن به خواسته‌هایی به حق خود و آزادی همکارانمان این اعتراضات ادامه خواهد داشت."

مبارزه معلمان خمینی شهر، یک الگوی مناسب برای همه معلمان و همچنین کارگران و دانشجویان است. در مقابل دستگیری باید دست به تجمع زد، مردم را فراخواند و متوجه یکپارچه بر خواست خود ایستادگی کرد و رژیم را وادار به آزادی همکاران خود کرد. رژیم در موقعیت ضعیفی است و از تداوم اعتراض و تجمعات اعتراضی معلمان شدیداً وحشت دارد. از این موقعیت باید برای آزادی معلمان دستگیر شده و عقب راندن رژیم در مقابل خواسته‌های حق معلمان استفاده کرد.

### پیروز باد مبارزه متحده معلمان

**مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی**  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ آوریل ۲۰۰۷، ۲۷ فوریه ۱۳۸۶

### اعتراض معلمان

امروز یکشنبه ۲۶/۱/۸۶ اکثر مدارس مناطق تهران تعطیل و یا به حالت نیمه تعطیل در آمده است. بیشترین اعتراضات در مناطق جنوب و پایین شهر بوده است. در برخی مناطق از جمله منطقه ۵ معلمین طی برگه هایی که کتبای به داش آموزان داده اند، فردا دوشنبه ۲۷/۱/۸۶ را نیز تعطیل اعلام کرده اند. برخی از مدیران مدارس که از عوامل حراسی و مزدور می باشند برای اعتراض شکنی با گستاخی اعلام کرده اند ما اسامی معلمین را که در سر کلاس حاضر نشده اند به حراست و... داده ایم! از ۱۰ روز پیش نیز روسای مناطق مختلف آموزش و پرورش تهران طی دعوت از نمایندگان معلمان و برگزاری جلساتی در ادارات کل آموزش و پرورش هدف تطمیع و تهدید معلمان را داشته اند. آنچه از شواهد بر می آید فردا دوشنبه شاهد اعتراضات گسترده تری خواهیم بود.

### کامران پایدار

دانشجویان و همه مردم آزادیخواه را به همبستگی با معلمان و حمایت قاطع از خواسته‌های بحق آنها فرامیخواهند.

**معلمان زندانی، دانشجویان و کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند**  
معلمان بخاطر اعتراض مورد دستگیری و تهدید و اذیت و آزار معلمان فوراً باید پایان داده شود و همه پرونده‌ها و وثیقه‌ها باطل اعلام گردد.

**اعتراض و تجمع و آزادی بیان حق مسلم معلمان و همه مردم است.**

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آوریل ۲۰۰۷، ۲۷ فوریه ۱۳۸۶

### اطلاعیه شماره ۲۶، اعتراض معلمان

**معلمان خمینی شهر با تجمع اعتراضی خود معلم زندانی را آزاد کردن و با گل و شیرینی از او استقبال کردن!**  
معلمان خمینی شهر با تجمع اعتراضی خود در محل اداره آموزش و پرورش این شهر، همکار خود، آقای ابطحی را آزاد کردن. در این تجمع که در ساعت ۱۱ شب گذشته برگزار شد بیش از ۲۰۰ نفر شرکت داشتند.

مقامات آموزش و پرورش برای جلوگیری از تجمع به معلمان اطلاع دادند که آقای ابطحی آزاد شده است و از معلم خواستند که به تجمع خود پایان دهد. اما معلمان در محل ماندند و دولت را مجبور کردند ابطحی را ساعت ۱۱ و نیم شب آزاد کند. معلمان با تقديم گل به ابطحی و تهدید شیرینی در میان حاضرین ازاو استقبال کردند. همکاران با تقديم گل و پخش شیرینی از ایشان اسقبال نمودند. معلم آزاد شده و یکی دیگر از مسئولین کانون صفوی که در این تجمع حضور داشتند بر تداوم مبارزه و از جمله داشتند. حزب کمونیست کارگری کارگران،

### گزارشها از اعتراض معلمان ...

خمین، اراک، تفرش، فراهان، دلیجان، کرج، سقز، بوکان، همدان، الیگودرز، اردبیل، کرمان، ارومیه، تبریز و بروجن اکثر مدارس در این شهرها در اعتراض بودند. در اسلامشهر معلمان بخاطر اعتراض مورد تهدید قرار گرفتند. به آنها اخطار شد که حق جمع شدن در مدرسه راندارند و مدارس را خواهند بست!

**طبق گزارش دیگری، روز ۲۶ فروردین از ۹ نفر معلم دستگیر شده کانون صنفی معلمان همدان، ۵ نفر بنام جلیلیان، فروزانفر، صادقی، نادری و نجفی پس از نزدیک به ده روز از زندان آزاد شدند. زارعی، قبیمی، رفاهیت و غلامی همچنان در بازداشت به سر می برند.**

در همایون شهر در استان اصفهان روز ۲۶ فروردین چند نفر از معلمان متعض به اسامی مجتبی ابطحی، عبدالرسول عمامی، نورالله برخوردار و حمید محیری به ستاد خبری احضار شدند که پس از مراجعته دستگیر و هنوز از محل بازداشت آنها اطلاعی در دست نیست.

در کرمان رئیس آموزش و پرورش، معلمان را به توطئه چینی علیه نظام متمهم کرد و تعدادی نیز بازداشت شدند. لازم به یادآوری است که روز ۲۵ فروردین نیز آقایان حمید پور و ثوق، علیرضا رضایی و محمد رضا رضایی بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

معلمان خواهان آزادی فوری همکاران خود، پایان دادن به دستگیری و اذیت و آزار معلمان و پرونده سازی برای آنها و نیز افزایش دستمزد بر اساس اجرای نظام هماهنگ دستمزدها، تامین مسکن و آزادی بیان و خواسته‌های مهم دیگری هستند. حزب کمونیست کارگری کارگران،

کارگران با پیامهای حمایتی خود و شرکت در تجمعات آنها دانشجویان با دست زدن به اعتضاب در حمایت از معلمان، و همه مردم با شرکت گسترده در تجمعات اعتراضی معلمان، و همراهی با آنها در خارج کشور، لازم است از معلمان پشتیبانی کنند. اول مه نیز نزدیک است. بخش‌های مختلف جامعه باید خود را برای برگزاری هرچه عظیم‌تر اول مه و جوش زدن مبارزات خود به یکدیگر آماده کنند و پاسخ همه این سرکوبگریها و دستگیری‌ها را با قدرت در اول مه بدهنند.

### پیروز باد مبارزه حق طلبانه معلمان

زنده باد جمهوری  
سوسیالیستی  
زنده باد اول مه

اصغر کریمی

رئیس هیئت دبیران  
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ فروردین ۱۳۸۶ (۱۶ آوریل ۲۰۰۷)



## پیام حزب کمونیست کارگری به مردم آزادیخواه از معلمان با تمام قوا حمایت کنید اصغر کریمی

آن وحشت دارد و می‌خواهد بازدین مردم خود را از این موقعیت بحرانی نجات دهد. این وظیفه همه ماست که با تمام قوا به این مبارزه پیووندیم و آنرا به پیروزی برسانیم. باید نشان دهیم که دوره ارتعاب گذشته است، دوره بی توجهی به خواستهای حق مردم به پایان رسیده است. نشان دهیم که دوره عقب نشینی‌های بیشتر برای رژیم شروع شده است. سرنوشت این مبارزه به همه ما مربوط است. باید پیروزش کنیم.

کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان، مردم، ایرانیان مقیم خارج

مطلوبات حق طلبانه معلمان، خواست آزادی فوری و بی قید و شرط معلمان زندانی، خواست افزایش بالای دستمزد، کمک به حل مسکن آنها، آزادی بیان و اعتضاب و تجمعات اعتراضی و در یک کلام معیشت و منزلت حق معلمان و حق همه ما است. اعتضاب عمومی معلمان الگوئی است که دیر یا زود کل طبقه کارگر باید به آن دست بزنند و این رژیم را از پا درآورد. معلمان الگوی مناسبی از مبارزه سراسری و توده ای را در مقابل ما قرار داده اند. ما میتوانیم و باید این مبارزه را به پیروزی کامل برسانیم. وقت پیشروی ما برای آزادی و برابری و در هم کوییدن جمهوری اسلامی است.

وقت جمع شدن پشت مبارزه معلمان است. پیروزی معلمان پیروزی همه ما است و راه را بر تسلیم جمهوری اسلامی در مقابل خواستهای حق همه ما باز می‌کند. پیروزی معلمان راه پیروزی کارگران و سایر افشار زحمتکش جامعه را فوراً باز می‌کند. پیروزی این مبارزه، یک پیروزی مهم برای کل جنبش آزادیخواهانه مردم به حساب می‌اید و قدم بزرگی رژیم جناحتکاران و مرتتعان را، رژیم اسلامی سرمایه داران را به سرنگونی نزدیک تر خواهد کرد.

بیشک همه شما از مبارزه معلمان و اعتضاب دو روز اخیر آنان مطلع هستید. این بزرگترین اعتضاب معلمان در طول تاریخ این کشور است و جمعیت کثیری از معلمان را دربرگرفته است. این توده ای ترین اعتضاب در طول تاریخ جمهوری اسلامی به حساب می‌اید. میلیونها دانش آموز در جریان این مبارزه و خواستهای بحق معلمان خود قرار گرفته اند و بعضاً حتی شاهد دستگیری معلمان خود بوده اند. دانش آموزان وسیعاً با معلمان احساس همبستگی میکنند و خود را در مقابل رژیم میبینند.

محاکمه به دادگاه انقلاب معرفی کند. بازداشت کرم مرادی نمونه ای جدید از انواع بازداشت ها است که صورت گرفته است، نوع جدید نشان از آن دارد که اطلاعات دیگر نیاز به بهانه های سابق مانند برگزاری مراسم یا شرکت در اعتضاب ندارد بلکه صرف ناراضی بودن کارگر از شرایط کار و زندگی ای که نظام سرمایه داری بحران زده برایش بوجود آورده و ناشکر بودن از فقر و فلاکتی که این نظام به او ارزانی داشته، کافیست تا بازداشت و محکمه شود.

ما باز هم اعلام می‌کنیم که برگزاری مراسم اول ماه مه به هر شکل و در هر جا بدون دخالت دولت و بدون نیاز به کسب مجوز، و انجام هر گونه فعالیت کارگری را حق خود می‌دانیم و بر اجرای آنها اصرار جدی داریم، اعلام می‌کنیم با شیوه های متنوع سرکوب آشناشیم، بنابراین هیچ شیوه ای از تعقیب و بازداشت، عزم ما را بر برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در خیابان سست نخواهد کرد، ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی، رفع اتهام از جلال حسینی و لغو محکمه و آزادی سند ضمانت کرم الله مرادی هستیم.

انجمن صنفی کارگران برق و  
فلزکار کرمانشاه ۲۶/۱/۸۶

## یک خبر معلمان اعلام کردند که میخواهند در روز سوم اردیبهشت، جهت پیگیری خواستهایشان مجدها تجمع کنند.

جمهوری اسلامی نیز  
از اول تا سوم  
اردیبهشت را "جشن  
بهاری" اعلام کرده و  
گفته که همه جا تعطیل  
است!

این مبارزه نه تنها از نقطه نظر معلمان و خواستهای حق آنها باید مورد پشتیبانی همه جامعه قرار گیرد بلکه بعلاوه بعنوان بخشی از رویارویی مردم با جمهوری اسلامی باید وسیعاً تقویت شود. این روزها ماموران رژیم به جان دانشجویان و زنان و فعالین کارگری و معلمان افتاده اند تا مانع جوش خوردن این مبارزات به یکدیگر و یکی شدن آنها شوند. رژیم به ابعاد اعتراض و خشم و عصبانیت مردم واقف است و از

دعوت به آکسیون ۲۰ آوریل ۲۰۰۷ استکهم (کمپین آزادی محمود صالحی - استکهم)

زمان آکسیون: روز جمعه ۲۰ آوریل ۲۰۰۷، ساعت ۱۸

مکان: مرکز شهر استکهم،  
میدان سرگلسوری

Stockholm - Sergelstorg

## کمپین آزادی

### محمود صالحی را گسترش دهیم!



نیز حمایت کنند.  
ما خواهانیم که آقای صالحی در اسرع وقت آزاد شود و تمامی کارگرانی که مایلند اول ماه مه را جشن بگیرند آزادانه بتوانند همانند کارگران سراسر دنیا به این امر اقدام نمایند.

اطلاعیه شماره ۴، در مرور دستگیری محمود صالحی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار خواهان آزادی فوری محمود صالحی شد

در اولین مجمع عمومی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار که در روز جمعه ۲۴ فروردین برگزار شد، سخنرانان بر تلاش گسترده برای آزادی فوری محمود صالحی تأکید کردند. پلاکارد های تحت عنوان ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی هستیم و نیز تشکل و آزادی بیان حق مسلم ما کارگران است در این مجمع عمومی به چشم می خورد.

کارگران شرکت کننده در این مجمع تصمیم گرفتند که به اتفاق همه کسانی که خواهان آزادی محمود صالحی هستند، کمیته ای در شهر سنجاق برای آزادی او ایجاد کنند و چنانچه محمود صالحی تا اول مه آزاد نشده بود مساله آزادی محمود صالحی و اعتراض به زندانی شدن او را در محور خواسته ای اول ماه مه امسال قرار دهد.

محمود صالحی، معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند. اعتصاب، تشکل، برگزاری اول مه حق مسلم کارگران و همه مردم است. دست جمهوری اسلامی از سر کارگران و مردم کوتاه.

مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ آوریل ۲۰۰۷، ۲۶ فروردین ۱۳۸۶

سفیر هیئت دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متعدد در ژنو [mission.iran@ties.itu.int](mailto:mission.iran@ties.itu.int)

ترجمه و تکثیر از: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

سنديکای فرانسوی ث. ژ. ت، که یکی از بزرگترین و مشهورترین سنديکاهای کارگری جهان است، با ارسال نامه ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی در پاریس، نسبت به دستگیری محمود صالحی، از فعالین کارگری ایران اعتراض کرد. در این نامه که به امضا دبیر بخش بین الملل ث. ژ. اتحاد بین المللی «ت رسیده و توسط «در حمایت از کارگران در ایران به فارسی منتشر شده، به نمایندگی از کارگران فرانسوی از مقامات ایران خواسته شده است محمود صالحی را فوراً آزاد کرده و امکان برگزاری آزادانه ی بزرگداشت روز جهانی کارگر را برای همه کارگران ایرانی فراهم آورند:

آقای سفیر،

با خبرشیدم که آقای محموی صالحی بار دیگر تحت این بهانه که در حال تدارک یک تظاهرات آرام به مناسبت روز اول ماه مه است زندانی گشته است.

ما به شما یادآوری می کنیم که بزرگداشت اول ماه مه در سراسر دنیا یا به شکل تظاهرات یا گردهمایی به عنوان روز بین المللی کار انجام می شود. رفتار مقامات ایرانی با مجرم قلمداد کردن کسانی که مایلند به این روز همبستگی بین المللی بپیونددند نشانگراین است که آنان هیچگونه اهمیتی به وضعیت زحمتکشان مطالبات آنها و ارزش های همبستگی آنان نمی دهند. آنها یکی که ادعایی که نماینده زحمتکشان و مردم ایران هستند حداقت لازم است که از منافع انها

انجمن صنفی کارگران خبار سفر و یک فعال سرشناس کارگری ایران به شما مینویسم.

اطلاعیه شماره ۳، در مرور دستگیری محمود صالحی

یک اتحادیه کارگری در استرالیا خواهان آزادی فوری محمود صالحی شد

اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلداری، معدن و انرژی استرالیا طی نامه ای به احمدی نژاد، جمهوری اسلامی را با خاطر دستگیری محمود صالحی محکوم کرد و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط او شد.

در این نامه که به امضا اندرو فرگوسن دبیر ایالتی این اتحادیه رسیده است، از حق تشكیل و اعتضاب و آزادی بیان سیاسی برای کارگران ایران حمایت شده است.

حزب کمونیست کارگری سازمانهای کارگری در سراسر جهان، مراکز مختلف کارگری در ایران، داشجویان و همه مردم آزادیخواه را به مبارزه برای آزادی محمود صالحی، معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواهد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ آوریل ۲۰۰۷، ۲۳ فروردین ۱۳۸۶

ضمیمه: نامه اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلداری، معدن و انرژی- استرالیا

Construction Forestry Mining and Energy Union

۱۲ آوریل ۲۰۰۷

رئيس جمهور جمهوری اسلامی ایران  
Email: dr.ahmadinejad@president.ir

آقای احمدی نژاد عزیز،

موضوع: حبس فعال کارگری، محمود صالحی

من این نامه را جهت محکوم نمودن بازداشت و زندانی نمودن محمود صالحی، رئیس سابق

\* آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی  
لغو احکام تعیقی برای او

\* لغو احکام زندان تعیقی برای جلال حسینی،  
محسن حکیمی و برهان دیوارگر

\* آزادی برقائی مراسم مستقل، غیر دولتی و آزاد اول ماه مه روز جهانی کارگر

برای آزادی محمود صالحی و لغو احکام دیگر فعالین کارگری شهر سفر به این کمپین بیرونید و با اتحاد و مبارزه آزادی محمود صالحی را تضمین نمائیم.

شماره تماس با کمپین آزادی محمود صالحی  
۰۰۹۵۴۳۸۶۲۹۰۴

[Borhandidvargar2006@yahoo.com](mailto:Borhandidvargar2006@yahoo.com)

### انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

در آستانه فرا رسیدن روز جهانی کارگر مثل گذشته رئگانهای سرکوب کارگران به تقلا برای ایجاد فضای ارتعاب و ترس افتاده اند تا از برگزاری مراسم گرامیداشت این روز که طی چند سال اخیر طبقه کارگر ایران به اهمیت آن بیش از پیش در جهت بیان مطالبات خود و بسیج نیرویش به منظور تحمل آن به دولت و کارفرمایان پی برده جلوگیری کنند. هفته گذشته محمود صالحی فعل کارگری و از برگزار کنندگان مراسم اول ماه مه ۸۳ را با ترفند از محل کارش دستگیر و روانه زندان می کنند، بعد از آن جلال حسینی را احضار می کنند و روز جمعه ۲۴/۱/۸۶ کرم الله مرادی عضو انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه را در پست بازرسی بین کرمانشاه - کامیاران به جرم همراه داشتن بولتن کارگری شورا بازداشت می کنند که با ضمانت سند ساختمن، موقف آزاد می شود تا سه روز بعد خود را برای ← صفحه ۲۲



## بازداشت یک فعال کارگری تعرض به طبقه کارگر است!

برهان دیوارگر

این جامعه دفاع کرده بازداشت محمود صالحی تعرض به طبقه ما و همه کسانی است که علیه فقر و بیحقوقی و استثمار مبارزه میکنند.

باید این وضعیت غیر قابل تحمل و کشنده را تغییر داد! باید جلوی این همه سرکوب و خفغان را گرفت تشكلهای کارگری، سندیکاهای، تشکلهای مستقل روزنامه نگاران، نویسندهای، معلمین، دانشجویان، مدافعين حقوق کودک و زن در داخل ایران باید به این پورش لجام گسیخته اعتراض کنند کارگران مراکز مختلف با ایجاد مجتمع عمومی در مرکز کارگری نسبت به بازداشت محمود صالحی اعتراض کنند و خواستار آزادی فوری محمود صالحی بشوند. فعالین کارگری مراسم اول ماه مه امسال را باید روز اعتراض به بازداشت و لغو حکم زندان برای محمود صالحی و دیگر فعالین دستگیر شده بنمایند.

**کارگران و مردم آزادیخواه، اتحادیه ها و نهادهای مدافع حقوق بشر و احزاب سیاسی!**

برای آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی فعال کارگری که هم اکنون در زندان مرکزی شهر سنتنگ به سر میبرد مارا یاری دهید!

من با اعلام کمپین آزادی برای محمود صالحی و لغو احکام دیگر فعالین کارگری سفر از تمامی نهادهای مدافع حقوق بشر و اتحادیه های کارگری در ایران و جهان، تمامی احزاب سیاسی و تمامی مردم مبارز و آزادیخواه در خواست میکنم که به این کمپین بازداشت شدن و خواستار آزادی محمود بپیوندد و خواستار اعدام دستگیر شدنگان اول مه بشوند.

**اهداف کمپین آزادی برای محمود صالحی**

کمپین آزادی محمود صالحی...

سندیکای کارگران شرکت واحد

ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی هستیم!

ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی و رسیدگی عادلانه، در چهارچوب موازین قانونی حقوقی نسبت به پرونده ایشان هستیم.

اعلام کمپین برای آزادی محمود صالحی

سال ۸۳ جمهوری اسلامی تلاش کرد با بازداشت و زندانی کردن

فعالین و رهبران کارگری هر تلاش و مبارزه ای برای ایجاد اتحادی سراسری میان کارگران را به شکست بکشاند. بازداشت جلال حسینی، محسن حکیمی، محمود صالحی و من، برهان دیوارگر، تعریضی بود به ما، به طبقه کارگر برای اعلام کیفر خواست طبقاتی مان علیه رژیم سرمایه!

این تلاش با مبارزه ای سراسری، با حمایت بین المللی کارگران در گوش و کنار دنیا به شکست کشیده شد. امسال پس از گذشت سه سال جمهوری اسلامی تلاش میکند با بازداشت، تهدید، احضار، زندانی کردن و صدور احکام سنگین برای فعالین کارگری و تلاش برای ایجاد جو رعب و وحشت در میان فعالین و رهبران کارگری به استقبال اول ماه بروند و از هم اکنون مانع برگزاری مراسمها، اعتراضات کارگری به این مناسبت شود. بازداشت محمود صالحی بخشی از تلاش سازمان یافته رژیم برای مقابله با اول ماه مه ماست.

باید این تلاش را یکبار دیگر به شکست کشانید.

همه ما از وضعیت معیشت و حقوق کارگران و مردمی که در زیر خط فقر در ایران زندگی میکنند به خوبی آگاه هستیم و میدانیم که جمهوری اسلامی به جز فقر و فلاکت و بدختی ارمنی برای مردم نداشته است هر کسی که نسبت به وضع موجود، به فقر، به بیحقوقی، به تعیین اعتراضی کند با اتهام همیشگی اقدام بر علیه امنیت ملی و جاسوسی بازداشت و پس از طی دوره کامل شکنجه و بازجویی های درد آور در سلول

های انفرادی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران به احکام سنگین زندان و اعدام محکوم میگردد. معلم، دانشجو، کارگر و زن را به جرم اعتراض بازداشت و زندانی می کنند محمود صالحی از حقوق کارگر و مردم زحمتکش

ماده 63 قانون کار روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه می) را به عنوان روز جهانی کارگر تعطیل است. محمود صالحی رئیس سابق انجمن صنفی کارگران خیاز سقز و تنی چند از همکارانش به علت تلاش برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳ بازداشت و محکمه شدند و نهایتاً در دادگاه تجدید نظر رأی بر رائت آنها صادر شد. اما بلافضله مجدداً در دادگاهی دیگر پرونده ای برای آنان گشوده شد.

هم اینک محمود صالحی قبل از صدور و اعلام رأی دادگاه بدوى و قضایت دادگاه تجدید نظر بازداشت شده است، این امر برخلاف اصل ۳۷ قانون اساسی است که برائت همه انسانها را مینماید، مگر آنکه رأی نهایی در دادگاه تجدید نظر و هیأت تشخیص دیوان عالی کشور، دال بر محکومیت فرد صادر شود. لذا به همین دلیل بازداشت مجدد محمود صالحی را برخلاف موازین قانونی و عدالت دانسته و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط و رسیدگی عادلانه به وضعیت حقوقی ایشان هستیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

## کارگران کشت و صنعت کارون در شوستر باز هم دست به اعتضاب و تجمع زندن

مهران رضانی: گزارشگر حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ فروردین

روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه همزمان با اعتضاب سراسری معلمان، کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوستر دست به تجمع اعتراضی زندن. کارگران شیفت صبح با دست کشیدن از کار، اعتضاب را در تمام بخش ها آغاز کردند و در جلوی کارگری زنی شرکت دست به تجمع زندن. این تجمع در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد اسفند ماه و عدی و پاداش پایان سال صورت گرفته است.

داودی رئیس حراست در جمع کارگران حاضر شد و گفت که در صورت ادامه اعتضاب، شرکت تعطیل میشود. وی قول مساعد داد که بزودی مطالبات کارگران پرداخت میشود. تعطیلی شرکت ترفندي است که در ماههای پایانی سال مسئولین شرکت بعلت ناتوانی در پرداخت موقع دستمزدها به آن متول شدند.

لازم به توضیح نیست که تأخیر در پرداخت دستمزدها کارگران را از نظر معیشتی با دشواری های زیادی روبرو کرده است. آنان بشدت نسبت به ادامه تأخیر در پرداخت ها معرض هستند. بافرض و قوله زندگی بخور و نمیری را میگذرانند. این در حالیست که قیمت مواد غذائی و سایر اقلام بطور روزمره و فزاینده ای در حال افزایش است.

\*\*\*

به این سایت مراجعه کنید  
[www.WantedByPeople.com](http://www.WantedByPeople.com)  
و دادنامه خود علیه رژیم اسلامی را تنتیم کنید

کمپینی برای جمع آوری ده هزار  
دادنامه!

سران و کاربستان جمهوری اسلامی باید به جرم جنایات علیه بشریت در دادگاههای منتخب و عادلانه مردم محکمه شوند!  
  
پروندهای قریب سه دهه جنایت و کشتن مردم بیگناه باید ورق بخورد!  
  
جمهوری سوسیالیستی مجازات اعدام را لغو میکند! ما انتقامجو نیستیم، فسفة ارجاعی "چشم در مقابل چشم" نداریم، اما حقایق باید روشن شود!

اهداف مرکز پیگرد سران رژیم:

- ۱- جمع آوری مدارک و اطلاعات لازم از شاکیان و فربانیان رژیم؛
- ۲- تدوین لیست سران و مسئولین رژیم که باید تحت پیگرد قرار گیرند،
- ۳- تنظیم کیفر خواست شاکیان علیه سران رژیم،
- ۴- ارائه مدارک حقوقی به دادگاهها و برپانی یک تربیونال بین المللی از سایت مرکز پیگرد نین کنید:

[www.wantedbypeople.com](http://www.wantedbypeople.com)

## اعتراض کارگران جهاد نصر و کارگران فضای سبز آبادان

از مبارزات کارگران جهاد نصر  
کرمانشاه حمایت کنیم!

سرمایه و اسلام به کارگران و مردم تحمل کرده است فرا می خوانیم.

امروز پنجشنبه ۸۵/۱/۲۳ بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران شرکت جهاد نصر کرمانشاه در جهت دستیابی به خواستهای بر حق خود در برابر استانداری کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زندن. اعتراض این کارگران علیه فقر شدید و شرایط نابسامان زندگی خود و خانوادهایشان، دستمزدهای پرداخت نشده و بخصوص قراردادهای موقت کار و اخراجهای خودسرانه توسط مسئولین جهاد نصر می باشد. هر یک از این کارگران بین ۷ الی ۱۰ سال سابقه کار دارند در حالیکه بخش اعظم دستمزدهای این کارگران طی چند ماه گذشته پرداخت نشده و این کارگران و خانوادهایشان برای استفاده از ابتدایی ترین امکانات زندگی تحت فشار روز افزون قرار دارند. اخیراً مسئولین جهاد نصر تصمیم به اخراج این کارگران گرفته اند.

جوانان از ادیخواه کرمانشاه

23/1/85

## اعتضاب و تجمع کارگران فضای سبز آبادان

روز یکشنبه ۲۷ فروردین کارگران فضای سبز آبادان که واپسی به شهرداری آبادان است برای اعتراض به دریافت نکردن ۳ ماه حقوق معوقه خود در ماههای یهمن و اسفند و فروردین و عدی و دیگر مطالبات شان دست به تجمع و اعتضاب در مقابل فرمانداری آبادان زندن. تعداد کارگران در این تجمع حدود ۲۰۰ نفر بود. تجمع کارگران از ساعت ۸ صبح با شستن در مقابل فرمانداری شروع شد و ساعت ۱۲ با بیانیه خواستهایشان و تهدید به اعتضاب و تجمع دوباره پایان دادند. قابی ذکر است که در دو ماه گذشته این کارگران در اعتراض به دریافت نکردن حقوقشان دست به تجمع های پراکنده زده بودند. شهرداری یک دلیل عدم پرداخت حقوقها را نبودن بودجه کافی در شهرداری عنوان کرده است.

آرمان از آبادان

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری  
را بخوانید و به دولت اسلامی  
توصیه کنید!

با گزارش جوانان از ادیخواه این تجمع در حالیکه توسط نیروهای نظامی و مزدوران اطلاعاتی و لباس شخصی های حکومت اسلامی به محاصره در آمده بود تا ظهر ادامه داشته و مسئولین جهاد نصر و استانداری کرمانشاه با وحشت و سراسیمگی و عقب نشینی از اعتراض کارگران ظاهرا و عده داده اند به خواستهای کارگران رسیدگی شده و فعلاً از اخراج این کارگران جلو گیری شود. ما جوانان از ادیخواه همبستگی و حمایت همه جانبی خود را از مبارزه کارگران جهاد نصر اعلام داشته و در آستانه اول مه روز جهانی کارگر همه کارگران و زحمتکشان و معلمان و جوانان، همه انسانهای آزادیخواه و برایری طلب را به اعتراض و مبارزه علیه فقر و شرایط غیر انسانی که حکومت جنایتکار

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرانیانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدار بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

از

## ”یک دنیای بهتر“

برنامه حزب کمونیست کارگری



۱۳۸۶، سال اتحاد کارگری! سال آزادی و برابری!

<http://www.for-abetterworld.com>

<http://for-abetterworld.blogfa.com>



مرکز مطالعات اتحاد کمونیسم کارگری برگزار میکند:

## موضوع ”اتحاد جنبش کمونیسم کارگری“

سخنرانان  
سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی، آذر ماجدی

مکان: گوتنبرگ سوئد

Folkets Hus, Olof Palmes Plats

زمان: شنبه 28 آپریل 2007- ساعت 7 الی 10 شب

مسئول برگزاری جلسه: شهرام نوری

تلفن تماس: 0737262622

مرکز مطالعات اتحاد کمونیسم کارگری برگزار میکند:

## موضوع ”اتحاد جنبش کمونیسم کارگری“

سخنرانان

سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی، آذر ماجدی

مکان: آلمان، اسن

Essen, Jugend Zentrum, Papestr. 1-3

زمان: جمعه ۴ مه ۲۰۰۷

ساعت: ۶ بعد از ظهر

مسئول برگزاری جلسه: بهرام نظری نیا

تلفن تماس: 016223721634

۹- رامین اجرلو - ۱۰- هومن  
شریفی راد - ۱۱- ضیا نبوی ۱۲  
عمید مشرف زاده - ۱۳- سعید  
یقوب نژاد - ۱۴- مهران ضیا  
بخش .....

نیروهای امنیتی چندنفر دیگر  
از دانشجویان را بعد از کتک  
کاری و ضرب و شتم در ۴۵ جاده  
محمود اباد شب هنگام آزمایشین  
های خود بیرون انداخته و رها  
کردند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی  
و حقوق بشر ایران حمله به  
دانشجویان معتبرض و اعتصابی  
را محکوم می کند، نسبت به  
سرنوشت نامعلوم بیژن صباح و  
دیگر دانشجویان بازداشتی شدیدا  
نگران و از هم اکنون برای نجات  
جان دانشجویان بازداشتی در همه  
سطح داخلی و بین المللی تلاش  
میکند و از همه فعالیعن دانشجویی  
در سراسر کشور ، فعلیعن مدنی  
و مدافعت حقوق بشر می خواهد  
و سیعا تلاشهای خود را در جهت  
رهایی دانشجویان به انجام  
برسانند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی  
و حقوق بشر ایران  
۱۳۸۶ فروردین ۲۷



دانشجو ، کارگر ، معلم

## اتحاد! اتحاد!

نه جنگ، نه بمب، نه  
تحریم اقتصادی! نه  
به جمهوری اسلامی!

اعتراض دانشجویان روز های  
بیست و پنجم و بیست و ششم  
فروردين اوچ گرفت و هزاران  
دانشجو در تجمع دانشگاه  
نوشیروانی بابل شرکت کردند  
، خواست های فوری خود را  
دربرابر مسولین حراست و  
دانشگاه طرح کردند و خواستار  
آزادی فوری بیژن صباح شدند.



نیروهای انتظامی و امنیتی در  
عملیاتی هماهنگ به منازل تعدادی  
از دانشجویان حمله برده و آنها را  
دستگیر کردند و همزمان  
دانشجویان متعصب در دانشگاه را  
مورد تعرض و بازداشت کردند.

تهدید و فشارها بر دیگر دانشجویان  
شرکت کننده در اعتصابات و  
اعتراضات روزهای گذشته ادامه  
دارد ، عملیات دستگیری و مرعوب  
کردن دانشجویان با هماهنگی  
حراست اطلاعات و مسولین  
دانشگاه انجام پذیرفته است. امروز  
آمد و رفت دانشجویان در دانشگاه  
به شدت توسط نیروهای حراست  
و امنیتی تحت کنترل است هنوز از  
مکان بازداشت دانشجویان خبری  
در دست نیست.

اسامي دانشجویان بازداشت شده به  
شرح ذیل است :

۱- مهدی شریف الدین نسبی ۲-  
نجات الله افشار ۳- علی کیایی ۴-  
علی تقی پور ۵- علیرضا  
کلارستاقی ۶- پیمان یاسی ۷-  
جواد میرشفیعی ۸- سیاوش نعیمی

## همبستگی کارگری، دستگیری دانشجویان

فوری و بدون قید و شرط آزاد  
کنید.

نامه کمیته همبستگی بین  
الملی اتحادیه کارگران خدمات  
عمومی کانادا، انتاریو

کاترین ناستوسکی  
رئیس کمیته همبستگی بین المللی  
اتحادیه کارگران خدمات عمومی  
کانادا، بخش استان انتاریو

۱۶ آوریل ۲۰۰۷

آقای محمود احمدی نژاد  
رئیس جمهور جمهوری اسلامی  
ایران

رونوشت به:

محمد رضا البرزی،  
سفیر هیئت دائمی  
جمهوری اسلامی  
ایران در سازمان  
ملل متحد در ژنو  
mission.iran@tie  
s.itu.int

Email: [dr-ahmadinejad@president.ir](mailto:dr-ahmadinejad@president.ir)

Fax: + 98 21 649 58 80

من این نامه را در محاکمیت رای  
دادگاه تجدید نظر استان کردستان  
علیه محمود صالحی مینویسم. بنا  
به آخرین اخبار، محمود صالحی،  
دیگر سابق انجمن انتظامی صنفی کارگران  
خباز سفر و یک فعال کارگری  
شناده شده در ایران، به یک سال  
زندان و سه سال حبس تعییقی  
محاکوم شده است. آقای صالحی  
در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۷ بدون  
ابلاغ قبلی دستگیر و بلافضله به  
زندان شهر سنندج منتقل گردید.  
وکیل و خانواده ایشان هیچگونه  
حکم کتبی ای را دریافت نکرده  
بودند.

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی  
در حمایت از کارگران در ایران  
**هجوم نیروهای امنیتی و انتظامی**  
**به دانشجویان مازندران**

دانشجویان اعتصابی و متحصن  
در دانشگاه نوشیروانی بابل،  
توسط نیروهای امنیتی دستگیر و  
بازداشت شدند.



این دانشجویان در اعتراض به  
ربوده شدن دانشجوی هم قطار  
خود بیژن صباح در چند روز  
گذشته دست به تحصن و اعتصاب  
گذازده بودند.

این کاملا روشن است که صالحی  
بخاطر فعالیتهای کارگری خود به  
زنان محکوم شده است،  
خصوصا با توجه به این واقعیت  
که دستگیریهای اولیه و آخرین  
اتهامات ایشان مربوط به تلاشیان  
جهت شرکت در مراسم اول مه  
۴ ۲۰۰۷ در شهر سقز بوده اند. من  
بشدت معترض به این قضاوت  
ناعادلانه هستم که نشانگر این  
است که دولت شما حقوق بین‌المللی  
کارگری و انسانی، همچون  
ازادی تشکل و حق برگزاری  
مراسم روز جهانی کارگر، را  
زیر پا گذاشته است.

من بینویسیله از شما میخواهم که  
بلافاصله مداخله نموده و تمامی  
احکام صادره علیه محمود  
صالحی را لغو نموده و ایشان را

## یادداشت سردبیر...

ایمن تر رژیم در داخل و منطقه اصل محوری است. اختلافی اگر هست، مثل همیشه و آنطور که تاکنون دینامیزم جدال جناهها را توضیح داده، روشهایی است که این اهداف را تامین میکند. دسته جمعی و به زبانهای مختلف در باد "منافع ایران" میدمند، دسته جمعی از "حق ایران در برخورداری از انرژی هسته ای" تهییج میکند، دسته جمعی علیه مردم و اعتراض کارگر و معلم و دانشجو شمشیر میکشد، دسته جمعی از مدنیت پوسیده اسلامی حرف میزنند، دسته جمعی دنبال راههای هستند که ضمن عبور از بحران و رفع خطر از اسلام عزیز مردم را سرجایشان بنشانند.

یکی خطر را مانند شمشیری روی سر مردم میگیرد و دیگری شعار بگرد تا بگردیم میدهد. یکی به بهانه تحریم و شرایط و فضای جنگی میزند و قلع و قلع میکند و دیگری مشغول کمپین انتخاباتی و عده های کشیمی و پوچ است. یکی مذاکره و بند و بست مخفی را سازمان میدهد و یکی کاسه داغ تر از آش میشود که "منافع ایران و ملت" درست و "باتدیر" نمایندگی نشده است. این او اخیر هم عده ای که همیشه کارشان سروپس دادن به "اسلام خوش خیم" است، ظاهرا مسئله را در دمکراتیک بودن و با دمکراتیک نبودن مسئله هسته ای یافته اند و طرح "رفراندم هسته ای" میدهد! گویا در دمکراتیک ترین کشورهای دنیا و کعبه آمال آنها، برای ساختن بمب و تسليحات نظامی و جنگ و غیره از مردم نظر خواسته اند!

همزمان بورشی همه جانبی به مردم آغاز شده است. دستگیری فعالیین زنان و احصار تعداد بیشتری یک مورد است. مقابله با "بدحاجابی" که مثل نماز برای مسلمان در جمهوری اسلامی است با شدت بیشتری آغاز شده است که این اسم رمز بگیر و بیند خیابانی و گسترش دامنه ارعاب است. دستگیری و ربوتن فعالین کارگری و راه اندختن بیدادگاههای نمایشی صحنه

در متن این بحران ناسیونالیسم ایرانی، و خطوط تبلیغاتی که از یک طرف به رژیم سروپس میدهد و از یک طرف مردم را از جبهه های واقعی منحرف میکند، بشدت و بیرحمانه کوبید. یک رکن مهم جدال امروز ما حمله به ناسیونالیسم و برافراشتن هویت انسانی در تقابل با جمهوری اسلامی و سیاستهای نظام نوینی است. اما هدف اساسی تر شکست دادن سیاستهای جمهوری اسلامی در کلیت آن است. تمام تلاش و سرکوبگری جمهوری اسلامی در این مقطع اینست که نبض سیاست را آنطور که میخواهد نگاه دارد و اجازه ندهد مردم با دخالت و اعتراض صورت مسئله را عرض کند. این را بارها گفته ایم و مجددا تاکید میکنیم که محور یک تلاش کمونیستی و پیشوپ بهم زدن اوضاع و طرح صورت مسئله مستقل مردم است. معلمان با اعتراضات و اعتصالاتشان همین کار را میکنند. دانشجویان در مازندران و شهرهای دیگر ایران همین کار را میکنند. جنبش زنان همین کار را میکند. این اهمیت و جایگاه این اعتراضات در قلمرو سیاست سراسری است. اول مه روز جهانی کارگر روز اعلام مانیفت کارگران و راه حل کارگری برای برونو رفت از این اوضاع است. ما باید در مقابل پرچمهای ارتقای طبقات حاکم و متحدين اپوزیسیونی شان پرچم طبقاتی و انسانی خود را برافرازیم! ما میتوانیم ناسیونالیسم را بکوییم و انتزاع ناسیونالیسم کارگری و انسان محوری را در سیاست روز حک کنیم! ما باید ارتقای میلیتاریستی و نظام نوینی و ارتقای اسلامی ناسیونالیستی را هدف قرار بدیم و منافع مستقل جنبش آزادی و برابر را تبنی و اعلام کنیم! ما میتوانیم بعنوان رهبر آزادی جامعه درد معلمان و دانشجویان و زنان را نمایندگی کنیم و پاسخ روش سوسیالیستی خود را بدیم! روز اول مه روز نفی مانیفت های مختلف دمکراتیک، ناسیونالیستی، بورژوائی، توده ایستی و سازشکارانه و پرو رژیمی، و روز اعلام مانیفت کارگری و سوسیالیستی برای آزادی کل جامعه است.

دلشان خوشحالند. میگویند حساب ایران را باید جدا کرد. این ایران که "وطن" ماست و این "ایرانی" که باید عظمت داشته باشد، سوال امروز و فردا نیست. به زبان آدمیزاد یعنی جمهوری اسلامی و احمدی نژاد علم دار افتخارات پوسیده و ارتقای ناسیونالیسم ایرانی شده است. طیفهای چپ تر این ناسیونالیسم که فکر میکند زیادی سیاستمدار هم هست، هر روز خبر منتشر میکند که هفت روز دیگر، پانزده روز دیگر، بمباران شروع میشود! گلوی مردم را میشارند بلکه در استیصال و سردرگمی و وحشت بتوانند پشت جناح دیگر بخط شان کنند. عده ای هم هاج و واج منتظرند بینند چی میشود! و اینجاست که توده ایم در سیاست خود را بیرون میزنند. کسانی که صبح تا شب دارند از دولت احمدی نژاد و شعارهای احمدی نژاد حرف میزنند و یک کلمه در مورد منافع مشترک کل جناههای رژیم در تقابل با مردم نمیگویند، اینها آگاهانه و شاید همان خطی است که در پس صورت مسئله کاذب "بحران اتمی" تلاش میکند جناح پرآگماتیست تر رژیم اسلامی موقعیتش بهتر شود. خط کلاسیک توده ایستی که حاکم بر عده جمهوریخواهان و ملیون ایرانی و بخشی از چپ است، میداند چکار میکند. ناسیونالیسم آنتی امپریالیستی این خط پلی است به ناسیونالیسم رژیمی و ناسیونالیسم راست پرو غربی. همینجا باید تصریح کنم که بازندۀ اساسی این دعوا ناسیونالیستهای هستند که ارض اعده ملی شان را با تلاشهای جمهوری اسلامی و یا بقول خودشان "عظمت ایران" یکی یافته اند.

**جبهه های نبرد در آستانه اول مه**  
صحنۀ سیاست ایران نشان میدهد که تلاشهای تاکنونی رژیم اسلامی و دستگاههای تبلیغاتی رسمی و غیر رسمی که به این تبلیغات سروپس میدهند، اگرچه صدمات و لطمات خود را بر فضای جامعه گذاشته است، اما مانع اعتراض و گسترش اعتراض نشده است. باید

## نامه ها

سیاوش دانشور

### جوانان از دیدخواه کرمانشاه

با تشکر خبر اعتضاب کارگران  
جهاد نصر کرمانشاه دریافت و  
منتشر شد. خسته نباشد.

### کامران پایدار عزیز،

خبر اعتضاب معلمان در یکشنبه  
دریافت شد. دست شما درد نکند.  
خسته نباشد.

### آرمان عزیز،

خبر اعتضاب کارگران فضای  
سبز آبادان دریافت و منتشر شد.  
خسته نباشد و دست شما درد  
نکند.

### رفیق برهان دیوارگر عزیز،

مطلوب شما در باره کمپین برای  
آزادی محمود صالحی دریافت و  
در همین شماره درج شد.

همانطور که در شماره قبل نشیره  
اعلام کردیم باید تلاشی گسترده  
برای به شکست کشاندن این  
سیاست ضد کارگری رژیم  
اسلامی را سازمان داد و پاسخ  
درخوری به رژیم اسلامی در اول  
مه داد. خوشبختانه تاکنون تحرک  
خوبی در این زمینه در داخل و  
خارج داشته ایم و باید تلاش کرد  
این اقدامات برای آزادی محمود  
صالحی و فعالین جنبش آزادی و  
برابری گسترش باید. موفق و  
پیروز باشید.

### رفیق رضا کمانگر عزیز،

نامه سرگشاده شما به Lauri Ihalainen  
های سراسری فنلاند برای عکس  
العمل به دستگیری و زندانی  
محمود صالحی دریافت شد.  
بگذارید امیدوار باشیم جنبشی که  
برای آزادی محمود صالحی و  
دیگر دستگیر شدگان هفته های  
آخر راه افتاده است میتواند به  
سرعت این اقدام رژیم اسلامی را

و سیاست درست آن را خنثی کرد. ایجاد تفرقه در هر مبارزه و اینجا در مبارزه و اعتضابات معلمان توسط رژیم را باید فرض گرفت. مسئله و سوال مقابله با این سیاستهاست. این کار باید توسط معلمین و داش آموزان پیش برده شود. بیشتر برای ما بنویسید. پیروز باشید.

### چرا "سربازان فراکسیون"؟

رفیق منوچهر زندیفر سوال و انتقادی به فراکسیون مطرح کردند که چرا رفقاء داخل میگن سربازان فراکسیون؟ این برای ما جنبه خوبی ندارد. برای ما حالتی فالانژی است.

### رفیق منوچهر زندیفر عزیز،

فراکسیون به دوستان داخل توصیه نکرده است که خود را با این نام خطاب کنند. این اسمی است که رفقاء خودشان انتخاب کردند و ما در اینمورد در همین نشیره توصیه کردیم که اسم دیگری را برگزینند. عین بخشی از پاسخ ما به این سوال در نشیره شماره یک دنیای بهتر اینست؛ ...

"روزبه عزیز، نامه شما در مورد "سازمان سربازان فراکسیون" و لیست اول بیست نفر از اعضاء در ایران و خارج دریافت شد. خسته نباشید. چند نکته را مایلم اینجا تاکید کنم؛

۱- کمونیسم جنبشی برای تحقق پرایری انسانهای است. حتی فردا در ارتش کارگری سرباز و فرمانده خواهیم داشت. اما علیرغم آرایش و انتظاطی که آگاهانه ممکن است در هر دوره بخود بگیریم، مناسبات ما حتی در یک سازمان نظامی مبتنی بر پرایری و احترام انسانی است. شما مختارید هر اسمی روی خود بگذارید، اما پیشنهاد میکنیم بجای "سربازان" از کمونیست های جوان، از هواداران کمونیسم کارگری، از نسل جدید سرخ و غیره استفاده کنید..."

صفحه ۳۰

منصور حکمت توده ای و پیروز شود. تاکید ما روی این نگرش و استنتاجات پراتیکی آن برای اتحاد جنبش کمونیسم کارگری حیاتی است. موفق و پیروز باشید.

### مانده چاوشی

ممنون از ارسال نشیره! امیدوارم روی حرفام فکر کرده باشید.

### مانده عزیز،

پاسخ حرفهای را در شماره قبل دادیم. فکر کردیم و پاسخ دادیم. تو هم به توصیه ها و حرفهای ما فکر کن و نظرت را برایمان بنویس. پیروز باشی.

### بهاره از تهران

سوالی دارم. چرا تحصین دانش آموزان در اعتضاب معلمان بیشتر در مدارس پسرانه بود و کمتر مدارس دخترانه به تحصین پیوست؟

### بهاره عزیز،

ایکاش نظر خودت و دوستانت را در اینمورد مبنوشتی. همین حد که دانش آموزان در نرفتن به کلاسها اعتراض و اعتضاب معلمان را حمایت کردند نکته مهمی است. در جریان هستی که نیروهای دولتی و آموزش و پرورش با اسم نهاد اولیای مدارس تلاش کرد که خانواده دانش آموزان و خود دانش دهد و یا دستکم با این عنوان این اعتراضات را مخدوش کند.

سیاستی که بورژوازی علیه بیشتر اعتضابات کارگری بویژه بخششای خدماتی و آموزشی و مثالهم بکار میرد. در مورد معین جمهوری اسلامی و هویت ضد زن آن حتی در این اعتراضات سختگیریهای ویژه تری در مورد مدارس دخترانه اعمال شده است. اما همین هنوز توضیح دهنده عدم شرکت کافی مدارس دخترانه در این اعتضابات نمیشود. در دانشگاهها با وجود شرایط مشابه شرکت زنان در اعتراضات گسترده تر است و باید موانع و سیاستهای ارتتعاجی رژیم اسلامی را شناخت و با تشكل

شکست دهد. این تنها با گسترش این تلاشها و ابتکارات متنوع میتواند حاصل شود. دست تمام جنبش کمونیسم کارگری حیاتی است. موفق و پیروز باشید.

### رهی از تهران

طی نامه هانی به شراره نوری روی این نکته تاکید کردند که در داخل مجتمع اماجرای انشعاب داستان دیگری دارد و اینکه فعالین جنبش کمونیسم کارگری تلاش میکنند بعنوان یک جنبش با خط منصور حکمت و قبل از انشعاب کارشان را پیش ببرند. اشاره کرده اند که وضعیت ما در داخل متفاوت از شمامت و ما ناچاریم که برای حضور در مقابل رژیم و دخالت در مسائل طور دیگری عمل کنیم.

### رهی عزیز،

ما با اظهارات مشابه از دوستان و رفقاء دیگری هم مواجهیم. تعداد زیادی هستند که میگویند هنوز انشعاب در حزب در داخل برای ما غیر قابل توضیح است. نظریاتی را در دو طرف رد میکنند اما نفس واقعه را متناسب با اختلافات فی مابین چه قیل و چه امروز نمیبینند. محدودیتهای داخل کشور و همینطور تقابل با جمهوری اسلامی و راستها، نه فقط کمونیست کارگریها و طرفداران خط منصور حکمت بلکه طیف گسترده تری از فعالین چپ و کمونیست و حتی ضد جمهوری اسلامی را در کنار هم قرار داده است. به عبارتی روشنتر بحشا دو سیاست دارد مستقل از مرز های موجود حزبی و سازمانی پیش میرود. یک نکته به نظر من بسیار با ارزش است و آن تاکید روی کمونیسم منصور حکمت است. کمونیسم در ایران تنها میتواند با اتکا به مارکس و

## نامه ها...

## رفیق علی جوادی عزیز

روشنتری دارد. توصیه من اینست که به حزب بپیوندید. این جنبش به هزاران کادر کمونیست روشین بین و مارکسیست برای سازماندهی انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم بعنوان تها راه فوری و ملزم بشریت امروز نیاز دارد. سربلند باشد.

## ره آن

## حال گروگان را درک کنید

خبر خوش هسته ای هم آمد و رفت و باز هم امیدهای ملت با حرشهای تند و مایوس کننده نماینده واقعی حکومت تروریست از بین رفت. باور خیلی ها هنوز به این خجال خوش بود که شاید رژیم در تندریوی هایش تعديل نشان دهد و کشور را از خطری که پیش رو دارد نجات دهد ولی خبر خوش هسته ای هیچ خیری برای ملت نداشت و مثل همیشه این ملت خسته دل باز هم مایوس شدند. اما چرا ما باور نمیکنیم اینها کی هستند و چه هدفی دارند. آیا هنوز معلوم نشده اینها به دنبال حکومت در سراسر جهان هستند. اینها کسب و نگهداری قدرت هر و عده و دروغی میگویند و تعهدی هم به آن ندارند. اینها از جنجال و هیاهو استفاده میکنند و کثرت جمعیت گمراه و ناگاه ابزار حکومت آنهاست. اینها به پول مفت فراوان احتیاج دارند، نفت، گاز، معادن طبیعی لقمه های ساده و چرب حکومت است. پنهان کاری دروغ، غیبت، ظاهر فربی روشن حکومت آنهاست. فقط بیچاره ملت که مقتول دروغهای هزارساله اینها هنوز دنبال عدل علی و دنیای خیالی ساخته هستند. ای مردم دنیا، مثال ملت ایران و حکومت اسلامی مثال گروگانی است که در دست تروریست اسیر است و تروریست کارد بر گلوی گروگان بر لبه بام ایستاده و طلب دنیا میکند. آهای کسانی که بیرون غوغای ایستاده نظاره میکنند و شعار میدهند و ۲۸ سال است دنبال راه حل میگردند تا تروریست را خلخ سلاح و محکمه کنند حال گروگان را بفهمید درک کنند برای اینها هیچ چیز مهم نیست

شاید گوشه هایی از حقیقت را بیان کند اما ماهیت اجتماعی و طبقاتی این رویدادها را نشان نمیدهد. نقد دمکراتیک از تجارب احزاب اردوگاهی و باصطلاح "کمونیستی"، پذیرش کلیت اهداف و سیاستها و خط مشی این احزاب را فرض میگیرد که ما با چنین نگرش و نقدی توافق نداریم. نقد دمکراتیک بیشتر موضع اردوگاه مقابله بود. تکرار اشتباوهای احزاب کمونیست جهان و جنبش اسیر اینست که پایه مادی و اجتماعی بورکراسی کدام است؟ منافع و اهداف مادی و زمینی کدام جنبشها بورکراسی را الزامي میکند؟ در این زمینه توصیه میکنم که خطوط یک نقد سوسیالیستی به تجربه انقلاب کارگری و میاحت بولتهای مارکسیسم و مسئله شوروی را مطالعه کنید. تردیدی نیست که اگر چه دچار منافع سکتی و خرد نباشد، از انشقاقات حزبی و سازمانی دیگر بخشنا نباید خوشحال شود. تردیدی نیست که تجارب ناگوار و تلح تاثیرات اجتماعی ناگوار و تلح بیار می آورد. با شما موافقیم که سوالات سیاسی پاسخ و راه حل سیاسی دارد. بطريق اولی پاسخ فراکسیون یک راه حل سیاسی است نه یک راه حل تشکیلاتی. ما "مبازه ایدئولوژیک" نمیکنیم، ما یک مجموعه نظریات کمونیستی و مبانی انتقادی و چه باید کرد داریم که با فرض موقعیت چپ و شناس کمونیسم در ایران تلاش میکنیم این دریچه را بیشتر باز کنیم. از نظر فراکسیون، علیرغم برخوردهای تاکنونی برخی از رفقا، حزب و عناصر و کادرهایش سرمایه های انسانی این جنبش اند و باید عزیز باشند. این ها همراه با نسل جدید چپی که با پرچم کمونیسم مارکس و منصور حکمت عروج کرده است، امید یک آینده آزاد هستند. ما به حقیقت و ارزش و مکان اجتماعی و تلاش تاکنونی حزب و جنبش مان علیرغم هر ضعف و کمبود پاییندیم و تلاش میکنیم خلا های را پر کنیم و به سوالاتی جواب دهیم که امکان پیروزی را تسهیل کند. و بالاخره دوره کنونی دوره تشکل و اتحاد و تحزب است. کمونیست منفرد صد البته انسان قابل احترامی است اما کمونیست مشکل به نیاز دوره پاسخ

تشکیلاتی است که در آن کار میکنید و این موجب سرافکندگی تمامی جنبش چپ در ایران است. این امر بسیار بدیهی است که در صورت اخراج فراکسیون شما، حتی اگر تعداد اعضا اخراج شده بسیار اندگ باشد بازتاب های خارجی آن در بین مردم عادی و سایر احزاب و گروههای اپوزیسیون برای حکما خوشایند نخواهد بود. تکرار اشتباوهای احزاب کمونیست جهان و زنگی عادی ام را که خود میدانید در این جهنم جمهوری اسلامی چگونه است، ادامه میدهم. اطلاع پیدا کردم که فراکسیونی در حزبستان تشکیل داده اید. حمید تقوائی را بسیار دوست دارم، شما را هم بسیار جالب بافته ام، اما حزبستان را بر سر و صدا میدانم که بهر حال لازمه کار حزبی است ولی تشکیلات شماست. جنبش سرنگونی در حال حاضر بیش از هر چیز نیازمند بحث و مبارزه ایدئولوژیک منطقی جهت یافتن راهکارهای جدید است و چپ به عنوان تعیین کننده سرنوشت جنبش نقش مهمی را در این بین بازی میکند. رکود گریبان کل دارد. بطريق اولی پاسخ فراکسیون یک راه حل تشکیلاتی. ما "مبازه ایدئولوژیک" نمیکنیم، ما یک مجموعه نظریات کمونیستی و مبانی انتقادی و چه باید کرد داریم که با فرض موقعیت چپ و شناس کمونیسم در ایران تلاش میکنیم این دریچه را بیشتر باز کنیم. از نظر فراکسیون، علیرغم برخوردهای تاکنونی برخی از رفقا، حزب و عناصر و کادرهایش سرمایه های انسانی این جنبش اند و باید عزیز باشند. این ها همراه با نسل جدید چپی که با پرچم کمونیسم مارکس و منصور حکمت عروج کرده است، امید یک آینده آزاد هستند. ما به حقیقت و ارزش و مکان اجتماعی و تلاش تاکنونی حزب و جنبش مان علیرغم هر ضعف و کمبود پاییندیم و تلاش میکنیم خلا های را پر کنیم و به سوالاتی جواب دهیم که امکان پیروزی را تسهیل کند. و بالاخره دوره کنونی دوره تشکل و اتحاد و تحزب است. کمونیست منفرد صد البته انسان قابل احترامی است اما کمونیست مشکل به نیاز دوره پاسخ

تشکیلاتی است که در آن کار میکنید و این موجب سرافکندگی تمامی جنبش چپ در ایران است. این امر بسیار بدیهی است که در صورت اخراج فراکسیون شما، حتی اگر تعداد اعضا اخراج شده بسیار اندگ باشد بازتاب های خارجی آن در بین مردم عادی و سایر احزاب و گروههای اپوزیسیون برای حکما خوشایند نخواهد بود. تکرار اشتباوهای احزاب کمونیست جهان و زنگی عادی ام را که خود میدانید در این جهنم جمهوری اسلامی چگونه است، ادامه میدهم. اطلاع پیدا کردم که فراکسیونی در حزبستان تشکیل داده اید. حمید تقوائی را بسیار دوست دارم، شما را هم بسیار جالب بافته ام، اما حزبستان را بر سر و صدا میدانم که بهر حال لازمه کار حزبی است ولی تشکیلات شماست. جنبش سرنگونی در طرف اعضا و هوادارانشان به نظرم سیار خنده دار است. آریتاورهای حزبی تان گاهی تا سر حد خوبیتگی پیش میروند و غلوهای خنده دار در مورد توامندی های حکما میکنند. اما دلیل نامه نوشتم این حرفها نبود است. روی صحبت با تمامی اعضا و هواداران حزب شماست. مقطع تاریخی که از نقطه نظر تاریخ حزبستان در آن قرار دارید، بنظر من بسیار حساس است. دو شاخه شدن حزبستان پس از انشاعاب حکمتیست ها از نظر من اسیب مهمی به عملکرد حکمتیست ها شما و حکمتیست ها زده است. تحلیل ام از انشاعاب حکمتیست ها اینست که فضای حزبی شما بسیار کمتر از نیاز دمکراتیزه بوده است چون در مقطع انشاعاب حکمتیست ها خط کشی های اعتقادی خاصی را مطرح نکرند و فقط بحث قدرت و تمرکز آن مطرح بوده و مابقی تماماً توجيهات ایدئولوژیکی است که ما چپ ها برای همه چیز میبافیم. بهر صورت در مورد فراکسیون شما مسئله به این سادگی ها نیست، از نظر من با توجه به کردیم که مشا فراکسیون فقدان فضای برای طرح نظرات نبوده حضور شما، فراکسیون ماهیت عمیق تری دارد. به هر حال به عنوان یک کمونیست که فعلاً عضو هیچ حزبی نیست، امیدوارم شما از حزبستان اخراج نشوید چون نشانگر غیر دمکراتیک بودن

شماست. از توصیه شما ممنون. برای ما سیاست کمونیستی و الگوی بازار و تجارت یکی نیستند، اگر شما از سیاست این را فهمیدید فقط باید گفت متأسفیم. سوسیالیسم و بازار را نمیتوان به هم دوخت، هر چند در پس پایان جنگ سرد تعداد زیادی مشغول اینکار شدند و سر از ناکجاپایان در آورند، چون منعنه بازار را با منطق حرکت بازار بهتر میتوان تامین کرد. در باره "یخ زدن در پلنوم"<sup>۱۴</sup> و "منجمد شدن در منصور حکمت" و امثالهم البته زیاد شنیدیم. ما با افتخار از مارکس و منصور حکمت دفاع میکنیم. شما اگر حرفی برای زدن دارید و فکر میکنید که صحبتیهای منصور حکمت در پلنوم چهارده به دوران یخ بندان متعلق است، لطفاً قلمتان را بردارید و زحمت کشیده و با استدلال و متنانت لازم همین را برای مردم تشریح کنید. از من پیشیرید که گوش شنوا پیدا میکنید. اما اگر قادر به اینکار نیستید قانون سه برای یک پیترائیهای مدرن دردی از شما دوا نمیکند. موفق باشید.

### رفیق سیاوش با درود

خسته نباشد. نشريه فراکسیون را مرتباً دنبال میکنم. بحثهای زنده ای به نظرم در نشريه هست که مذتهاست در نشریات دیگر متاسفانه نیست. هدف سلام و خسته نباشید به رفقا بود و یک سوال: چرا در دو حزب فراکسیون را برسمیت نشناختند؟ تا جانی که من از زمان شورای پناهندگان حزب را میشناسم، این سیاست بعد بود. قربانت، پیمان.

### رفیق پیمان عزیز،

از حسن نظرتان در مورد نشريه خوشحالم. راستش سوال شما در زمینه برخورد یکسان و منفی دو حزب به مسئله تقاضای تشکیل فراکسیون جای تعمق جدی دارد. در این ستون کوتاه نمیتوانم وارد بحث و استدلال شوم. اجازه دهد بفرصت دیگری واگذار کنم. موفق و پیروز باشید. ادامه در صفحه ۲۲

رفیق عزیز و گرامی خوش آمدی. هیچ جریانی نمیتواند اتحاد و همدمی ما فراکسیونیها را متزلزل کند. با امید به آزادی و برقراری جمهوری سوسیالیستی در ایران این مبارزه را با هم، در کنار هم، در داخل و خارج ایران به سرمنزل مقصد حواهیم رساند.

درود بر آزادخواهان و برابری طلبان جهان. زنده باد فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری.

ایران، تهران، سه شنبه، ۲۸ فروردین ۱۳۸۶

سازمان سربازان فراکسیون

### رفقای عزیز،

با تشکر پیامتان را برای رفیق داش فرستادیم و اینجا منتشر کردیم. یک نکته دیگر؛ رفیقی در مورد اسم شما سوال کرده و ما گوشه ای از یادداشت قلی را در پاسخ در همین ستون نامه ها منتشر کردیم. ما در مورد اسم کماکان همان توصیه سابق را داریم که در پاسخ آمده است. اما اگر مایلید خودتان هم توضیحی در اینمورد و دلیل انتخاب این اسم بدید خوشحال میشویم.

موفق و پیروز باشید.

ایرج عبداللهی  
سه برای یک

جماعت بشارتیست (که کرات آسمانی و نبات و جامد شما در مقطع پلنوم ۱۴ یخ زده است) لطفاً در ازای سه مرتبه ای که نشريه ارگان بشارتیستها را به سایت جوانان میفرستید یک بار هم نشريه جوانان کمونیست را در سایتتان تبلیغ و پخش کنید!!! پیترائی های بسیار مدرن هم قانون سه برای یک را اجرا میکنند!!!!

ایرج عبداللهی عزیز،

توصیه اول من اینست که دست از این تبلیغات مبتذل و اتهام پراکنی بردارید. این فرهنگ فوق العاده سطح پائین است، ارتقا شدن در بهترین حالت در همان سطح بازار و پیترائی مدرن مورد علاقه

### نامه ها ... از صفحه ۲۸

درک کنند برای اینها هیچ چیز مهم نیست نه گروگان نه خانه، نه عذاب جهنم نه قضاؤت تاریخ، هیچ چیز جز آقائی بر جهان. گروگان مرگ را به چشم دیده ذره ذره گوشت تنش آب شده و به دوراهی یا مرگ یا نجات رسیده هزار بار با زبان بی زبانی فریاد زده بزنید این تیر آخر را.

ره آن عزیز،

یادداشت شما را درج کردیم. تردیدی نیست که زندگی و حال و آینده مردم ایران توسط رژیم اسلامی و سیاستهای گرو گرفته شده است. اما این دعوا دو سو دارد؛ یک طرفش سیاستهای نظم نوبنی است و طرف دیگر اسلام سیاسی. حتی با ما موافقید که نجات مردم و یا نجات یک جامعه با نجات کسی که در ارتفاعی گیر کرده و هر لحظه ممکن است سقوط کند یکی نیست. این دومی را میتوان با کمکهای اوژانس نجات داد اما اولی را نه! برای نجات این گروگانها باید خود این گروگانها را بمیدان کشید و بسیج کرد. باید سیاستی را پیش برد که گروگان گیرها را از هر دو سو شکست داد. و این وقتی ممکن میشود که برگان و گروگانها علیه این وضعیت بپا خیزند. درک موقعیت و شناخت واقعیت اجتماعی نقطه شروع است اما همه کار نیست. باید دست به اقدام مشخص برای تغییر این وضعیت به نفع گروگانها زد. خود کشی و تیر آخر راه حل نیست، پیروزی سیاستی است که میخواهد مردم را به استیصال برآند و تسلیم کنند. راه حل سیاسی واقعی مقابله با سیاستهای نظم نوبنی و تروریسم اسلامی و ترسیم پیروزی استراتژی انقلاب کارگری است.



نشریه

## آزادی زن

را بخوانید و توزیع کنید!

آزادی زن معیار

آزادی جامعه است!

با درود

پیام سربازان فراکسیون به رفیق  
خسرو دانش پس از بازگشت  
مجدد به جمع ما:

## اطلاعیه کمیته دفاع از محمود صالحی در داخل کشور

اعضای کمیته دفاع از محمود  
صالحی عبارتند از:

۱- نه به زنراللهی ۲- بهزاد  
سهرابی ۳- برهان سعیدی ۴- مجید  
حمدی ۵- حسن زارعی ۶- شیخ  
امانی ۷- شجاع ابراهیمی ۸- عبدالله  
خیرابادی ۹- سارا گله داری ۱۰-  
جلال شربعتی ۱۱- فرهادی ۱۲-  
کریمی ۱۳- امید زارعی ۱۴- بهزاد گویلی ۱۵- اسد کریمی  
۱۶- خا ل سواری ۱۷- اسماعیل  
کاظمی ۱۸- ابراهیم وکیلی ۱۹-  
شمس الدین مرادی ۲۰- محمد  
نعمتی ۲۱- فردین نگهدار ۲۲-  
آمانچ خالصی ۲۳- هونمن سیفی  
۲۴- صدیق کریمی ۲۵- نجیب  
صالح زاده ۲۶- وفا قادری ۲۷-  
منصور محمدی ۲۸- شریف ساعد  
پناه ۲۹- سهیلا گله داری ۳۰- عمر  
مینایی ۳۱- حسن مفاخری ۳۲-  
احسن وزیری ۳۳- محمد عبدی  
بور ۳۴- جمال احمدی ۳۵-  
کیومرث اویسی.

<http://kdmahmodsalehi.blogfa.com/>

انجمن هواداران حکمت درود بر علی جوادی!  
دوستان انجمن هواداران حکمت با تشکر مایلیم بیشتر

نامه ها ....

در تماس باشیم.

اسماعیل اوجی

دست شما درد نکند. انتقادی اساسی و موشکافانه بدون اینکه به کسی توهین شود. فقط من در یک مورد کوچک، نظری دارم. وقتی میگوئید چپ سنتی بلاгласله حزب توده، اکثریت و احزاب از این قبیل به ذهنمان می آیند. ولی چپ رادیکال تعریف مشخصی ندارد. حتی خود شما سیاری از گروهها و جنشاهی پیشرفت، مدرن و کارگری را رادیکال مینامید. در این متن گاهی به جای یا به همراه چپ سنتی، چپ رادیکال آمده است.

اسماعیل اوجی عزیز،

ما بین چپ رادیکال و کمونیسم کارگری تفاوت قائلیم. چپ رادیکال امروز همان چپ سنتی سابق نیست. در این زمینه باید جداگانه حرف بزنیم.

نامه از ایران- تکلیف دانشجویان و روزنامه نگاران زندانی، تکلیف خانواده های قتلای زنجیره ای، بازماندان هزاران اعدامی سیاسی، تکلیف مردمی که زندگی «سیاه مانده، با کسانی که هنوز هم منافع «نظام»شان همچنان در چارچوب این را ترجیح می دهند چه خواهد شد؟ من بعنوان یک مسلمان از اسلام جز «نظام» نهی و ترمذ و تحريم چیزی ندیده ام.

دوسن عزیز - تکلیف مردم با وجود جمهوری اسلامی روش نمیشود. مدافعين رژیم بجای خود، اما تکلیف مخالفین روش نمیشود. باید جارویشان کنیم و جامعه ای مبتنی بر آزادی و حرمت انسانی و رفاه بسازیم.

کارگران و مردم آزادی خواه!

اسلامی را در پس حملات نظامی  
ایدایی و یا تحریم اقتصادی و یا  
جنگ انتظار داشته باشد.

پنوم ۱۴ حزب ...

در چنین شرایطی مردم حزب  
را بطور اجتماعی انتخاب  
کرده اند. حزب را بعنوان  
ما در سطح محلی توانسته  
باشیم یک بخش مؤثری از  
رهبران عملی کارگری را  
بخود جذب کرده باشیم و یک  
رادیکال جنبش های دیگر را  
بخود جذب کرده باشیم، آنگاه  
ما در موقعیت بسیار مناسبی  
برای کسب قدرت قرار گرفته  
ایم. و اگر مردم برای  
سرنگونی جمهوری اسلامی ما  
را انتخاب کنند آنگاه پاسخ  
اثباتی ما به مناسبات  
سرکوبگرانه سرمایه را نیز  
می پذیرند. راه پیروزی ما از  
این مسیر میگذرد.

\*\*\*

ستون آخر

ادامه از صفحه ۳۳

یک رکن سیاست تبلیغاتی  
جزریانات دست راستی در دفاع از  
سیاست حمله نظامی و جنگ این  
است که جنگ باعث تصعیف و  
کارگری و امر آزادی است.  
سست شدن بنیادهای رژیم  
اسلامی شده و متعاقباً مردم با  
سرعت بیشتری قادر به سرنگونی  
و تعیین تکلیف با رژیم اسلامی  
خواهند شد. در این سیاست  
تبلیغاتی جنگ "داروی تلخ" و  
حلقه ای برای رسیدن به اهداف  
این جنبش است. تنها یک سیاست  
فرقه ای و ضد اجتماعی میتواند  
گسترش مبارزات مردم و  
پیشرفت امر سرنگونی رژیم

نه جنگ، نه  
تحریم اقتصادی،  
نه بمب اتمی!  
زنده باد آزادی و  
رفاه برای همگان!

یادداشت سردبیر....

کارگران وطن ندارند! هیچ کارگر و انسان متمنی نباید این را فراموش  
کند. "وطن" ما آنچاست که همه چیز روپراه و آزاد است! برای  
نمایندگی کردن انسانیت و منافعش باید "وطنی" را که مالامال از لحن و  
ارتجاع و واپسگارانی است لایروبی سیاسی کرد. سال جدید سال اتحاد  
کارگری است، باید سال دیگری نباشد، و این در گرو درک موقعیت و  
سازماندهی و رهبری است. اول مه روز پاسخ یکجای اردوی کارگر و  
انسانیت به اردوی ارتاجع داخلی و بین المللی است.

پیش به سوی اول مه!

با نشریه برای یک دنیای بهتر همکاری کنید.

اخبار و گزارشات و نظراتتان را برای ما بفرستید. پخش نشریه و رساندن آن به دست دوستانتان را فراموش نکنید. با نشریه مکاتبه کنید.

siavash@yahoo.com Tel. +46 707 65 63 62

## ستون آخر

علی جوادی



### جنگ، سرنگونی و مخاطراتی که کمونیسم کارگری را تهدید میکند!

آیا پرچمداران دو قطب عظیم تروپریسم بین المللی معاصر به سمت یک جنگ و یا رو در رویی نظامی میروند؟ پاسخ بطور قطع و یا با دقت ریاضی قابل تعیین نیست. اما تمامی شواهد نشان از تشدید تخاصمات و بالا رفتن تنفس میان این دو قطب تروپریستی دارد. به هر حال خطر جنگ میان دو قطب تروپریستی با تمام عوارض دهشتتاش در بالای سر جامعه قرار گرفته است.

یکی از مخاطراتی که کمونیسم کارگری و چپ را در قبال جنگ احتمالی تهدید میکند "همسویی" خواسته یا ناخواسته با هر یک از دو قطب تروپریسم بین المللی است. تخفیف به رژیم اسلامی و یا فرعی کردن مبارزه علیه رژیم اسلامی به بهانه جنگ یک رکن چنین تهدید و خطری است. کمرنگ کردن مخاطرات ناشی از جنگ و حمله نظامی و یا اینکه حمله نظامی را عاملی در جهت "بی ثباتی" و "تضییف" و در نتیجه عاملی در جهت "پیشرفت" امر سرنگونی رژیم اسلامی تلقی کردن رکن دیگر این مخاطرات است.

جنگ ادامه سیاست است. خطر جنگ ادامه مخاطرات و کشمکشی است که هم اکنون دو قطب تروپریستی در بالای سر جامعه قرار داده اند. جنگ یک فاجعه ضد انسانی است. قربانیان جنگ و تحريم اقتصادی عادی تربیت مردم عادی هستند. باید در مقابل جنگ ایستاد. نباید اجازه داد تا دو قطب تروپریستی چنین حنگی را به شریعت متمن تحمیل کنند. نباید گذاشت فاجعه عراق را تکرار کنند.

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدنیه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیاپیش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همکان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیک و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در این زارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشکال مختلف به هر داده میشود و یا عامده اه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای پسر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتونه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از اسارت طبقاتی، از برنگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونیستی است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

### سایت و و بلاک فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

علیه جنگ مبارزه ای علیه رژیم منحوس اسلامی و مبارزه ای علیه ارتیاع نظم نوینی است. از طرف دیگر در صورت وقوع جنگ و شرایط نظامی ایجاد شده و در شرایطی که رژیم اسلامی یورش جدیدی را به بهانه جنگ علیه مردم سازمان دهد، باید تعریضشان را قدم به قدم به عقب راند و در هم شکست.

اما این تصور و یا این سیاست تبلیغی که جنگ محدود و یا عملیات نظامی ایذایی علیه تابیسات هسته ای عاملی در جهت تسریع امر سرنگونی رژیم اسلامی است و یا اینکه دارای چنین ظرفیتی است و باید امر سرنگونی را "تسريع" کند به معنای ندیدن ماهیت مخرب و جوهر ضد انسانی کشمکش و جنگ دو قطب تروپریستی جهان است. چنین سیاستی پایه سیاست تبلیغاتی جریانات راست پرو غربی و مدافعان ارتیاع نظم نوینی است.

ادامه در صفحه ۳۲

جنگ در عین حال که یک فاجعه عمیق انسانی و اجتماعی و یک عامل مخرب در زندگی مردم محروم و ستمدیده است در عین حال نیز امکان بی تفاوتی سیاسی برای نیروهای سیاسی جدی و حتی حاشیه ای باقی نمیگذارد. تاریخ معاصر مملو از چرخشاهی سیاسی است که جنگ زمینه ساز و عامل آن بوده است. نیروهای سیاسی با اتخاذ مواضع سیاسی خود در قبال جنگ بار دیگر هویت خود را به بوته آزمایش میگذارند. با جنگ نیز بسیاری از نیروهای سیاسی دگرگون میشوند.

## سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!